

هشدار امام!

قلم شیطان

((... به همه آقایان می گویم با هم جنگ نکنید. روزنامه ها را
پر نکنید از بدگویی از هم... انتقاد غیر انتقامجویی است.
انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می تواند
انتقاد صحیح بکند اما اگر قلم دستش گرفت انتقاد کند برای
انتقامجویی، این همان قلم شیطان است...))

صحیفه نور، جلد ۱۳ صفحه ۷۸



در گفت و گوی "جوان" با حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خسروشاهی بررسی شد:

امام خمینی (ره) و فتنه خلق مسلمان

صفحه ۸

راهکارهای وحدت از دیدگاه
امام خمینی (ره)

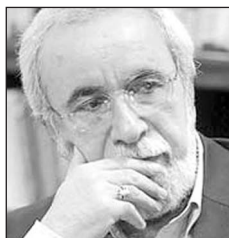
صفحه ۲

شمشیر اسلام و شمشیر مسیحیت از
نگاه یک یهودی

صفحه ۶

کانونهای بحران
در جهان اسلام و
ویژگی های هر کدام
نوشته: دکتر صباح زنگنه

صفحه ۵



آیت الله مظاهری:

در بسیاری از خبرها و
اطلاع رسانی ها اخلاق
انسانی و احکام شرعی
مراعات نمی شود

صفحه ۱۲



گزارشی از چهاردهمین همایش بزرگداشت ملاصدرا

تربیت فلسفی یا فلسفه تربیت

صفحه ۱۳

نگاهی به ترجمه تازه ای از آثار
علامه اقبال لاهوری

صفحه ۱۴

مفتی مصر:

کسی نمی تواند
میراث فقهی شیعه را
بی اعتبار کند

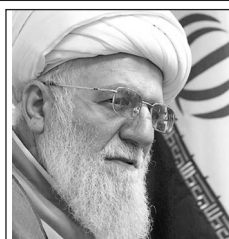
صفحه ۱۶



آیت الله جوادی آملی:

مشکلات کشور
نتیجه بی
اخلاقی ها است

صفحه ۱۶



آیت الله تسخیری:

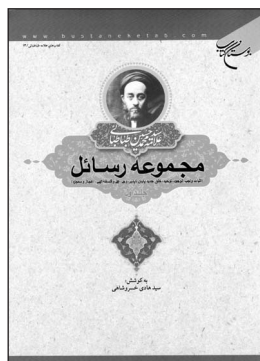
تقریب مذاهب و
گفتگوی ادیان،
استراتژی اساسی ایران
اسلامی است

صفحه ۴

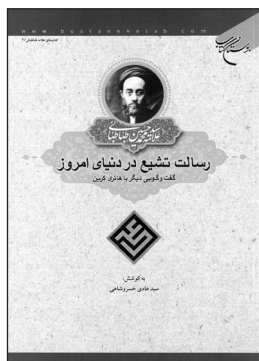


به کوشش استاد سید هادی خسروشاهی و توسط موسسه بوستان کتاب منتشر شد

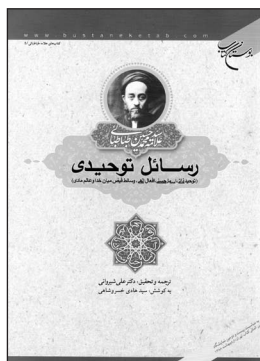
مجموعه آثار علامه طباطبایی



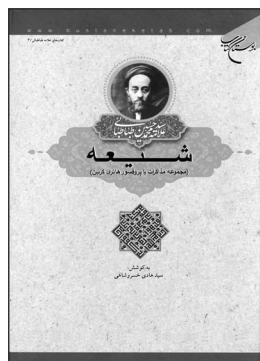
مجموعه رسائل (۲ جلد)



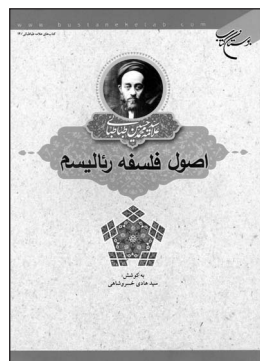
رسالت تشیع در دنیای امروز



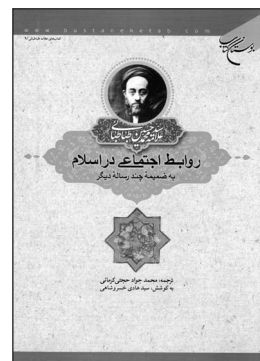
رسائل توحیدی



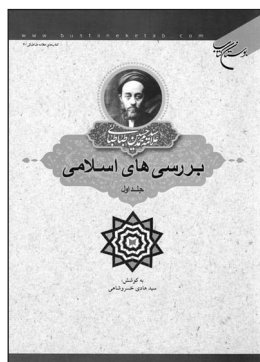
شیعه



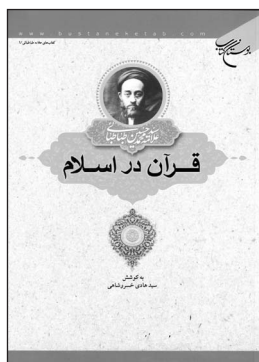
اصول فلسفه رئالیسم



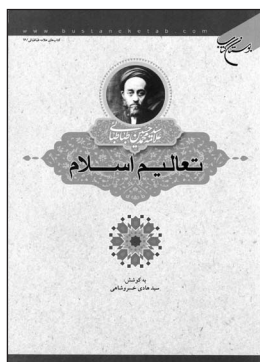
روابط اجتماعی در اسلام



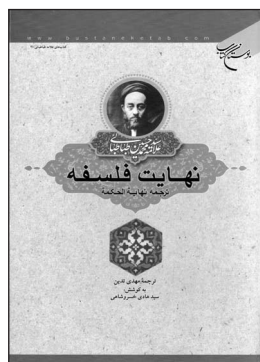
بررسی های اسلامی (۲ جلد)



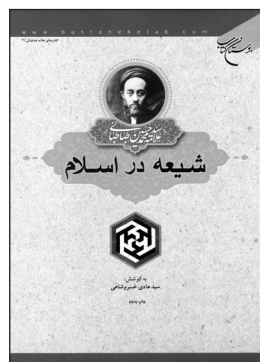
قرآن در اسلام



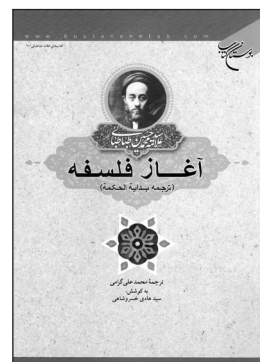
تعالیم اسلام



نهایت فلسفه

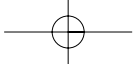


شیعه در اسلام

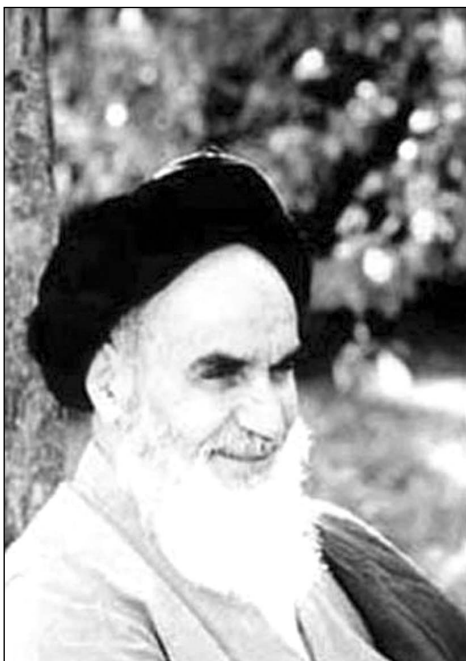


آغاز فلسفه

برای تهیه این مجموعه می توانید در قم به: (۱) ابتدای خیابان صفائی، کلبه شروق، تلفن: ۷۷۳۶۴۲۴ و (۲) چهارراه شهدا، بوستان کتاب، تلفن: ۷۷۴۳۴۲۶
و در تهران به نشانی: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، کتابفروشی روزنامه اطلاعات تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴ مراجعه فرمایید



راهکارهای وحدت از دیدگاه امام خمینی(ره)



درباره احترام متقابل گروههای مختلف جامعه به خصوص روحانیان و روشنفکران و دانشگاهیان می فرمایند:

لازم است طبقات محترم روحانی و دانشگاهی، با هم احترام متقابل داشته باشند. جوانان روشنفکر دانشگاهها به روحانیت و روحانیون احترام بگذارند خداوند تعالی آنها را محترم شمرده و اهل بیت وحی سفارش آنها را به ملت فرموده است. روحانیت قدرت بزرگی است که با از دست دادن آن خدای نخواستہ پایه های اسلام فرو می ریزد و قدرت جبار دشمن بی معارض می شود.

متأسفانه در جوامع اسلامی دستهایی دست به هم داده اند که نگذارند آنها به همبستگی و همدلی برسند و همواره در بین گروههای مختلف جوامع اسلامی تفرقه و اختلاف به وجود می آورند. روحانیان را به روشنفکران و جوانان و دانشمندان دانشگاهی و روشنفکر را به دین و یا روحانیون بدبین می کنند. توصیه حضرت امام این است که این دو قشر با دیده احترام به هم بنگرند و علی رغم حمله عمال اجانب به همدیگر احترام بگذارند و از تبلیغات سوئی که بر ضد آنها انجام می گیرد، احتراز کنند و هشیار و بیدار باشند که از سر غفلت یا جهالت به دام تبلیغات سو گرفتار نشوند.

۷- تمسک به مشترکات

مسلمانها و مذاهب مختلف اسلامی و همین طور اسلام با دیگر ادیان توحیدی مشترکات بسیاری دارند که تمسک به این مشترکات می تواند یکی از راهکارهای اساسی وحدت و همبستگی جوامع انسانی یا اسلامی باشد.

امام(ره) نیز بارها با تکیه و تمسک به وجوه مشترک در جهت ایجاد وحدت بین مسلمانان و حتی غیرمسلمانان همه را دعوت به وحدت می کردند. ایشان در پیامی که به مناسبت عید میلاد مسیح برای مسیحیان جهان فرستاد، با استناد به آیاتی از انجیل به مشترکاتی از مسیحیت و اسلام تمسک کرد و آنها را به وحدت دعوت نمود:

یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شئنان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتعوی و اتقوالله ان الله خبیر بما تعملون

خوشا به حال آنان که گرسنه و تشنه عدالت اند، از آن رو که سیر نخواهند شد (انجیل متی).

خوشا به حال آنان که از بهر عدالت زحمت می کنند، به سبب آنکه مملکت آسمانی از

حضرت امام(ره) این مهم را به خوبی دریافته بود و تمام فعالیتهای ایشان در طول مبارزه ضد استعماری خارجی و ضد استثماری داخلی، نشان از برنامه ریزی، سیاستگذاری و انجام فعالیتهای تشکیلاتی است. مثلاً پس از رحلت مرحوم آیت الله بروجردی، شاه تلگرامی به نجف فرستاد و وانمود کرد که در ایران مرجع متشخص و شخص مطرخی وجود ندارد و سپس به غائله لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی پرداخت. امام که نقشه شاه را خوانده بودند، قبل از اینکه خود اعلامیه بدهند یا عملکرد فردی دیگری انجام دهند، همه علمای مطرح آن روز را دعوت می کنند و در منزل مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری برای برنامه ریزی اساسی و مقابله جمعی و تشکیلاتی با این مسئله جلسه ای تشکیل می دهند. از طرف دیگر، نامه های بسیاری به بلاد و شهرهای مختلف می نویسند از علما و روحانیون هر شهر می خواهند هفته ای یک شب تشکیل جلسه داده و با مشورت و برنامه ریزی و سیاست گذاری اصولی، برای مقابله با حوادث پیش آمده موضع واحدی اتخاذ کنند.

۵- جلوگیری از اهانت

یکی از عوامل خطرناک تفرقه و اختلاف، توهین و افترا به افراد، جامعه و یا مذهب و اعتقاد دیگران است. راهکار اصولی در این زمینه نیز از بین بردن این عامل است. امام(ره) پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۴۳ وقتی متوجه می شوند در بین طلاب جوان صحتیهایی در هجو و بدگویی از بعضی از مراجعی که با امام همراهی نکرده اند رایج شده است، به شدت بر آشفته می شوند و می فرمایند:

آقایان متوجه باشید اگر چنانچه شطر کلمه ای به یک نفر از مراجع اسلام، شطر کلمه ای اهانت بکند کسی به یک نفر از مراجع اسلام، بین او و خدای تبارک و تعالی ولایت منقطع می شود. کوچک فرض می کنند فحش دادن به مراجع بزرگ ما را کوچک فرض می کنید؟ اگر به واسطه بعضی از جهالتها لطمه ای بر این نهضت بزرگ وارد بشود معاقبت پیش خدای تبارک و تعالی. توبه تان مشکل است قبول بشود چون به حیثیت اسلام لطمه وارد می شود. اگر کسی به من اهانت کرد سیلی به صورت من زد، سیلی به صورت اولاد من زد، والله تعالی راضی نیستم در مقابل او کسی بایستد دفاع کند، راضی نیستم.

امام با این از خود گذشتگی مانع ایجاد تفرقه در صفوف مبارزان و شکاف بین جمع مراجع می شوند و توطئه عواملی که به شکستن وحدت میان طلاب و روحانیون و مراجع امید بسته بودند خنثا می گردد. این عامل در سطح کلان جهان اسلام نیز راهکاری بسیار مؤثر برای وحدت و انسجام به شمار می رود. اگر اهانتها در تعابیر گفتاری و نوشتاری کاسته و یا به صورت کلی حذف گردد، احترام به همدیگر جایگزین می شود و زمینه گفت وگو و وحدت و اخوت حاصل می گردد.

۶- احترام متقابل

یکی از مهم ترین راهکارهای همبستگی و همدلی، احترام متقابل به همدیگر است. دو فرد یا دو جامعه و یا دو مذهب و اعتقاد ممکن است تفاوتها و تمایزاتی داشته باشند. راه مسالمت زیستی و همبستگی این است که نسبت به هم روابط احترام آمیز متقابل داشته باشند. این مسئله در بین گروههای مختلف یک جامعه و حتی افراد یک خانواده نیز صادق است. احترام متقابل موجب همدلی و وحدت می گردد. حضرت امام(ره)

و واحدی اتخاذ کنند.

۲- شناسایی کانون فساد و منشأ اختلاف

یکی از دقتها و موشکافیهای حضرت امام(ره) در باب راهکارهای وحدت، شناسایی کانون فساد و منشأ اختلاف است. از دیدگاه ایشان می توان استفاده کرد که ما نباید خود را درگیر مسائل ظاهری و سطحی اختلافها کنیم، باید ریشه های اصلی را پیدا کنیم و بخشکانیم. ایشان با هرگونه حرکتی که باعث انحراف افکار ملت از مجرم اصلی شود به مقابله برمی خیزند و به روشنگری و ارائه مسیر صحیح مبارزه می پردازند. نمونه های فراوانی از عملکرد امام نشان می دهد که به جای پرداختن به امور سطحی و اصلاح انحرافهای ظاهری، به اصل و منشأ آنها هجوم می برد. مثلاً هنگام طرح کتاب شهید جاوید در مجامع علمی و طرفداری عده ای از محتوای کتاب و مخالفت برخی دیگر با آن، می فرمایند:

فضیه مرحوم شمس آبادی شما خیال کردید یک چیز عادی بود، این همه جزء همانها بود که با طریقه های مختلف اینها می آمدند و درست می کردند. یک وقت شهید جاوید را پیش می آوردند، از این طرف و از آن طرف و یک ماه محرم و صفر و بیشتر منبرها همه خرج این می شد که شهید جاوید چی. از این طرف یک دسته ای تایید از آن طرف یک دسته ای تکذیب. یک قدری که این سست می شد، باز یک چیز دیگری درست می کردند. مرحوم شمس آبادی هم از این امور بود که شاید هم خودشان این کار را کردند (من نمی دانم) که یکی کسی را بکشند و صدا دربیابوند یک دسته از آن طرف و یک دسته از این طرف و بساط درست کنند و یک قدری که این کمتر می شد آن وقت یک کس دیگر را به میدان می آوردند که این کتابهایش چطور است. او می گفت کافر است، این می گفت مسلمان است. آن دیگری می گفت کافری است از ابو جهل بدتر. اما نقشه توی کار است. آنهاهی که اینها را درست می کنند نه به اسلام عقیده دارند و نه به روحانیت عقیده دارند و نه به هیچ چیز.

مبارزات حضرت امام(ره) با شاه فاسد و نقشه های اختلاف برانگیز او، نیز بر همین مبنا استوار بود. مبارزه با ابرقدرتهایی مثل آمریکا که همواره به اختلاف و تفرقه در جوامع اسلامی دامن می زند نیز از همین قبیل بود.

۳- پرداختن نویسندگان به وحدت

از راهکارهای اساسی دیگر، توجه و پرداختن نویسندگان و فرهنگیان و دانشمندان به وحدت و تولید کتابها و دیگر آثاری است که در زمینه وحدت و همبستگی باشند و جامعه اسلامی را به همدلی فرا بخوانند. حضرت امام(ره) در یکی از سخنان خود می فرمایند:

ای آقای محترمی که این صفحات را جمع آوری نمودید و به نظر علمای بلاد و گویندگان رساندید خوب است یک کتابی فراهم آورید که جمع تفرقه آنان را کند و همه آنان را در مقاصد اسلامی همراه کرده از همه امضا می گرفتید که اگر در یک گوشه مملکت به دین جساراتی می شد همه یک دل و یک جهت از تمام کشور قیام می کردند.

۴- برنامه ریزی و انجام کارهای تشکیلاتی

یکی از تأثیرگذارترین راهکارهای وحدت، برنامه ریزی، ایجاد انجمنها و انجام کارهای تشکیلاتی در مسیر همبستگی است. تلاشهای فردی هرچند هم مصرانه و با جدیت باشد، ثمر نیست. وحدت اسلامی و قدرت و شکوفایی جامعه اسلامی را با سیاست و برنامه ریزیهای بلند مدت از بین برده اند، لذا برای بازگشت اقتدار و همبستگی اسلامی نیز باید با برنامه و انجام کارهای تشکیلاتی و اساسی پیش رفت.

یکی از تأثیرگذارترین رهبران وحدت طلب و پیشوایان اصلاح گرای معاصر، امام خمینی(ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی است. او از برجسته ترین منادیان همبستگی و انسجام اسلامی به شمار می رود. اندیشه های این مرد بزرگ الهی در مرحله نظر باقی نمانده، بلکه غالباً جامه عمل پوشیده است. در زمینه وحدت نیز راهکارهای اساسی و کاربردی برای تحقق این هدف بزرگ ارائه نموده است که در ذیل به مهم ترین آنها اشاره می گردد.

۱- رهبری واحد

برای وحدت یک جامعه، رهبری واحد و اطاعت و پیروی از او، سخن نخست است. یعنی قبل از هر راهکار دیگر و انجام فعالیت در مسیر همبستگی، شناسایی یک رهبر واحد، گرد آمدن در کنار او و حرف شنوی از اوامر و دستورهای وی، از اهم راهکارهای وحدت به شمار می رود. این مسئله در دین امری پذیرفته شده و حتی مورد تأکید است. رسول خدا(ص) می فرماید:

اسمعوا و اطيعوا لمن ولاه الله الامر، فانه نظام الاسلام.

از حاکمان الهی اطاعت کنید و گوش به فرمان باشید، زیرا اطاعت از رهبری مایه وحدت امت اسلام است.

امام(ره) خود یک رهبر استثنایی و کاریزماتیک در این زمینه بود که محور وحدت و همبستگی جامعه اسلامی ایران گردید و انقلاب شکوهمندش را به ثمر نشاند. نقش رهبری واحد در اینجا جای هیچ حرف و حدیثی را باقی نمی گذارد. چنان که مقام معظم رهبری می فرماید: آیین انقلاب در دنیا بدون نام امام خمینی(ره) شناخته شده نیست.

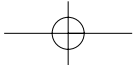
حضرت امام(ره) خود در زمینه رهبری واحد نیز بسیار مصر بود. ایشان تلاش بسیار زیادی در جهت انتقال مرحوم آیت الله بروجردی(ره) به قم و مرجعیت ایشان انجام دادند و نقش ایشان در جهت ایجاد رهبریت واحد در حوزه قم پس از رحلت مرحوم آیت الله حائری(ره) مورد اعتراف همه کسانی که در آن عصر در حوزه قم می زیسته اند، بوده است.

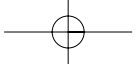
همچنین امام در نجف اشرف کوشش بلیغی در جهت حفظ شأن و مرتبه حضرت آیت الله حکیم انجام می دهند و از هرگونه عملی که کوچک ترین اثری در جهت تضعیف ریاست عامه ایشان داشته باشد خودداری می کنند. مثلاً وقتی برای اولین بار کتاب تحریر الوسیله ایشان، در نجف به چاپ می رسد، امام متوجه می شوند بر روی جلد این کتاب عبارت "زعیم الحوزات العلمیه" نقش بسته است. لذا بلافاصله دستور می دهند این عبارت پاک شود و می گویند: "والا کلیه این کتابها را به دجله می ریزم". اصرار یاران ایشان به جایی نمی رسد و بالاخره با مشکلات بسیاری این عبارت را پاک می کنند.

امروزه اگر رهبری واحد سیاسی در تمام ممالک و جوامع اسلامی به خاطر تفکیک و تقسیم جغرافیایی ممکن نیست، دو راه حل دیگر وجود دارد:

۱- همه کشورها و جوامع اسلامی، شورایی متشکل از دانشمندان، فقها و مفتیان اعظمی که با اندیشه تقریبی هستند، تشکیل دهند و این شورا برای تقریب و همبستگی جوامع اسلامی بکوشد و در مسائل بزرگ و مبتلا به، فتوای دینی و مذهبی که متناسب با مصالح امت اسلامی است صادر کند.

۲- جوامع اسلامی - همچون سران کشورها که گاهی جلسه دارند - به صورت اصولی و اساسی شورایی تشکیل دهند و اعضای این شورا در مسائل مهم بین المللی و منطقه ای به شور و مشورت بپردازند و در سیاست خارجی شان موضع مشترک





پیشگفتار

آنهاست (انجیل متی).

عید سعید میلاد مسیح پیامبر عظیم الشان که برای طرفداری مظلومان و برقراری عدل و رحمت مبعوث و با گفتار آسمانی و کردار ملکوتی خود، ظالمان و ستمکاران را محکوم و مظلومان و مستضعفان را پشتیبانی فرمود، بر ملتهای مستضعف جهان و ملت مسیح و مسیحیان هم میهن مبارک باد.
هان ای پدران کلیسا و روحانیان تابع حضرت عیسی، به پاخیزید و از مظلومان جهان و مستضعفان گرفتار در چنگال مستکبران پشتیبانی کنید و برای رضای خدا و پیروی دستور حضرت مسیح یک بار ناقوسها را در معابدتان به نفع مظلومان ایران و محکوم نمودن ستمگران به صدا درآورید.

حضرت امام در این پیام، مسیحیان را به طرفداری مظلومان و مستضعفان و برقراری عدل و رحمت و دوری و بیزاری از ظالمان و ستمکاران که مشترکات آموزه‌های دین اسلام و دین مسیحیت است، فرا می‌خواند. ایشان در دیدار با کلیمیان و زرتشتیان و مسیحیان ایران، با استناد به رسالت انبیای الهی در نفی ظلم و رفع تبعیض و بر افراشتن پرچم توحید و عدالت و تهذیب اخلاق مردم، آنها را به این مشترکات دعوت می‌نماید.

۸- پرهیز از مسائل تفرقه‌افکن

از راهکارهای مهم همبستگی، پرداختن به مسائل و پرهیز از امور تفرقه افکن است. امام(ره) به مصالح امت اسلامی همواره توجه می‌کرد و از حرکاتی که فایده ای جز ایجاد تفرقه در صفوف مسلمانان ندارد به شدت پرهیز می‌نمود. یکی از اموری که امروزه برخی از عوامل تفرقه‌افکن خارجی در جوامع اسلامی دامن می‌زنند و عده‌ای از بی‌خبران داخلی نیز آن را تکرار می‌کنند، مسئله خلافت و ولایت امیرالمومنین(ع) است. امام در یکی از سخنانشان می‌فرماید: امروز سر خلافت امیرالمومنین(ع) اختلاف کردن، خیانت به اسلام است.

و همچنین در پیامهایی که برای حجاج ایرانی می‌فرستند، می‌فرماید:

لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه که موجب تفرقه صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعت در منازل و گذاشتن بلندگوهایی مخالف رویه اجتناب نمایند.

در وقتی که در مسجدالحرام یا مسجدالنبی نماز جماعت منعقد شد مومنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخواوند.

از نظر حضرت امام(ره)، پرهیز از اختلاف و تمسک به وحدت و همبستگی مسلمانان به قدری اهمیت دارد که در فتوایی می‌فرماید: "در وقوفین متابعت از حکم قضات اهل سنت لازم و مجزی است اگر چه قطع به خلاف داشته باشید."

۹- ایجاد حکومت اسلامی

از کاربردی‌ترین راهکارهای وحدت، اقدام عملی در جهت ایجاد وحدت و همبستگی است. وحدت با آرزو و تخیل انجام نمی‌پذیرد. اگر واقعاً می‌خواهیم به وحدت حقیقت دست یابیم، باید بکوشیم در عمل وارد صحنه شویم و گامهای عملی و کاربردی در این زمینه برداریم. تشکیل حکومت اسلامی یکی از این اقدامات عملی است. حضرت امام(ره) می‌فرماید:

ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تامین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولتهای دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم. چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملتهای مسلمان بایستی حکومتهای ظالم و دست

نشانده را سرنگون کنیم و پس از آن، حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است بوجود آوریم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمانان است، چنان که حضرت زهرا(ر در خطبه خود می‌فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمانان به اتحاد است.

۱۰- اهتمام به امور مسلمانان در جهان

مسلمانان باید به سرنوشت همدیگر حساس باشند و به مصائب و مشکلاتشان ابراز احساسات نمایند. مسلمانان خارج از حوزه جغرافیای خاص خودشان، به امور مشترک دینی و باورهای ایمانی خود اهتمام به خرج دهند. حضرت امام با تعیین آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز "جهانی قدس" و "روز اسلام"، اهتمام خاص خود به امور مسلمانان را نشان دادند و نقطه عطفی در اتحاد میان مسلمانان جهان ایجاد کردند که هر روز و هر سال بر عظمت و ابهت این روز افزوده می‌شود. امام در این باره می‌فرماید:

روز قدس، روز اسلام است. روز قدس، روزی است که اسلام را باید احیا کرد و احیا بکنیم و قوانین اسلام در ممالک اسلامی اجرا بشود. روز قدس، روزی است که باید به همه ابرقدرتها هشدار بدهیم که اسلام دیگر تحت سیطره به واسطه عمال خبیث شما واقع نخواهد شد.

۱۱- بیداری و قاطعیت در برابر دشمنان و تفرقه‌افکنان

از نظر حضرت امام(ره) بیداری در مقابل دشمن، آگاهی از توطئه‌ها و برنامه‌های تفرقه‌افکنانه آنان و برخورد قاطع و دندان شکن با آنها، موجب اتحاد و همبستگی مسلمانان می‌گردد. موضع بسیار به حق امام با فتوای تاریخی و برخورد قاطع مبنی بر حکم ارتداد و اعلام حکم قتل سلمان رشدی که مورد اتفاق همه فرق مسلمانان است، باعث احیای اسلام و اتحاد مسلمانان در برابر دشمنان شد. پرداختن به این گونه امور از مسائلی است که مسلمانان را می‌تواند گردهم آورد و ریشه اختلاف و پایه توطئه دشمنان را از بن برکند.

۱۲- ایمان به هدف و بیداری امت اسلامی

یکی از راهکارهای وحدت این است که ما به هدف امیدوار باشیم، ایجاد وحدت امت اسلامی و بیداری جوامع مسلمان از خواب غفلتی که آنان را فرا گرفته است، برای ما خواب و خیال نباشد، بلکه آن را هدف تحقق یافتنی و در دسترس بدانیم.

امام با تمام وجود و با الهام و اعتقاد به وعده اجتناب‌ناپذیر الهی مبنی بر پیروزی مستضعفان بر مستکبران و امامت و رهبری آنان بر روی زمین، اولاً خود ایمان راسخ به آینده و تحقق وعده الهی و پیروزی و بیداری ملل مستضعف دارند، ثانیاً، با تکیه بر ایمان و اعتقاد محکم خویش، همواره ملل اسلامی و مستضعف جهان را امید به پیروزی و آینده‌نگری می‌دهد و همیشه از "آینده روشن" و "بیداری امت اسلامی" و همبستگی و اقتدار آنان به عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر و امید بزرگ یاد می‌نماید و مکرر به این حقیقت اشاره می‌کند. ایشان در سخنانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌فرماید: "خداوند پیروزی مستضعفین بر مستکبرین را وعده کرده و آنها را امانان روی زمین قرار خواهد داد و این وعده الهی نزدیک است و امیدواریم ما شاهد آن باشیم."

ایشان همچنین در مناسبتهای مختلف و در دیدار با گروهها و اصناف مختلف جامعه، به این حقیقت اشاره می‌نماید. در دیدار اعضای جنبش امل، اواخر سال ۱۹۸۰، در پاسخ به نامه گروهی از دانشجویان مسلمان در اروپا، در دیدار با افسران پاکستانی، اوایل سال ۱۹۷۹، در جمع خانواده‌های شهدا، در پیامی به انجمن اسلامی دانشجویان در کانادا و آمریکا، در پاسخ به پیام دهمین نشست اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا،

تقریب

و...، از قیام همگانی مستضعفان جهان، بیداری ملل اسلامی، پیروزی مستضعفان بر مستکبران، زمینه‌سازی حکومت جهانی مهدی آخرالزمان(عج)، تحقق وعده تخلف‌ناپذیر الهی و به انزوا کشیده شدن قدرتهای شیطانی، یاد می‌کند.

برآمد

با عنایت به آموزه‌های دینی و آثار عملی وحدت و انسجام اسلامی، ضرورت این امر روشن و بدیهی است و به نظر می‌رسد لزوم تلاش برای تحقق عملی وحدت و دوری از تفرقه، جای هیچ گونه شک و تردیدی ندارد و محل هیچ نوع تأمل و بحثی نیست. اما به دلیل برخی از زمینه‌های تفاوت، چه در عقاید و اصول و چه در احکام فرعی، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که وحدت بر چه محور و مبنایی و چگونه انجام شود و راهکارهای تحقق وحدت چیست. اندیشمندان و نخبگان فکری جهان اسلام بسیار کوشیده‌اند که راهکارهای مؤثری در این زمینه ارائه دهند و راه عملی وحدت را هموار سازند. بدون شک از جمله برجسته‌ترین فرهیختگان علمی و عملی این میدان، دو دانشمند مبارز، امام خمینی(ره) و سیدجمال‌الدین(ره) هستند که هر دو تلاشهای بی‌شماری برای تقریب امت اسلامی و برقراری مجد و عظمت اسلام، انجام دادند و سعی بلیغی برای رفع تفرقه کردند و راهکارهای عملی و مؤثری برای تحقق وحدت و انسجام اسلامی ارائه نمودند.

اگر بخواهیم راهکارهای سیدجمال‌الدین را به صورت خلاصه ترسیم کنیم، می‌توانیم بگوییم ایشان طرح بسیار جامع و فراگیری را در دستور کار علمی و عملی خویش قرار داد. از یک طرف با دولتها ارتباط برقرار نمود و طرح ایجاد وحدت از بالا را سر مشق فعالیتهای خود قرار داد. او در این عرصه "طرح ائتلاف و تقریب دولتهای مسلمان" و ایجاد حکومت واحد اسلامی را ارائه داد و برای تحقق عملی آن پیگیریهای بسیار فعال و مصرانه را با دستگاه خلافت عثمانی نیز آغاز نمود. از طرف دیگر، به ملت رو آورد و به طرح ایجاد وحدت از پایین دلخوش کرد و به نخبگان علمی و دانشمندان چشم دوخت و راهکارهایی همچون همبستگی و ارتباط عالمان دینی و متفکران اسلامی، ایجاد مرکزیت دینی و گفتمانی" و سازماندهی درجات علمی و وظایف علما را برای این قشر ارائه نمود و از زاویه دیگر تنها به اسلام اندیشید و راهکارهای اتحاد بر محور قرآن" و بازگشت به اسلام راستین" را مطرح نمود. چون هیچ نوع فعالیت اجتماعی بدون تشکیلات به سامان نمی‌رسد، لذا راهکارهای ایجاد تشکیلات" و ایجاد کنگره و مؤتمر اسلامی" را نیز ضمیمه راهکارهای خود نمود تا طرح جامع ایشان به طور کامل فراگیری خود را حفظ کند. از این لحاظ که رسیدن به هدف، مستلزم رفع موانع است، ایشان راهکار دیگری با عنوان شناسایی عوامل تفرقه و طرد و نفی آنها را نیز به راهکارهایش افزود.

حتی اگر سید در اجرای تمام طرحها و راهکارهای خود به موفقیت کامل دست نیافته باشد، می‌توان گفت حرکت و راهکارهای بسیار مؤثر وی سه نتیجه روشن و قابل توجه را برای جامعه اسلامی به ارمانغان آورد: ۱. باعث تقویت روح اتحاد و اخوت مسلمانان جهان اسلام گردید. ۲. موجب رشد و شکوفایی حرکتها و جنبشهای طرفدار اتحاد اسلامی شد و ۳. از همه مهم‌تر پیروانی برجسته‌ای چون کواکبی، رؤسای الازهر، شیخ عبدالقادر مغربی، اقبال لاهوری و... پیدا کرد که هر یک طلایه دار اتحاد اسلامی شدند و راه و آرمان سید را پس از وی دنبال کردند.

گرچه تمام راهکارهای حضرت امام(ره) برای تحقق وحدت و همگرایی اسلامی در یک مقاله

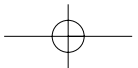
نیمه دوم خرداد ماه ــ شماره ۵ ــ ۳

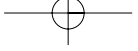
مختصر نمی‌گنجد، اما کلیت آن را می‌توان به صورت خلاصه ارائه داد. ایشان ، یکی از راهکارهای اساسی وحدت اسلامی را "ایجاد حکومت اسلامی" می‌دانست. حضرت امام برای تحقق این راهکار دست به دامن و آستان حاکمان هم‌عصر خود نگردید، بلکه در یک حرکت استثنایی و بی‌نظیر، حکومت غیراسلامی، ظالم و غاصب دوران خودش را سرنگون ساخت و به دست خود حکومت اسلامی تأسیس نمود و اصل "ولایت فقیه" را پشتوانه نظری آن قرار داد که ولایت عام، مشروعیت سیاسی و متصدی بودن خود در امور را به ولی مطلق و حاکم یگانه پیوند می‌زند. این حکومت اگر می‌خواست به وحدت اسلامی برسد، رهبری واحد می‌طلبید؛ لذا حضرت امام، نخستین و مهم‌ترین راهکار خود برای تحقق همگرایی اسلامی را رهبری واحد معرفی نمود. در سایه رهبر واحد است که راهکارهای دیگر روح می‌گیرد و کارایی خود را حفظ می‌کند.

امام خمینی(ره) به کارهای تشکیلاتی عنایتی خاصی داشت و برنامه‌ریزی و انجام کارهای تشکیلاتی" را جز راهکارهای مؤثر همگرایی می‌شمرد. تمام فعالیتهای عملی ایشان در براندازی حکومت چند صدساله طاغوت، نشان از برنامه‌ریزی دقیق و انجام کارهای پیشرفته تشکیلاتی است. یک دسته از راهکارهای امام(ره) با توجه به دشمن و منشأ اختلاف است. نگاه ژرف بین امام خمینی(ره) از سطح و ظاهر عبور می‌کند و عمق مطلب را می‌کاود و بدین‌سان راهکار شناسایی کانون فساد و منشأ اختلاف" را مطرح می‌سازد و از مسائل تفرقه‌افکن" بر حذر می‌دارد و درباره "دشمنان و تفرقه‌افکنان" هشدار می‌دهد و "بیداری و قاطعیت در برابر آنان" را یادآوری می‌نماید. به صورت کلی، به ایمان به هدف و بیداری امت اسلامی" تأکید می‌کند و اهتمام به امور مسلمانان در جهان" را از دیگر راهکارهای وحدت بر می‌شمارد و به مسلمانان توصیه می‌کند که برای تحقق وحدت و همگرایی احترام متقابل" داشته باشند و "از اهانت به همدیگر خودداری نمایند و به جای طرح مسائل تفرقه برافکن تمسک به مشترکات" داشته باشند. حضرت امام(ره) نقش نخبگان و فرهیختگان را برجسته می‌داند و از نویسندگان دعوت می‌نماید که برای تحقق وحدت و همگرایی دست به قلم شوند و جامعه اسلامی را به وحدت و همدلی فرا بخوانند.

به طور کلی می‌توان گفت، حضرت امام(ره) درد و ضعف ملت اسلامی را در تفرقه می‌داند و مجد و عظمت را در وحدت و همدلی. بدین‌سان راهکارهای مؤثری برای تحقق همگرایی و همدلی ملت اسلامی ارائه می‌دهد و خود نیز پای در میدان می‌نهد و بسیاری از آن راهکارها را تحقق می‌بخشد و جامه عمل می‌پوشاند. راهکارهای حضرت امام نیز، چنان که بیان شد، راهکارهایی فراگیر است و از دولت گرفته تا تک افراد را در بر می‌گیرد و برای آنها وظیفه معین می‌کند. در این سازکار، نخبگان، فرهنگیان و اهل قلم باید به بیداری ملت بپردازند، سیاستمداران به تشکیل حکومت اسلامی بیندیشند و تک‌تک افراد جامعه با چشم باز و با دقت و ژرف‌اندیشی دشمنان و دوستان خود را بشناسند و با ایمان به هدف و تحقق بیداری امت اسلامی حرکت و جوشش همگرایی را آغاز نمایند. در این ساختار و این راهکار تفاوتها نادیده گرفته نمی‌شود. مسلمانان می‌توانند با زبان و بیان نرم و احترام متقابل تفاوتها را مطرح کنند و از اهانت به دیگری به شدت پرهیز نمایند، تا زمینه گفت‌وگو و در نتیجه اخوت و همدلی مهیا گردد. در این صورت است که امت واحده اسلامی تحقق خواهد یافت.

منبع: خبرگزاری تقریب





آیت الله تسخیری:

تقریب مذاهب و گفتگوی ادیان، استراتژی اساسی ایران اسلامی است

اسلامی را در این راستا تشریح کرد. وی با ذکر تلاشهای فرهنگی و علمی مجمع اعم از انتشار مجلات، کتابها، تحقیقات و شرکت در کنفرانسهای متعدد داخلی و بین المللی جهت روشنگری، بر همکاری مستمر این مجمع با رهبران ادیان آسمانی دیگر کشورها تأکید و از روابط و همکاری خوب این مجمع با رهبران کاتولیک و ارتدکس در کشورهای مختلف جهان بخصوص اروپا و آمریکا یاد کرد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ضمن قدردانی از وضعیت خوب مسلمانان در استرالیا اظهار امیدواری کرد وضعیت مهاجرین که مورد استقبال دولت استرالیا هستند روز به روز در راه تأمین حالت طبیعی انسانی بهبود یابد.

وی جمهوری اسلامی را کشور وحدت‌طلب و یار انسانهای مستضعف و استراتژی اساسی نظام را تقریب بین مذاهب و گفتگوی ادیان و همکاری فرهنگها دانست و هرگونه تلاشی که به



دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در دیدار شیخ اسماعیل از رهبران اسلامی استرالیا و مایک آینس براون سفیر استرالیا در تهران با تشریح اقدامات این مجمع جهت اتحاد ادیان و دفاع از ارزشهای انسانی، گفت: تقریب مذاهب و گفتگوی ادیان استراتژی اساسی ایران اسلامی است.

در این دیدار آیت‌الله تسخیری با تبیین اهمیت اتحاد مسلمانان و همراهی ادیان برای دفاع از ارزشهای انسانی، تلاش مجمع جهانی تقریب مذاهب

وظیفه علما در کمک به تقریب مذاهب اسلامی

بر دوش دارند.

به گفته نجفی، علمای دینی باید بتوانند با درایت و هوشیاری و شناخت دوستان و دشمنان امت و نقشه ها و توطئه های آنان، امت مسلمان را هدایت و جهت دهی کنند.

وی با اشاره به تلاش های فوق العاده رسول اکرم (ص) برای برقراری وحدت میان طوایف مدینه گفت: رسول خدا(ص)در سایه وحدت امت اسلامی بود که توانست نظام حکومتی اسلام را شکل و سازمان دهند و دین خدا را توسعه و گسترش دهد.

حجت الاسلام نجفی افزود: این وظیفه علماست که با تأکید بر اشتراکات، حول آن امت اسلامی را متحد و برای تأمین منافع مادی و معنوی و عزت واقتدار مسلمین تلاش کنند. وی نگاه بنیانگذار جمهوری

تقریب امت راهبرد برون رفت از مشکلات

بحرین در شکل دهی میراث شیعه اظهار داشت: میراث علمی به جای مانده از فقیهان شیعی بحرین در ادوار گذشته چنان قوی و محکم است که گاهی برای دستیابی به بخش هایی از فقه یا میراث اسلامی و شیعی، چاره‌ای جز رجوع به منابع به جای مانده از علمای این کشور وجود ندارد.

وی یادآورش: حضور بحرین در عرصه فکر اسلامی رو به افزایش است و در این کشور نه تنها عقب‌گردی در این زمینه وجود ندارد، بلکه نوعی پیشرفت و تعامل و رو به جلو بودن مشاهده می‌شود.

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی یادآورش: در عرصه‌های نگاه به امت اسلام و وحدت اسلامی، آثار، مکتوبات و دیدگاه‌های علمای بحرین

این استراتژی خدشه‌بزند را مردود شمرد. آیت‌الله تسخیری در سخنان خود یادآورش: جمهوری اسلامی ایران براساس فرمان رهبری آن با وجود هرگونه سلاح‌های کشتار جمعی مخالف است و تولید سلاح اتمی را حرام می‌داند، لذا ایران ضد تروریسم، فقر، جهل و گسترش بیماری‌های ویرانگر است از این رو ما فقط به دنبال صلح جهانی، عدالت و نشر ارزشهای انسانی و داشتن حقوق طبیعی خود هستیم. لذا داشتن تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای را حق طبیعی خود می‌دانیم واز آن عدول نخواهیم کرد.

در ادامه این دیدار، شیخ اسماعیل از رهبران مسلمان استرالیا با مهم توصیف کردن مسئله وحدت و برادری ، هدف سفر خود را تقویت ارتباط مسلمانان در دو کشور و انسانهای آزاده دانست و آرزو کرد بتواند از تجارب مجمع تقریب و چگونگی پیاده کردن روحیه اخوت و برادری در میان مسلمانان و سایر انسانها استفاده کند.

اسلامی ایران امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به امت اسلامی را از جنس نگاه رسول اکرم (ص) و همانا وحدت بخشی به امت اسلامی دانست و گفت: رهبر معظم انقلاب این مسئولیت عظیم را امروز بر دوش گرفته اند و اطاعت از ایشان بر همه ما واجب و لازم است.

سید محمد سعید حسینی " عضو شورای افتای کردستان نیز در این نشست گفت: علمای اسلامی باید با تکیه بر مشترکات، از اموری که موجب تفرقه است، دوری کنند.

وی افزود: تمام مذاهب اسلامی در اصول که نیاز اصلی و اساسی برای تقریب و وحدت امت اسلامی است، مشترکند و دلیلی نیست که بخواهیم بخاطر بعضی مسایل فرعی، امت را به تفرقه و جدایی بکشانیم.

نشان می‌دهد با وجود برخی مشکلات، آنها هیچ گاه هدف را گم نکرده و نگاهی فراتر از مرزهای بحرین به سمت همه جوامع اسلامی دارند.

وی گفت: از اینکه در بحرین، به عنوان بخشی از امت اسلام، علمایی آگاه، استقلال خواه و مدافع حقوق مردم زندگی می‌کنند، بسیار خوشحال هستیم. رئیس مجلس علمای بحرین در این دیدار خواهان تعامل و همکاری بیشتر میان پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مراکز علمی پژوهشی کشور بحرین شد. در این دیدار سید مجید مشعل، رئیس مجلس علمای بحرین، شیخ علی منتقوی، عضو جمعیت التوعیه، شیخ فاضل ذاکي، عضو مجلس علمای بحرین، و عبدالله دقاق، مدیر حوزه علمیه تخصصی اطهار، حضور داشتند.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

اقدام اخیر صهیونیست ها نشانه اوج عجز آنهاست

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی طی بیانیه‌ای با محکومیت شدید حمله صهیونیست‌ها به کاروان امدادرسانی به غزه تصریح کرد: " امروز با کوتاهی دولت‌های اسلامی و عربی، سازمان‌های بین‌المللی نیز دچار سکوت مرگباری شده و از محکومیت لفظی این جنایات بازمانده‌اند."

به گزارش روابط عمومی مجمع تقریب در این بیانیه آمده است؛

"بار دیگر سرزمین فلسطین که صحنه‌های دردناک به شهادت رسیدن مردم بی‌دفاع و زنان و کودکان را پشت سر گذاشته، شاهد حمله رژیم صهیونیستی به کاروان کمک‌های بشردوستانه آزادی غزه است."

"حمله رژیم صهیونیستی به کاروان امدادرسانی به غزه بعد از محاصره غزه قهرمان و به گرسنگی کشاندن و قطع برق و در معرض مرگ قرار دادن مادران و کودکان بر اثر نبود دارو و غذا، دل هر انسان شرافتمند به ویژه مسلمان مؤمن به ارزش‌های اسلامی را شدیداً به درد آورد، اقدامی خطرناک و جنون‌آمیز و نشانه اوج عجز رژیم اسرائیل است."

امروزه، با کوتاهی دولت‌های اسلامی و عربی در انجام وظایف خویش نسبت به این مسأله، سازمان‌های بین‌المللی که به دروغ مدعی دفاع از حقوق بشر و عدالت هستند نیز دچار سکوت مرگباری شده و از محکومیت لفظی این جنایات ناتوان مانده‌اند."

"مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ضمن محکوم نمودن این اقدام شرم‌آور، این حملات تروریستی را کینه‌توزی و شعله‌ور کردن آتش فتنه برشمرد و از سازمان‌های حامی حقوق بشر و در رأس آن سازمان ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی خواستار پیگیری مجدانه این امر و جلوگیری از پایمال شدن حق مظلومان فلسطین است."

روابط مستحکم شیعه و سنی درعراق

نماینده پارلمان کردستان عراق گفت: علمای اهل سنت و شیعه عراق اختلافات ناچیزی را که اشغالگران بین آنها به وجود آورده بودند به خوبی کنترل و حل و فصل کردند و باید بگوییم ارتباط میان سنی و شیعه در عراق ارتباطی مستحکم، آئینی و تاریخی است.

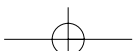
"بلال سلیمان عبدالله"نماینده پارلمان کردستان عراق، در گفتگوی تلویزیونی با سیمای کردی شبکه جهانی سحر در رابطه با مرجعیت شیعه و نقش و جایگاه آن در تحولات سیاسی عراق گفت: ارتباط مستحکم علمای اهل سنت کرد با علمای شیعه در جنوب عراق از گذشته تا کنون موجب درک متقابل آنها نسبت به یکدیگر شده و با وجود تلاش دشمنان برای ایجاد تفرقه، همچنان اتحاد آنها حفظ شده است.

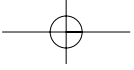
وی در خصوص پیشینه تاریخی و چگونگی رابطه مرجعیت شیعه با دیگر اقوام کشور عراق به ویژه کرد و اهل سنت توضیح داد: پس از جنگ جهانی دوم و پس از اشغال عراق توسط بریتانیا، مرجعیت شیعه نقش مهمی در روند سیاسی عراق ایفا کرده است. در آن سال‌ها مرجعیت شیعه بر ضد اشغالگران فتوای جهاد صادر کردند. ابتدا شیعیان در جنوب عراق و بعد از آن کردها در سلیمانیه، ارتش قدرتمندی برای حمایت از این فتوا تشکیل دادند. نیروی خستگی ناپذیر مردم و علمای اسلامی اعم از شیعه و سنی، باعث افزایش جوش و خروش مردم در مبارزه با اشغالگران و دفاع از کرامت مردم و کشورشان شد که تاکنون نیز ادامه داشته و دارد. در واقع نقش مرجعیت دینی در ایجاد و افزایش حس میهن پرستی و دفاع از کشور عراق بسیار قابل توجه و چشمگیر است.

نماینده پارلمانی کردستان عراق همچنین در اشاره به چگونگی ارتباط مرجعیت شیعه با علمای اهل سنت در عراق اظهار داشت: ارتباط بین مرجعیت شیعه با علمای اهل سنت در کشور عراق، همواره ارتباط مثبت و مطلوبی بوده است و مشکلی در این میان نبوده و نشست‌های بسیاری نیز میان ایشان برگزار شده و در مجموع گرایش‌های مذهبی در عراق هیچگاه تندرو نبوده‌اند، هرچند با ورود نیروهای بیگانه به این کشور تا حدی دو دستگی ایجاد شده است.

وی در پاسخ به این که مرجعیت شیعه در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ میلادی چه تاثیری بر تحولات عراق و جریانات سیاسی داشته، اظهار داشت: این سال‌ها، زمان انتقال وضعیت عراق بود که افراد میهن پرست و وطن دوست توانستند نقش خود را ایفا نمایند. در این میان علمای اسلام و از میان آنها علمای شیعه و به صورت مشخص تر آیت‌الله سیستانی تاثیر بسزایی در رفع اوضاع نامطلوب عراق داشتند. ایشان آگاهانه اوضاع را تحت کنترل داشتند و در زمان انفجارهای سامرا به صورت جدی جهت آرام کردن اوضاع اقدام نموده و موفق نیز شدند ضمن آنکه توانستند مانع از ایجاد تفرقه از سوی دشمنان شوند.

نماینده پارلمان کردستان عراق در پایان به دلایل موفقیت مرجعیت شیعه در سالهای مزبور اشاره کرد و گفت: دلیل این موفقیت آن است که مردم همواره مدافع علمای مذهبی بوده‌اند، چراکه معتقدند ایشان همیشه مصلحت مردم را مدنظر داشته و دارند. در مجموع در مواجهه با مشکلات پیش آمده، مردم به علمای دینی و به ویژه آیت‌الله سیستانی پناه برده‌اند و ایشان توانسته است به خوبی از عهده حل و فصل اوضاع بر آید و گروه‌های دینی را با یکدیگر متحد و برادر کند.





کانونهای بحران در جهان اسلام و ویژگی های هر کدام

پیشگفتار:

جهان اسلام مرحله حساسی از تاریخ خود را سپری می کند که دارای اثرات سترگی بر آینده آنست؛ از یک سو خلقهای اسلامی خویشتن و هویت خویش را کشف می کنند و در حالتی از نگرانی ناشی از غارت ثروت ها و منابع خود بسر می برند و از سوی دیگر با چالش های فراوانی در هستی و چگونگی گزینش راه و آیین خود روبرو هستند و از فشارهای داخلی و خارجی فراوانی در پیوند با استقلال در تصمیم گیری و آزادی بیان خود رنج می برند و فریبکارانه ضمن کوشش های جدی برای در هم شکستن عزم و اراده خود با چنین القایی روبرو هستند که قادر به تشخیص و تمیز راهها و انتخاب گزینه درستی برای خود نیستند.

در چنین اوضاع و احوالی شاهد آنیم که بذر اختلاف و تفرقه در میان بخش های مختلف، فرصتی برای پرداخت خردمندانه و تأمل مدبرانه در جهت حل این بحران ها برای آن نمی گذارد.

با اینحال، از یک سو در بحرانهایی که ملل اسلامی با آنها روبرو هستند، به لحاظ چند و چون، عناصر مشترکی وجود دارد و از سوی دیگر این نوع بحران هارا به لحاظ تعلق به نظام ها مختلف این جهان، ویژگی های متفاوتی از یکدیگر متمایز می سازد؛ در این مقاله ما بر موضوع وحدت اسلامی و بحران تفرقه انگشت خواهیم گذارد.

بدون تردید شناخت آن عناصر مشترک و این ویژگی های مختلف، کمک شایسته ای در گزینش نوع راه حل ها و شیوه های مدیریت بحران ها و انتخاب ابزارها و وسایل و مکانیسم های کارآمد خواهد کرد؛ کاری که در این نوشته بدنبال آنیم.

در نگاهی گذرا به سرتاسر جهان اسلام، می بینیم که مراکز بحرانی متعدد و فراوانی وجود دارند و غالباً نیز دو قاره آسیا و آفریقا - یعنی دو قاره ای را که به لحاظ جمعیت مسلمان از تراکم بالایی برخوردارند - دربرمی گیرند.

این یکی از موارد مشترک کانونهای بحران و بویژه تششت های فرقه ای است؛ این فتنه های فرقه ای عمدتاً قلب جهان اسلام در لبنان و عراق را نشانه رفته اند گو اینکه در پاکستان و افغانستان نیز از حدّت و شدّت کمتری برخوردار نیستند.

این کانونها در سودان و چاد و سرانجام در یمن از ویژگی دیگری برخوردارند. در این میان کوشش هایی برای شعله ور ساختن فتنه های فرقه ای یا نژادی و فرقه ای در ایران هم صورت می گیرد؛ گاهی نیز شاهد مفسده جویی هایی در مصر، الجزایر و مراکش هستیم که تشدید می شوند و سپس آرام می گیرند یا اینگونه برای ما جلوه می کند.

هند نیز به رغم اینکه مسلمانان در آنجا اقلیت بسیار بزرگی را تشکیل می دهند و اقلیت ها احکام ویژه خود را در حرکت های اجتماعی دارند، از بروز اختلاف میان مسلمانان برکنار نیست.

اقلیت های اسلامی و اختلاف های فرقه ای:

با عطف توجه گذرایی به اقلیت های مسلمان در خارج از جهان اسلام شاهد برخی نمودهای اختلاف و تفرقه هستیم ولی این اختلاف ها کمتر ظاهر می شوند گویی قلب جهان اسلام درگیر اختلاف های بیشتری است با این حساب آیا پیرامون جهان اسلام می تواند وحدت و سلامتی را به این جهان بازگرداند؟

این کدام عامل است که برخی مناطق را با تنش بیشتر و آماده بحران ها و افت وخیزهای اجتماعی فزونتری می سازد؟

آیا شرایط درونی مشخصی وجود دارد که محیط را آماده و زمینه را مساعد برای اختلاف و تفرقه می سازد یا شرایطی عینی و خارجی است که خود را بر آن جوامع تحمیل می کند؛ یا اینکه عوامل موثر در این راستا، آمیخته ای از اسباب داخلی و خارجی و علل درونی و بیرونی است؟

و چرا شاهد تشدید این تفرقه ها و درگیری ها در پرتو شرایط معینی و آرام گرفتن آنها در همان منطقه ولی

در پرتو شرایط دیگری هستیم؟

بنابراین پرسش اصلی از این قرار است: ویژگی های کانون های بحران در جهان اسلام کدام است؟

در اینجا حتماً باید روی یک حقیقت علمی - اجتماعی انگشت بگذاریم و آن اینکه در مسائل اجتماعی کار تعمیم دهی جز در گفتن تبلیغی و سیاسی، مفید فایده نیست. چنین تعمیمی نیز واقعیت دردناکی را که در آنیم توجیه نمی کند همچنانکه هیچ نشانه یا اشاره راهنمایی نیز برای حل و فصل بحرانها و مشکلات اجتماعی ارائه نمی دهد. از اینجاست که اهمیت شناخت ویژگی های کانونهای بحران و درک نتایج اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برخاسته از آنها روشن می گردد.

چند نمونه از مناطق بحران زده:

مشخص کردن یک دوره زمانی معین در تاریخ معاصر، چه بسا برای برون رفت از تعمیم زمانی سودمند باشد و کار رسیدن به نتایج علمی را شتاب بخشد. ولی امتداد عمودی زمان شاید مطالعه وضع فرهنگی و سیاسی جوامع در برخی حالت ها و متناسب با اختلاف شرایط، مفید باشد:

۱- در وضع کشوری چون پاکستان و تشدید پراکندگی های فرقه ای در آن شاید نتوان نمونه های قدیمی چنین کارزاری ارائه داد زیرا پاکستان خود از جمله کشورهای تازه استقلال یافته و بر شالوده های دینی بنیانگذاری شده است؛ با این حال بذر اختلاف ها و شبکه هایی که استعمار بریتانیا در این کشور مسلمان کار گذاشت و آنچه نظام سلطه آمریکایی بمنابیه وارث سلطه بریتانیا از آن پاسداری کرد و نیز بهره برداری ازعامل دین از سوی غرب و برخی کشورهای هم پیمان با آن به منظور بیرون راندن اشغالگران شوروی از افغانستان، همه و همه طی دهه های نیمه دوم قرن میلادی گذشته تا به امروز، شرایط تازه ای را تشکیل می دهند، ولی بهرحال نتیجه یکی است و آن اینکه مسلمانان خود همیشه چنین آتش و نخستین قربانیان آن بوده و هستند.

۲- در مورد عراق، به رغم وجود نمونه های تاریخی درگیری های فرقه ای در این سرزمین که در ابتدای آن و در پی به آتش کشیدن کتابخانه و قرارگرفتن تحت پیگرد حکام سلجوقی، به مهاجرت علامه طوسی از بغداد به نجف اشرف و تحریک اهالی کرخ و رصافه علیه همدیگر و استبداد بازمندگان عباسی در حکمرانی و وادار ساختن مردم به دست کشیدن از معتقدات خویش و مبارزه با دوستداران اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) و قتل و تعقیب ایشان با وجود خطرات جدی برخاسته از حملات تاتارها و مغول ها از یک سو و جنگهای صلیبی از سوی دیگر به رغم وجود این دسته از عوامل سیاسی برای برانگیختن درگیری های فرقه ای در دو قرن چهارم و پنجم هجری، طبیعت این درگیری های فرقه ای و انگیزش اختلاف ها در سالهای اخیر بدان معنا نیست که ملت عراق (با اقوام و عناصر مذهبی و اجتماعی تشکیل دهنده آن) حامل بذر اختلاف در خویش است؛ در پی سقوط صدام، شرایط جدید و برهم خوردن موازنه نیروهای منطقه ای منجر به دخالت نیروهای بیگانه عربی و غربی برای برانگیختن اختلاف های فرقه ای و حمایت و تجهیز نیروها و جریاناتی شد که اساسا اعتقادی به دین نداشتند ولی برای توجیه کشت و کشتار و انتقام گیری ها و کین توزی ها به آنها پوشش دینی داده شد؛ تاریخ عراق خود گواه همدلی، همبستگی و مهرورزی و همکاری بخش ها و گروهها و عناصر مختلف تشکیل دهنده تمام ساکنان نسبت به همدیگر است.

برخی سیاستمداران کوشیدند اختلاف های دست پخت خود را تئوریزه کنند و تلاش های زیادی کردند تا برای درگیری های خونین فرقه ای ریشه های تاریخی دست و پا کنند و فراموش کردند که اغلب ایشان مردم عراق از خانواده های درهم آمیخته ای هستند که در آنها مرد از یک مذهب و زن از مذهب دیگر یا در میان افراد یک قبیله یا عشیره نیمی از این مذهب و نیمی دیگر از

مذهب دیگری است.

۳- در وضع لبنان می بینیم که آگاهی اجتماعی و سیاسی ویژه این کشور و همزیستی مسالمت آمیزی که میان مذاهب مختلف اسلامی در آن برقرار است، اختلاف ها را تنها در چارچوب گیرودارهای سیاسی منحصر ساخته و اجازه نداده به خشونت کشیده شود و گو اینکه کوشش هایی از سوی بیگانگان - در سطح منطقه ای و جهانی - می شود تا بر این آتش هیمه ریخته شود و اختلاف های سیاسی در چارچوبهای مذهبی برافروخته گردد، گروههایی از سازمان القاعده و جز آن زیر چتر مذاهب و اردوگاههای فلسطینی نیز وارد این کارزار شدند ولی با شکست فاحشی روبرو گشتند و صحنه در همان حد توازنهای سیاسی، منضبط و کنترل شده باقی ماند.

۴- در مورد یمن وضع کاملاً جدیدی حاکم شده که پیش از این در این کشور سابقه نداشته است به این معنا که در گذشته هرگز انواع گرایش های مذهبی در یمن به صحنه کارزار فرقه ای تبدیل نشده و حداکثر اینکه تنها در رسانه های گروهی چنین نمایشی از آن ارائه شده بود.

اوضاع در صُعدّه و پیرامون آنرا هرگز نمی توان درگیری های فرقه ای یا مذهبی نامید زیرا به رغم حضور مذاهب مختلف و پیروان آنها در جنوب تا شمال و از سواحل تا کوهستانهای یمن، اثری از برخورد ها و کشمکش های مذهبی وجود نداشت و بیش از این هرگز اختلاف های عشیره ای یا سیاسی نه در زمان پیشوایان و نه در دوره جمهوری، اختلاف های مذهبی درهم نیامیخت.

بدین ترتیب می توان پرسید که چه اتفاقی افتاده و چرا سعی می شود درگیری های کنونی در صُعدّه برخورد های مذهبی جلوه داده شود؟

ولی بجای ورود به جزئیات این درگیری ها، تصور می کنم آمادگی ایالات متحده آمریکا برای دخالت در یمن ای بسا توضیح کافی و گویایی برای همه این سر و صداها و درگیری ها و بحرانهای گوناگون در یمن ارایه دهد. آیا موقعیت استراتژیک یمن است که این شیوه ها و سروصداهای رسانه ای را ایجاب می کند؟ یا صدور فتوایی از سوی یکصد و پنجاه تن از علمای مذهبی یمن در تحریم همکاری نظامی با دشمنان دین و بیگانگان، می توان تصویر کاملاً روشنتری از اوضاع را پیش چشم داشت.

۵- سودان نیز حالت ویژه ای از همدلی و تسامح بشمار می رود ولی درگیری های خونینی که در دارفور در جریان است گروههای مختلفی از مسلمانان را به مبارزه با یکدیگر کشانده است زیرا تغییرات آب و هوایی، کاهش سطح زیر کشت مزارع و جنگل ها و کم شدن منابع آب از جمله عوامل قدرتمند مهاجرت های قبیله ای بشمار می رود؛ علاوه بر این کشف مخازن بزرگی از نفت در این منطقه و یورش کشورهای بزرگ برای بهره برداری از این ثروت هنگفت نیز مزید بر علت شده است بدین ترتیب قدرتهای غربی در اینجا و آنجا در این منطقه دخالت می کنند و با پول و اسلحه به حمایت از هر گروه از راه رسیده ای برای جنگ و نابودی طرف دیگر، می پردازند.

۶- ولی سر و صداهایی که در مصر پیرامون تبشیر شیعی به راه فتاده نیز همزمان با تشدید بحران روابط ایران و مصر و نیز همزمان با اعتراض های خلقهای مسلمان به سیاست های گرسنه نگهداشتن و محاصره مردم فلسطین در غزه از سوی این کشور است. از اینجاست که این سروصداها گاه آشکار و گاهی نیز نهان می گردد.

پس از این نگاه گذرا، می کوشیم تا برخی نشانه ها یا راهنماهای مؤثر در تفاوت های حالت های تفرقه و اختلاف های فرقه ای و مذهبی را نتیجه گیری و در این میان به مواردی از آنها اشاره کنیم:

۱- سطح آگاهی اجتماعی و فرهنگ دینی خلقها. هرچه میزان این آگاهی بالاتر باشد فرهنگ دینی در وضع بهتر و میزان پذیرش و تسامح بالاتر می رود و به همان میزان و در نسبتی معکوس، امکان تحریک خلق ها

و سوء استفاده از عواطف آنها علیه دیگر گروههای مذهبی کاهش می یابد.

۲- نقش علمای دین و پیوندهای مادی آنان با قدرت سیاسی؛ هرچه این علما بیشتر متکی به حمایت های دولتی باشند ناگزیر به همراهی و همگامی بیشتری با قدرت حاکمه سیاسی و دنباله روی از سیاست های آن و سوء استفاده از دین و عنصر مذهب گرایی و فرقه گرایی و نیز صدور فتواها و تهییج مردم کوچه و بازار و توده های مذهبی علیه پیروان مذاهب دیگر می شوند.

۳- تحولات، حوادث و دگرگونی ها در معادله قدرتهای سیاسی در برخی کشورها و نداشتن امکان این قدرتها در همراهی و همگامی با حوادث، با تکیه بر ابزارها و ساز و کارها در بازی سیاسی، مقامات مربوطه را بدان سوق می دهد تا از ابعاد دینی و فرقه ای در راستای برهم زدن اوضاع و وانمود ساختن این نکته که تغییرات سیاسی متضمن خطراتی علیه مذهب مشخصی است، سوء استفاده نمایند.

۴- ریشه های تاریخی دستگاههای حزبی لائیک و نهادهای اطلاعاتی (همچنانکه در حال حاضر در عراق و پاکستان مطرح است) این دستگاهها را به تحریک بخش هایی از توده های مردم علیه بخش های دیگر و برآشتن اوضاع و از آنجا ماهی گرفتن از آب گل آلود سوق می دهد.

۵- وجود یا عدم وجود ریشه های فرهنگ تسامح و همزیستی و میانه گرایی که در کشورهای معینی مطرح است و منجر به ریشه کنی شمار بزرگی از شخصیت های فکری سازنده و اهل همزیستی و تسامح می گردد و به ظهور جریانات افراطی می انجامد.

۶- وجود ابعاد عرفانی و معنوی در میراث دینی که باعث می شود مردم فراتر از اختلاف های سیاسی بیندیشند و دلهاشان از سلطه طلبی ها و به دنبال مال دنیا بودن ها پاک بماند.

۷- ریشه های عمیق ملی و دینی که در بسیاری اوقات در یک هم آمیزی پرشکوه، هویت فرهنگی مستقلی را بدنبال دارد که در برابر یورش های فرهنگی بیگانه ایستادگی می کند و در عین حال گاه همین ریشه های ملی و گرایش های قومی در برابر عمق دینی قرار می گیرد و از عنصر قومی برای مبارزه با دین بهره برداری می شود؛ گاهی این حالت، شکل درگیری و اختلاف های مذهبی قومی علیه قوم دیگری را بخود می گیرد.

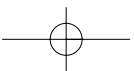
۸- میزان نفوذ بیگانگان در کشورهای اسلامی از راه حضور مستشاران یا نیروهای نظامی و اطلاعاتی آنها یا ابزارها و رسانه های گروهی یا فعالیت های فرهنگی یا آموزشی. با یاری گرفتن از این نفوذ، قدرتهای بیگان سلطه گر یا اشغال گر، اقدام به ایجاد هرج و مرج و درگیری های فرقه ای برای مسلط شدن بر کشور و فاصله اندازی میان بخش های مختلف اجتماعی و تقویت مراتب شک و تردید در رفتار هر کدام نسبت به دیگری می نماید.

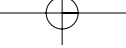
خلاصه اینکه حالت های تفرقه و اختلاف یا درگیری در کانونهای بحرانی شناخته شده را به لحاظ شرایط منجر به شکل گیری و تحولات آنها نمی توان تحت یک عنوان کلی قرار داد و بنابراین راه حل نیز در همه حالت ها یکی یا مشابه همدیگر نیست؛ هر یک از این موارد باید جداگانه از سوی کارشناسان و نیک اندیشان مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و راه حلی برای آنها ارائه شود.

ولی البته این امر مانع از آن نمی شود که گروهی از علما و اندیشمندان، به پیگیری این اوضاع و ارائه راهکار یا ابزار و راههای مناسبی برای حل هر کدام، نپردازند. خداوند همه ما را در انجام کارهای نیک توفیق دهد.

و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون (صدق الله العلی العظیم)

نوشته: دکتر صباح زنگنه عضو مجمع عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

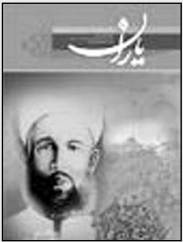




شماره جدید ماهنامه «شاهد یاران»؛

ویژه "عزالدين القسام"

شماره پنجاه و پنجم ماهنامه "شاهد یاران"، ویژه شهید "عزالدين القسام"، روی فضای سایر قرار گرفت.



شاهد یاران خرداد ماه تلاش کرده است با انجام گفت‌وگوهای متعدد با کارشناسان مختلف عرب، ابعاد گوناگون شخصیت شیخ عزالدین القسام، را به تصویر بکشد. به علاوه بازنگری اسناد و مدارک مربوط به زندگی‌نامه و مبارزات وی نیز در این شماره شاهد یاران صورت گرفته تا علت بروز تراژدی فلسطین و نقش رژیم‌های عرب در کمک به پیدایش رژیم صهیونیستی و ادامه حیات این رژیم برای خواننده تشریح شود.

بنیانگذار مقاومت فلسطین/بیاجه، امام خمینی و مسئله رویارویی با صهیونیسم/ مقاله‌ای از سیدحسن نصرالله، القسام از ولادت تا شهادت، تحلیل استاد "حسین عمر حماده"، پژوهشگر فلسطینی، از جنبش جهادی القسام، از مطالب این شماره شاهد یاران است.

بخش دیگری از شاهد یاران این ماه به تحلیل رمضان عبدالله، دبیرکل جنبش جهاد اسلامی، از اوضاع جاری فلسطین، گفت‌وگو با احمد جبریل، دبیرکل جبهه خلق برای آزادی فلسطین (فرماندهی کل)، گفت‌وگو با آنیس نقاش، مسئول شبکه پژوهشی و اطلاع‌رسانی "آلمان" در بیروت و گفت‌وگو با "سیدمحمدصادق حسینی"، کارشناس امور خاورمیانه، اختصاص داده شده است.

گفت‌وگو با "بیان نویهض الحوت"، اندیشمند فلسطینی، گفت‌وگو با "آسامه عبدالمعطی"، نماینده جنبش حماس در تهران، گفت‌وگو با "ناصر ابوشریف"، نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در تهران، گفت‌وگو با "آبتهال محمد عزالدین القسام"، نوه شهید، گفت‌وگو با "هیشم حقّی"، کارگردان سریال عزالدین القسام و گفت‌وگو با "علیرضا سلطان‌شاهی"، دبیر کمیته حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین، از دیگر مطالب شاهد یاران خرداد است.

معرفی کتاب

«سیاست خارجی اسرائیل»

محسن اسلامی در کتاب "سیاست خارجی اسرائیل" سیاست خارجی این رژیم غاصب را به تفصیل بررسی کرده است.

بسیاری از تحلیل‌گران، اسرائیل را با ویژگی‌هایی از قبیل ملت یهودی کوچک، تنها دولت یهودی، بازیگر با اهمیت در منطقه خاورمیانه، داشتن روابط استراتژیک با ایالات متحده، قار گرفتن در منطقه پر تخاصم و محاصره توسط همسایگان،تمایل به اعطای شهروندی به همه یهودیان جهان و تلاش برای محو دیاسپورای یهودیان، برخورداری از سیستم حزبی رقابت داخلی و دموکراتیک برای یهودیان خود، حفظ خویش از راه بازدارندگی نظامی هسته‌ای و بالاخره امنیت محوری در همه ابعاد حکومتی می‌شناسند.

کتاب "سیاست خارجی اسرائیل" ۴فصل دارد. کلیات، چارچوب تئوریک، بررسی عوامل موثر بر سیاست خارجی اسرائیل و بررسی موردی ایالات متحده و فلسطین عنوان فصل‌های کتاب هستند.

انتشارات امیرکبیر کتاب "سیاست خارجی اسرائیل" را در ۴۰۷ صفحه با قیمت ۵۷۰۰ تومان منتشر کرده است.

سیاسی

شمشیر اسلام و شمشیر مسیحیت از نگاه یک یهودی

دانوب رسیده، بلغارستان و شمال یونان را تسخیر کرده و دوبار لشکرهای اروپا را که قصد نجات امپراتوری را داشتند، شکست داده بودند. در سال ۱۴۵۳ یعنی سالیان کمی پس از مرگ مانوئل، عثمانی قسطنطنیه (همان استامبول امروز) پایتخت مانوئل را تسخیر نمود و به امپراتوریی که بیش از هزارسال عمر داشت، پایان دادند. مانوئل در دوران سلطنت خودباهدف جلب پشتیبانی غربی‌ها، به پایتخت‌های کشورهای اروپایی سفر کرده و وعده داده بود که بین کلیساها دوباره وحدت ایجاد کند. بی‌تردیدنوشته‌های مذهبی خودراجعت اتحاد کشورهای مسیحی علیه مسلمانان و آغاز یک جنگ صلیبی دیگر به رشته تحریر درآورده بود. هدف او خصوصییتی عملی داشت و الهیاتی در خدمت سیاست بود.

از این نظر نقل قول پاپ دقیقاً متناسب با خواسته‌های پادشاه جرج بوش دوم است. او نیز مایل است که جهان مسیحی را علیه اسلام متحد سازد. گذشته از این، این بار صلح آمیز، ایستاده‌اند. و طرفداری پاپ از نیروهایی که مخالف عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا هستند، امری عموماً آشکار است.

آیا در ادعای مانوئل حقیقتی نهفته است؟

پاپ شخصا توصیه به رعایت احتیاط کرده بود. به عنوان یک مسأله صاحب نام و جدی نمی‌تواند دست به جعل متون بزند. به همین دلیل قبول کرد که قرآن گسترش دین به وسیله خشونت را اکیداً ممنوع می‌کند و آیه ۲۵۶ از سوره بقره قرآن را نقل کرد که: لااکراه فی‌الدین.

حال چطور می‌شود چشم بر یک چنین گزاره ساده و آشکاری بست؟ پاپ به سادگی ادعا کرد که پیامبر این دستور را در آغاز راه، زمانی که ضعیف و بی‌قدرت بود، صادر کرد؛ اما بعدها دستور به به‌کارگیری شمشیر در خدمت دین داد! ولی چنین دستوری به هیچ وجه در قرآن نیامده است. محمد جهت بنای حکومت، دستور به استفاده از شمشیر علیه قبایل متخاصم در سرزمین اعراب اعم از مسیحی، یهودی و غیره را داده بود، اما این یک عمل سیاسی بود و نه یک عمل دینی. مسئله اساساً بر سرازاری بود و نه گسترش دین.

مسیح (در باره انبیای کاذب) می‌گوید: ایشان را از میوه‌های ایشان خواهید شناخت" (متی ۱۶:۷).

از طریق یک آزمایش ساده می‌توان در این باره داوری کرد که اسلام با ادیان دیگر چگونه برخوردی داشته است: آیا رفتار حاکمان مسلمان در طول بیش از هزار سال، در حالی که از قدرت گسترش دین توسط شمشیر برخوردار بودند، چگونه بوده است؟ آن‌ها دقیقاً به این عمل دست نزدند.

مسلمانان قرون زیادی یونان را زیر سلطه خود داشتند، آیا یونانی‌ها مسلمان شدند؟ هیچ‌کس کوشید آن‌ها را مسلمان کند؟ نه تنها چنین نشد، بلکه برعکس مسیحیان یونان در دولت امپراتوری عثمانی دارای بلندمرتبه‌ترین مقام‌ها بودند.

بلغارها، صرب‌ها، رومانی‌ها و مجارها و ملت‌های دیگر اروپایی به مدت‌های کمتر یا بیشتری تحت سلطه عثمانی‌ها زیستند و دین مسیحی خود را نگه داشتند. هیچ‌کس آنان را به مسلمان شدن مجبور نکرد و همه آن‌ها مسیحیان مؤمن باقی ماندند.

البته مردم آلبانی و بوسنیایی‌ها به اسلام گرویدند، اما کسی ادعا نکرده است که در این امر جبری در کار بوده است. آن‌ها به خاطر برخورداری از تسهیلات دولتی مسلمان شدند.

در سال ۱۰۹۹ نیروهای صلیبی اورشلیم را تسخیر کردند و به نام مسیح دل رحم دلبخوها نه به قتل و غارت در میان ساکنین مسلمان و یهودی پرداختند. مسیحیان تا پیش از این تاریخ، یعنی در چهارصد سالی که فلسطین تحت سلطه مسلمانان بود، اکثریت ساکنان فلسطین را تشکیل می‌دادند. در طول این دوران هیچ تلاشی جهت اعمال دین محمد به آنان نشد. بعد از دفع صلیبی‌ها بود که اکثریت ساکنان زبان عربی و دین اسلام را پذیرفتند و



اجداد اغلب فلسطینی‌های امروز همین‌ها هستند.

همچنین سندی مبنی بر تلاش جهت مجبور ساختن یهودیان به پذیرش اسلام در دست نیست. همانطور که می‌دانیم، یهودیان اسپانیا در طی سلطه مسلمانان، شکوفایی را تجربه کردند که هیچ‌کجا، تقریباً تا به امروز بی‌نظیر است. شعرایی مانند "یهوداهالوی" مثل فیلسوف بزرگ یهودی "موسامیمونیدس" (موسی بن میمون، مترجم) عربی می‌نوشتند. یهودیان در اسپانیای اسلامی وزیر، شاعر و دانشمند بودند. در شهر اسلامی "طلیطله" علمای مسلمان، مسیحی و یهودی در ترجمه متون فلسفی و علمی یونان باستان همکاری می‌کردند. این دوران، دورانی واقعاً طلایی بود. چگونه چنین چیزی ممکن می‌بود اگر پیامبر اسلام دستور به گسترش دین با شمشیر داده بود؟

آنچه متعاقب این دوره روی داد، به مراتب با اهمیت‌تر است. زمانی که کاتولیک‌ها اسپانیا را از مسلمانان پس گرفتند، ترور دینی را آغاز کردند. یهودیان و مسلمانان را در مقابل این انتخاب هولناک قرار می‌دادند: پذیرش دین مسیحی، اعدام یا ترک کشور.

و صدها هزار یهودی که نمی‌خواستند از دین خود بگذرند، به کجا گریختند؟

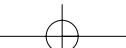
کشورهای مسلمان تقریباً همگی آن‌ها را یکپارچه با آغوش باز پذیرفتند. یهودیان اسپانیا در کلیه کشورهای مسلمان جهان پذیرفته شدند. از مراکش در غرب تا عراق در شرق، از شمال بلغارستان که تحت سلطه عثمانی بود، تا سودان در جنوب، هیچ کجاست تحت تعقیب قرار نگرفتند. به شکنجه‌های دادگاه تفتیش عقاید، به شعله‌های آتش جادوگرسوزی، کشتارهای جمعی و به مهاجرت‌های اجباری تا به هولوکاست که تقریباً در کلیه کشورهای مسیحی واقع می‌شد، گرفتار نشدند. چرا؟ به این دلیل که محمد مؤکداً آزار اقوام اهل کتاب را ممنوع کرده بود. برای یهودیان و مسیحی‌ها در جوامع اسلامی جای ویژه‌ای در نظر گرفته شده بود. در واقع از همه حقوق برخوردار نبودند، اما تقریباً از همه حقوق برخوردار بودند. بایستی جز یه (نوعی مالیات می‌پرداختند؛ اما در مقابل از خدمت در ارتش معاف بودند. این قراردادی بود که بسیاری از یهودیان از آن خشنود بودند. روایت است که حاکمان مسلمان در مقابل تلاش حتی ملایم جهت مسلمان ساختن یهودیان، بر پیشانی چین می‌انداختند او اخم می‌کردند[۱] زیرا این عمل باعث کاهش مالیات‌ها می‌شد.

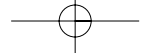
هر یهودی شرافتمندی که تاریخ قوم خود را می‌داند، در برابر اسلام تنها می‌تواند احساس شکرگزاری کند. اسلام حافظ پنجاه نسل از یهودیان بوده است، در حالی که جهان مسیحی آنان را تحت تعقیب قرار داده و به کرات کوشیده است آن‌ها را "با شمشیر" از دین یهودی جدا کند.

تاریخ گسترش دین توسط شمشیر داستانی رذیلاته‌ای است، یکی از افسانه‌های اروپایی در طول جنگ‌های آنان علیه مسلمانان است: بازپس‌گیری اسپانیا، جنگ‌های صلیبی و مقابله با عثمانی‌ها که چیزی نمانده بود وین را به تسخیر خود درآورند. تردید دارم که پاپ آلمانی این افسانه را واقعاً باور داشته باشد. در این صورت باید پذیرفت که صدر کلیسای کاتولیک که مسأله نامداری نیز هست، زحمت بررسی تاریخ ادیان دیگر را به خود نداده است.

چرا پاپ این سخنان را در ملاء عام زده است؟ و چرا در این زمان؟

این سخنان رامی‌توان روی پس زمینه جنگ صلیبی جدید جرج بوش و بنیادگرایان مسیحی هوادارش دید، یا روی پس زمینه شعار فاشیسم اسلامی "یا "جنگ همه جا گیر علیه ترور" در زمانی که تروریسم مترادف اسلام گشته است. به این وسیله تلاش رذیلاته هواداران دیگر جرج بوش جهت تسلط بر نفت و دیگر منابع جهان موجه می‌گردد. این اولین بار در تاریخ نیست که لباس مذهب به منافع اقتصادی پوشانیده می‌شود. اولین باری نیست که غارت شکل جنگ صلیبی به خود می‌گیرد. سخنرانی پاپ متناسب با این تلاش‌ها است. و چه کسی می‌تواند نتایج رنج‌بار آن را پیش‌گویی کند؟





کدام کشور فلسطینی؟ بر روی کدام سرزمین؟

ایالات متحده هستند گروه های سیاسی و مذهبی که اصولا حاضر به پذیرش حق فلسطینیان در برخورداری از یک کشور نیستند. این گروه ها که از نفوذ بسیار زیادی در دولت نتانیاهو بهره مند هستند و حکم ستون فقرات را برای جریان راستگرای دینی در آمریکا (هسته اصلی حزب جمهوری خواه) بازی می کنند، معتقدند تشکیل کشور مستقل فلسطینی در کرانه باختری که در تصورات شان همان سرزمین یهودا و سامره است، مخالفت با خواست الهی و زیر پا گذاردن وعده آسمانی می باشد و حکم تحدی با خداوند را دارد. گروه های مذکور که یهودی و یا عضو جریان صهیونیسم مسیحی هستند، بر این باورند که اگر کشور فلسطینی در حتی یک وجب از خاک سرزمین موعود تشکیل شود، خشم خداوند را به دنبال خواهد داشت.

گروه های تندروی سیاسی و مذهبی صهیونیستی و آمریکایی که ذکر آنها گذشت، موفق شدند پروژه نقشه راه را به شکست بکشاند همچنانکه پیش از آن نیز توصیه قطع نامه تقسیم، توافق نامه اسلو و ای ریور در خصوص تشکیل کشور فلسطینی را زیر پا گذاردند و همین بلا را نیز بر سر طرح کمپ دیوید آوردند، طرحی که بیل کلینتون در آخرین هفته های ریاست خود بر آمریکا پیشنهاد داده بود.

امروز باراک اوباما، رئیس جمهور کنونی آمریکا وارد عمل شده است و می گوید که در ایجاد کشور مستقل فلسطینی مصمم می باشد و در این راه به فشارهای جریان راستگرای مذهبی در ایالات متحده نیز توجهی ندارد. به هر حال، آمریکا بعد از جنگ علیه عراق و نیز کشتارهایی که در این کشور مرتکب شده بود، نیاز به انجام حرکتی دارد تا بتواند آتش خشم جهان عرب و اسلام را خاموش کند و از میزان تنفر ایشان از خود بکاهد.

مناحیم بگین (نخست وزیر پیشین رژیم صهیونیستی و رهبر سابق لیکود) در خاطراتش که تاریخ انتشار آن به سال ۱۹۳۵ بازمی گردد، می نویسد:
بَراهاطم گرسنگی و ترس را تجربه کردم؛ ولی تنها دو بار در زندگی ام گریستم که اولین بار در زمان تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و دومین بار نیز در زمان حادثه التالینا بود.

التالینا نام یک کشتی جنگی آمریکایی بود که هواداران جنبش صهیونیسم در ایالات متحده آن را خریداری کرده و به بندر حیفا فرستاده بودند تا در اختیار گروهک تروریستی آراگون قرار گیرد که رهبری آن را نیز بگین خود بر عهده داشت. این کشتی حامل پنج هزار قبضه سلاح، سه میلیون فشنگ، سه هزار بمب دستی و صدها تن مواد منفجره بود و مسافران آن نیز ۸۵۰ داوطلب آمریکایی بودند که برای کمک به یهودیان در جنگ با عرب ها وارد اراضی اشغالی شدند.

کشتی جنگی مذکور همزمان با اعلام خبر تشکیل کشور اسرائیل از سوی بن گوریون (رهبر گروهک تروریستی هاگانا و اولین نخست وزیر رژیم صهیونیستی) در ساحل حیفا پهلو گرفت. با وجود توافقات صورت گرفته میان صهیونیست ها در خصوص اتحاد گروهک های تروریستی مختلف (هاگانا، آراگون، شترن و ...) و تشکیل هسته اصلی ارتش رژیم عبری، بگین می خواست تا گروهک متبوعش یعنی آراگون سلاح را در اختیار داشته باشد ؛ ولی این موضوع با مخالفت بن گوریون مواجه شد که معتقد بود باید این سلاح ها تحویل ارتش تازه تاسیس شود که همین مسائل باعث اختلاف میان این دو تن شد و به درگیری میان آنها انجامید. بگین در داخل کشتی تحصن کرد و حاضر به ترک آن نشد. بن گوریون نیز دستور به بمباران آن داد که این دستور نیز عملا به اجرا درآمد و باعث شد تا بگین به همراه شمار زیادی از داوطلبانی که از آمریکا آمده بودند، کشتی را ترک کند. بمباران همچنین باعث شد تا کشتی مذکور با تمامی

نویسنده: محمد سماک

در سال ۱۹۴۸، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قرار ۱۸۱ خود بر تشکیل دو کشور مستقل عربی و یهودی در فلسطین تاکید کرد و خاطر نشان ساخت که شهر قدس باید تحت حاکمیت بین المللی باشد.

در حقیقت، شعار تشکیل دو کشور اولین بار با صدور قرار ۱۸۱ مطرح شد ؛ ولی این شعار تا به امروز جامه عمل به خود نبوشیده است. آیا این امکان وجود دارد که امروز معجزه ای رخ دهد و در کنار رژیم صهیونیستی، کشور مستقل فلسطینی نیز تشکیل شود؟ فلسطینی ها حتی بعد از جنگ ۱۹۴۸ قریب ۹۷.۲ درصد از اراضی فلسطین تاریخی را در اختیار داشتند؛ ولی بعد از صدور قطع نامه تقسیم و تشکیل رژیم صهیونیستی، اشغالگران رسما اختیار ۴۷ درصد از اراضی را در اختیار گرفتند. وقتی که فلسطینی ها و عرب ها (و البته خود صهیونیست ها) با این پیشنهاد مخالفت کردند، رژیم اشغالگر قدس در جهت های جغرافیایی مختلف شروع به توسعه طلبی نمود تا جایی که سهم فلسطینیان از سرزمین آبا و اجدادی شان به تنها ۲۲ درصد رسید.

بعد از جنگ ژوئن ۱۹۶۷، رژیم صهیونیستی بیست درصد از مجموع اراضی که برای فلسطینیان باقی مانده بود و از ۲۲ درصد خاک کل فلسطین تجاوز نمی کرد، را در اختیار گرفت یعنی دیگر هشتاد درصد از این مقدار (بیست و دو درصد خاک کل فلسطین) باز هم تعلق به فلسطینیان داشت. بر اساس توافق نامه اسلو که در سال ۱۹۹۳ به امضا رسید، قرار بر این بود که کشور مستقل فلسطینی در ۴۷ درصد از آن هشتاد درصد باقی مانده (البته از بیست و دو درصد خاک کل این سرزمین) تشکیل شود ؛ ولی حتی این توافق نامه اسلو با وجود تمامی اجحاف و ظلمی که با خود در حق فلسطینیان داشت، باز هم سرنوشتش نابودی بود.

بر اساس نقشه راه آمریکا، این پیشنهاد با فلسطینیان مطرح شد که با ایجاد کشوری در ۴۲ درصد (به جای ۴۷ درصد) از اراضی اشغال نشده موافقت نمایند یعنی این کشور جدید حتی در صورت تشکیل تنها در ۴۲ درصد از هشتاد درصد اراضی باقی مانده از مجموع ۲۲ درصد کل خاک فلسطین تشکیل می شد ؛ ولی رژیم صهیونیستی باز هم به سمت آن مقداری که در نقشه راه برای کشور مستقل فلسطینی تعیین شده بود، دست درازی کرد و شهرک های جدید یهودی نشین را در آنها ایجاد نمود و شروع به ایجاد جاده های ارتباطی میان این شهرک ها کرد.

از سوی دیگر در طرح نقشه راه، تشکیل کشور فلسطینی مشروط به چشم پوشی از حق بازگشت آوارگان بود که قطع نامه ۱۹۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد بر عودت شان به میهن تاکید داشت. ضمنا بر اساس این طرح، شکل گیری این کشور جدید مشروط به خلع سلاح بودن آن و نیز نابودی تمامی گروه های مقاومت بود. پس اگر کشوری هم در این مقدار ناچیز باقی مانده از خاک فلسطین تشکیل می شد، باید به این شروط ذلت بار تن در می داد.

کشور مستقل فلسطینی حتی در صورت تشکیل با یک دیوار بتونی رو به رو می شد که طولی به درازای هزار کیلومتر دارد و در بالای این دیوارها نیز سیم های برق کار گذاشته شده است. به هر رو، با توجه به تمامی توضیحاتی که گذشت، کشور آتی فلسطینی یک زندان بزرگ یا به عبارت دیگر دو سلول پر جمعیت خواهد بود که یکی از آنها در غزه و دیگری در کرانه باختری خواهد بود. صهیونیست ها و جامعه جهانی در مقابل تشکیل چنین زندانی از فلسطینیان می خواهند که شبانه روز زبان به حمد و ستایش آمریکا بکشایند؛ زیرا معجزه ای را محقق ساخته است که دیر زمانی منتظر تحقق آن بودند.

بر واضح است که امروز در رژیم صهیونیستی و

محموله اش در دریا غرق شود و به همراه آن، پانزده تن از داوطلبان که حاضر به ترک کشتی نشده بودند، نیز به زیر آب بروند.

بن گوریون در خاطرات خود اعتراف می کند که این حادثه صهیونیست ها را در آستانه تشکیل کشوری به نام اسرائیل، تا مرز جنگ داخلی سوق داد؛ ولی بعد از آنکه کشتی مذکور غرق شد و شعله های آتش خاموش شد، جشن شکل گیری اسرائیل برگزار شد.
بگین که تا مرز مرگ و غرق شدن پیش رفته بود، بعدها ریاست دولت را در اراضی اشغالی بر عهده گرفت و در سال ۱۹۷۹ از انور سادات، رئیس جمهور مصر در قدس اشغالی استقبال کرد و با او معاهده صلح کمپ دیوید را به امضا رساند که در آن جیمی کارتر، رئیس جمهور پیشین آمریکا نقش واسطه و میانجی را داشت.

از قضا، بگین که زشت ترین و هولناک ترین جنایات را در حق فلسطینیان مرتکب شد و کشتار دیرپاسین - که در آن ۲۰۰ فلسطینی تنها در طول چند دقیقه (در آوریل ۱۹۴۸) جان باختند - را نیز در پرونده خود داشت در بستر فوت کرد؛ ولی اسحاق رابین در یکی از میدانی تل آویو و به خاطر امضای توافق نامه صلح با یاسر عرفات، رئیس پیشین تشکیلات خودگردان ترور شد. کنشش های جنبش صهیونیسم مسیحی در ایالات متحده، ترور رابین را انتقام و مجازاتی الهی بر شمردند و بر این باور بودند که وی به دلیل موافقت با واگذاری بخشی از سرزمین موعود به فلسطینیان، چنین بلایی بر سرش آمده است. ترور رابین باعث سقوط حزب کار و بازگشت رهبران حزب لیکود به قدرت بود یعنی همان هایی که همسر رابین آنها را به عنوان مسئول ترور همسرش می دانست. بعد از رابین، ریاست دولت را افرادی همچون نتانیاهو، شارون و اولمرت بر عهده گرفتند که تماما از اعضای لیکود بوده اند.

زمانی اسحاق رابین -به خاطر نقش آفرینی اش در عرصه های سیاسی و نظامی - در نظر صهیونیست ها حکم یک قهرمان را داشت ؛ ولی با این وجود، وقتی توسط یک فرد رادیکال یهودی ترور شد اصولگرایان یهودی و نیز صهیونیست های مسیحی آمریکایی قاتل را به عنوان یک نماد مقدس معرفی می کردند.

سوالی که در اینجا مطرح می شود، این است که رژیم صهیونیستی در صورت پذیرش راهکار تشکیل دو کشور، چه سناریویی را پیش خواهد گرفت؟ چگونه نتانیاهو می تواند این اقدام خود (موافقتش با راهکار تشکیل دو کشور) را برای راستگرایان مذهبی یهودی و نیز جریان صهیونیسم مسیحی در آمریکا توجیه کند؛ به ویژه آنکه پذیرش راهکار تشکیل دو کشور به معنای چشم پوشی از بخش هایی از کرانه باختری است؟ ضمنا در صورت پذیرش راهکار تشکیل دو کشور، سرنوشت قدس و ایجاد معبد کذایی سلیمان چه خواهد شد؟

به هر رو، همگان از این گفته بن گوریون مطلع هستند که می گفت: اسرائیل بدون قدس معنایی ندارد و قدس بدون معبد بی معنا است.

ضمنا همه از شعار جنبش صهیونیسم مسیحی در آمریکا نیز مطلع هستند که می گوید:
بازگشت دوباره مسیح بدون ایجاد معبد امکان پذیر نیست و این خداست که قدس را به عنوان پایتخت اسرائیل انتخاب کرده است و چیزی که انتخاب خداوند باشد، قابل تغییر نیست.

رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۷ تا کنون سیاست مصادره اراضی عربی و اشغال آن را همچنان ادامه می دهد تا جایی که مقدار کمی از مساحت فلسطین تاریخی برای فلسطینیان باقی مانده است تا کشور خود را در آن شکل دهد. سوال اینجاست آیا باراک اوباما، رئیس جمهور کنونی آمریکا می تواند دست به یک معجزه بزند و کشور فلسطینی را در این مقدار بسیار اندک از اراضی باقی مانده تشکیل دهد یا اینکه...؟

نگاهی به سلوک جهادی امام(ره)

(خالد مشعل)

به قلم/ خالد مشعل (رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس)*

نوشتن درباره مردی چون امام خمینی بسیار دشوار است مردی که خداوند به واسطه او امت (اسلامی) را زنده کرد و عرش طاغوتیان با او از بین رفت... مردی که همانند خورشید در اوج درخشندگی روز طلوع کرد تا با طلوعش ظلم ظالمان و مستکبران رخت بربندد و مستضعفین و رنج کشیدگان با نورش روشنایی گیرند. کلمات عاجز از توصیفش هستند و قطعاً قادر به ادای حق مطلب درباره (شخصیت) او نیستند.

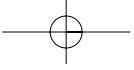
... اظهارات او در زمان تبعید طولانی مدتش از وطن هرگز خالی از قضیه فلسطین، مردم مظلوم و مقدسات اسلامی اش نبوده و بارها طی فتاوایی به جوانان ایرانی از انها خواستار پیوستن به صف انقلاب فلسطین شده است. از ثروتمندان خواسته است به مجاهدان کمک کنند به عنوان زکات اموالشان. اختصاص نذورات و خمس را نیز برای کمک به مبارزان جایز شمرده است. همواره به اعراب و مسلمانان نسبت به خطر غدهٔ سرطانی آسراییل که به حق به این نام توصیفش کرد، هشدار داده است. از امت مسلمان با همه اشکال ، فرقه ها و قومیت هایش خواستار دستیابی به وحدت اسلامی شد زیرا وحدت را تنها راه عزت، پیروزی و آزادی سرزمین می دانست.

زمانی که انقلاب اسلامی در ایران به رهبری خود او به پیروزی رسید تقریباً در تمامی اظهاراتش دستور تعطیلی سفارت دشمن صهیونیستی را در تهران صادر کرد امری که منجر به فرار همچون موش دیپلماتهای صهیونیستی از ایران شد. هم او دستور داد تا ساختمان سفارت رژیم صهیونیستی به سفارت فلسطین در تهران تبدیل شود تو گویی که با این اقدام اعلام کرد که سرزمین اسلامی جای باقی ماندن پرچم اشغالگران یهودی نیست.

امام رحمه الله علیه همواره شعار جاویدان " امروز ایران ؛ فردا فلسطین" را سرداد به گونه یی که بعدها این شعار بر سر زبان هر ایرانی جاری شد. با همین شعار او خواستار تعیین روز جهانی قدس با هدف یکپارچه سازی مسلمانان در این روز برای حمایت از قدس شد. روزی که امت اسلامی هرساله در آن خود را برای روز پیروزی و آزادی فلسطین و مقدسات اسلامی آن تمرین می دهند.

امام راحل داثما می گفت که اگر هریک از مسلمانان جهان تنها یک سطل اب بر روی اسرائیل بریزند این رژیم غرق و از صحنه روزگار محو خواهد شد. او با این جمله خواست تاکید کند که وحدت مسلمانان تنها راه پیروزی ، عزت و آزاد سازی سرزمین های اشغالی است و اسرائیل غاصب و آمریکا به عنوان شیطان بزرگ سعی در تضعیف ما تفرقه میان مسلمانان دارند. ایشان با صدایی مطمئن و پشت گرم به یاری الهی اعلام کرد که " اسرائیل باید از صحنه روزگار محو شود " و "قدس سرزمین متعلق به مسلمانان است و باید به آنان برگردد".

* این مقاله در هفته نامه الانتقاد لبنان در سال ۲۰۰۷ به چاپ رسیده است



در گفت و گوی "جوان" با حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی بررسی شد

امام خمینی (ره) و فتنه خلق مسلمان

گشته است که استاد خسروشاهی از منظری نزدیک به این رویداد بنگرند. ایشان اخیراً از تألیفی در بیان خاطرات و اسناد خویش از حزب خلق مسلمان فراغت یافته‌اند که بزودی در اختیار دانش‌پژوهان قرار خواهد گرفت. (ویژه نامه روزنامه جوان - یادمان بیست و یکمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) - نیمه خرداد ۱۳۸۹)

حقیر و مسلمانان با بی‌صبری در انتظار رفع مزاحمت و مراجعت معظم له به حوزه علمیه قم می‌باشیم. حملات ظالمانه و مطالب بی‌اساس و ناروایی که در پاره‌ای از مجلات و جراید مفسد و خائن یا از طرف بعضی از اشخاص مغرض و معلوم الحال به ساحت ایشان و یا جامعه روحانیت نسبت داده شده است، مایه کمال تأسف است. البته ملت رشید و مسلمان و مردمان با ایمان ایران قضاوت صحیح نموده و حق را از باطل تشخیص خواهند داد و نعم الحکم الله مردم عموماً اینگونه قلم‌های مسموم و ورق‌پاره‌های آلوده را شناخته و به خوبی می‌دانند که روحانیت شیعه و مراجع عالیقدر آن همواره مدافع دین مبین اسلام و حامی و حافظ استقلال مملکت و خواهان سعادت و سربلندی مردم این آب و خاک بوده و از هر نوع اجنبی‌پرستی نفرت دارند و در مواقع خطر این حقیقت را ثابت کرده‌اند. از خداوند متعال خواستاریم که علماء اسلام را در پناه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه محقوظ فرموده و اسلام و مسلمین را مظفر و منصور فرماید. والسلام علیکم ورحمت الله

قم - سید کاظم شریعتمداری ۹ رجب ۱۳۸۴

قم از نجف ش ۵۸ ک ۴۰ ت ۱۳
ایران، قم: آیت‌الله شریعتمداری دامت برکاته
هجوم اشرار عمال اجانب به منزل جنابعالی و قتل نفوس محترمه در محضر شما موجب تأسف است. قطع ید ایادی اشرار و اجانب را خواستارم. از سلامتی خودتان مطلعم فرمابید.

والسلام علیکم روح الله موسوی خمینی
متن جواب حضرت آیت‌الله آقای شریعتمداری نجف

حضرت آیت‌الله آقای خمینی دامت برکاته. با ابلاغ سلام، تلگراف عالی واصل و موجب تشکر و امتنان است جریانات اخیر منزل اینجانب به قراری است که مستحضر شده‌اید. حقیر کسالتی داشتم که تا حدودی تخفیف یافته است.

والسلام علیکم و رحمه الله سید کاظم شریعتمداری



تصویر تلگراف آیت‌الله شریعتمداری به امام خمینی پس از تبعید به ترکیه



تصویر اعلامیه مشترک امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری برای تجدید بنای مدرسه فیضیه

با توجه به این سوابق دوستانه، پس چرا وضع برگشت؟
اصولاً با توجه به اختلاف بینش‌ها در امور که باید گفت ریشه‌ای و یا ماهوی^۱ بود، آیت‌الله شریعتمداری تا یقین به پیروزی انقلاب پیدا نکرد، همچنان هوادار قانون اساسی مشروطه و اجرای آن

اعلامیه‌های دیگر و سفر به تهران و دعوت از علمای بلاد برای حضور در مرکز تا اعلام علنی و تثبیت رسمی مرجعیت امام همراه با بعضی دیگر از اعاضم. در مراحل بعدی، مثلاً پس از تبعید امام به ترکیه باز آیت‌الله شریعتمداری علاوه بر تلگرافی که در پاسخ آیت‌الله میلانی فرستاد، به خود ایشان هم تلگراف کرد و سپس هیئتی را برای روشن شدن وضع زندگی امام به بورسای ترکیه فرستاد و در مراحل پس از انتقال امام به نجف اشرف، باز مکاتبه ادامه یافت. امام هم در مورد هجمه به منزل آیت‌الله شریعتمداری از نجف اشرف تلگراف همدردی فرستاد و ایشان هم پاسخ داد که متن تلگراف آیت‌الله شریعتمداری به ترکیه و آیت‌الله میلانی و سپس تلگراف‌های متبادل بین قم و آنکارا و نجف به قرار زیر بود:

قم - آنکارا
حضرت مستطاب آیت‌الله آقای حاج آقا روح‌الله خمینی دامت برکاته. با ابلاغ سلام و تحیات، حادثه ناگوار فاجعه تبعید جنابعالی موجب تأسف و تأثر شدید است. از خداوند متعال خواستارم که عن‌قریب وسائل مراجعت جنابعالی را به حوزه علمیه قم فراهم فرماید و نگرانی عمومی رفع شود. حقیر تا حدود قدرت و امکان مشغول اقدامات بوده و کوتاهی نخواهم کرد.

والسلام علیکم ورحمته الله
سید کاظم شریعتمداری
شماره قبض ۲۳ ۹۰۹۴۴۳۹۰۸/- ۴۳ مطابق ۹ رجب

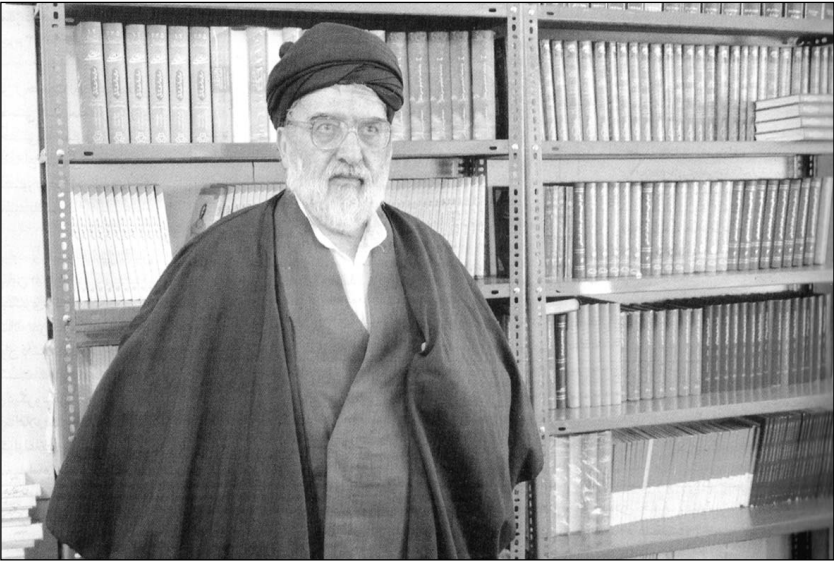
تلگراف حضرت آیت‌الله میلانی
قم، حضرت آیت‌الله آقای شریعتمداری دامت برکاته

امروز خبر بسیار ناگوار رسید که حضرت آقای آیت‌الله خمینی مدظله العالی را به خارج کشور تبعید نموده‌اند. عجباً نسبت به معظم له که یکی از مراجع تقلید هستند و مصونیت قانونی دارند و از شخصیت‌های بزرگ اسلامی می‌باشند. تهمت‌های ناروایی می‌زنند و بی‌احترامی می‌نمایند. اولیاء این گونه امور بدانند ایشان تنها نیستند، بلکه لسان ناطق همه مجامع روحانی و دینی هستند. و گفته ایشان کلام حق و حقیقت است. خواهشمند از تصمیمات خود مستحضرم فرمایید. از حضرت احدیت در پناه حضرت ولی صر ارواحنا له الفداء رفع مزاحمت از حضرت معظم له را مسئلت می‌نمایم. (مشهد) سید محمد هادی الحسینی المیلانی

جواب تلگراف از طرف شریعتمداری
مشهد مقدس

حضرت مستطاب آیت‌الله میلانی دامت برکاته با ابلاغ سلام و تحیات رونوشت تلگراف مورخ ۱۳/ ۸/ ۴۳ واصل و زیارت گردید. مطالب مندرجه در تلگراف شریف صحیح و عین حقیقت است. گرفتاری و تبعید حضرت آیت‌الله خمینی به خارج کشور موجب تأثر و تأسف شدید است و

اشاره: روایت حجت‌الاسلام و المسلمین استاد سید هادی خسروشاهی از فراز و فرودهای حزب خلق مسلمان به دلایل مختلف دارای وثاقت و برای پژوهندگان قابل استناد است. اولاً ارتباط نزدیک راوی با امام خمینی (ره) و آیت‌الله شریعتمداری و ثانیاً نقش پررنگ او در تأسیس حزب و نیز فرآیند انحلال آن موجب



معروف به داشتن مراحل سیر و سلوک بود... ولی روابط دوستانه و حسنه، آنها مانند بقیه، ادامه یافت. این خلاصه‌ای از شنیده‌های من از مرحوم اخوی، درباره سوابق روابط امام خمینی(ره) با آیت‌الله شریعتمداری بود.

میزان هماهنگی دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله شریعتمداری در آغاز و ادامه نهضت چگونه بود؟ و چرا بعدها افتراقاتی پیش آمد؟

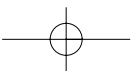
در مورد هماهنگی قبلی و علل افتراق بعدی، باید بگویم که به‌رغم همکاری عملی و هماهنگی مطلوب در موضع‌گیری‌ها در آغاز نهضت، اصولاً امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری از لحاظ فکری و مشی، در یک مسیر و یک خط نبودند، یعنی در برخورد با مسائل و یا دولت، هر کدام عقیده و مشرب خاص خود را داشتند و به اصطلاح امروزی‌ها می‌توان گفت که هم در تاکتیک و هم در استراتژی، باهم اختلاف نظر داشتند؛ اما با این حال می‌بینیم که در جلسات مشترک و ویژه علماء قم و امضاء اعلامیه‌های نخستین، هر دو شرکت داشتند و اعلامیه‌هایی که مشترکاً امضا و منتشر کردند (البته با مراجع دیگر) شاهدی روشن بر این همکاری است. مثلاً پس از تخریب مدرسه فیضیه توسط دژخیمان رژیم، این امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری بودند که حسابی مشترک در بانک باز کردند تا پس از جمع‌آوری کمک‌های مردمی، به بازسازی مدرسه فیضیه بپردازند. متن اطلاعیه‌ای که در این باره و در محرم ۱۳۸۳ هـ- منتشر گردید، به قرار زیر بود: بنا به تقاضای جمعی متدینین از حضرت آیت‌الله العظمی خمینی و حضرت آیت‌الله العظمی شریعتمداری؛ برای تجدید بنای مدرسه فیضیه قم حسابی به شماره ۱۰ در بانک صادرات شعبه قم افتتاح شد. مسلمانان خیر می‌توانند در تمام شعب بانک مذکور در سرتاسر کشور در این امر مهم شرکت فرمایند. تذکر: شایسته است رسید بانک را برای آیات عظام ارسال نمایی.

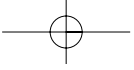
علاوه، بر اینها در ایام عادی هم مراوده و رفت و آمد بین آقایان برقرار بود، ولی طبق روش امام، این دیدارها نوعاً با ضیافت و ناهار و شام همراه نبود. پس از دستگیری و انتقال امام به تهران پس از حوادث ۱۵ خرداد، آیت‌الله شریعتمداری، بر خلاف بعضی توهمات، آنچه را که در توان داشت در نجات جان امام که به‌طور جدی در خطر قرار داشت، انجام داد... مانند نشر اعلامیه ۱۱ ماده‌ای و

پیشینه آشنایی امام خمینی با آیت‌الله شریعتمداری و نوع ارتباطشان در مقطع تحصیلی چگونه بود؟

پرسش نخستین شما را باید علمای معاصر دوره تحصیلی آقایان پاسخ دهند و من در اینجا فقط می‌توانم اشاره کوتاهی از قول برادرم داشته باشم. در این زمینه اخوی بزرگوار اینجانب، مرحوم آیت‌الله آقا سید احمد خسروشاهی که خود همدوره و همدرس آقایان و سپس از مراجع صاحب رساله آذربایجان بود، نقل می‌کرد که: آقای خمینی در مدرسه دارالشفاء با آقای سید صادق لواسانی هم حجره بود و من هم در کنار اتاق آنان حجره‌ای داشتم. ایشان اهل مواظبت به نماز اول وقت و عبادات و ملتزم به درس خواندن بود؛ یعنی در واقع شب و روز ایشان با درس و بحث و انجام مستحبات می‌گذشت و من ندیدم که ایشان وقتی را تلف کند... مع ذلک ایشان اهل مزاح و شوخی در حد معقول و مشروع بود؛ ولی از شوخی‌های آزاردهنده دیگران و یا هجویی معنی احتراز داشت و حتی در نشست‌هایی که این قبیل شوخی‌ها مطرح می‌شد، اصولاً شرکت نمی‌کرد. آقای خمینی از شاگردان مبرز حاج شیخ عبدالکریم بود و در حوزه قم به علم و فضل معروف و مشار بالبنان بود و البته در آن زمان، یعنی دوره فشار و اختناق رضاخانی، مجموعه طلاب حوزه علمیه قم به ۳۰۰ یا ۴۰۰ نفر نمی‌رسید و در واقع همه، همدیگر را می‌شناختند.

یکی دیگر از فضایی آن دوران و از تلامذه برجسته حاج شیخ هم، آقای شریعتمداری بود که در قم به آقا میرکاظم تبریزی معروف بود و با توجه به محدود بودن مناطق حوزوی و شرکت همه فضلا در درس حاج شیخ، به‌طور طبیعی آشنایی‌ها و دوستی‌ها زود آغاز می‌شد و چون دور از تعلقات دنیوی و مادی بود، استمرار می‌یافت، به همین دلیل هم همه طلاب یا هم رفیق بودند. آقای خمینی و آقا میر کاظم تبریزی هم از این قاعده کلی حوزوی مستثنی نبودند، و علاوه بر رفاقت و شرکت در نماز جماعت مدرسه فیضیه، گاهی هم در نشست‌های دوستانه چند نفره، در باره مسائل مطرح شده در درس حاج شیخ، گفت‌وگو می‌کردند، ولی هم مباحثه^۲ نبودند. دوره اختناق گذشت و آقا سید کاظم به تبریز مراجعت نمود و آقا سید روح‌الله در قم ماند و در همه زمینه‌ها، به‌ویژه فلسفه و عرفان صاحب مقاماتی شد و





و می‌کنند، یک وظیفه عینی بوده و هست و ما به نوبه خود و در کنار دیگر احزاب اسلامی برادر، به انجام این رسالت تاریخی و وظیفه عینی برخاستیم و با تأسیس "حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران" می‌خواهیم افراد و گروه‌هایی را که می‌توانیم جذب کنیم و سازمان دهیم، گرد هم آوریم و در زیر پرچم رهبری مرجعیت، در راه تداوم انقلاب اسلامی و پاسداری از ثمرات خون شهیدان راه حق، آنها را به پیش ببریم. تردیدی نیست که بدون تشکیلات صحیح نمی‌توان افراد را سازمان داد، کارها را به‌طور کامل رهبری کرد، انقلاب را تداوم بخشید، ضد انقلاب را سرکوب نمود، مملکت را آباد ساخت. و به وظیفه الهی نشر ایدئولوژی اسلامی در سطح جهانی قیام کرد و...

با لمس همه این واقعیت‌ها، "حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران" پا به عرصه وجود می‌گذارد و به‌رغم همه کارشکنی‌های عناصر ارتجاع و امپریالیسم به راه خود ادامه می‌دهد. اینک اساسنامه حزب، پس از تکمیل، برای آگاهی عموم، همراه مرامنامه، منتشر می‌گردد و انتظار ما آن است که همه رزمندگان راستین راه حق و عدالت، در این نبرد حیاتی، با همکاری و همفکری همه جانبه، یا با انتقاد منطقی و سازنده، ما را یاری دهند. ما در این راه با التزام کامل به اصول اسلامی و همکاری همه جانبه با همه نیروهای مبارز مسلمان و همه گروه‌های اصیل اسلامی، در راه برقراری نظام عدل توحیدی و تکمیل پایه‌های "جمهوری اسلامی" خواهیم کوشید و برای پیروزی کامل و واقعی، هر گونه توطئه‌ای را علیه انقلاب اسلامی ایران افشا و سرکوب خواهیم ساخت و با تمام نیرو، در راه سازندگی کشور، هر اقدام مثبتی را ارج خواهیم نهاد و به یاری آن خواهیم شتافت. در این مسیر، تنها پشتیبان ما "خدا" و نیروی "ایمان" است و یقین داریم که پیروزی نهایی از آن کسانی است که در راه حق گام نهاده‌اند، چرا که این یک وعده الهی است و وعده الهی، هرگز تخلف‌پذیر نیست: آن تنصروا الله ينصركم و یثبت اقدامکم."

هیأت مؤسس حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران

مرامنامه

با استعانت از خدای بزرگ و به امید همکاری و همفکری همه برادران و خواهران مسلمان در سراسر ایران و در راه ساختن جامعه‌ای توحیدی، جمهوری اسلامی، بنیادی نوین و نظامی متناسب به زمان، به حکم مسؤولیت تاریخی و اسلامی که طبق دستور قرآن به عهده داریم لله المشرق والمغرب، وكذلك جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهدا "علی الناس ویکون الرسول علیکم شهدا"؛ شرق و غرب جهان از آن خداست و این چنین شما را امتی در متن زمان قرار دادیم تا برای خلق سرمشق باشید و پیامبر برای شما سرمشق باشد. و با الهام از فرمان الهی که فتوای محتوم تاریخ است: آن الله لا یمیر ما بقوم حتی یمیروا ما بانفسهم؛ خداوند وضع هیچ ملتی را دگرگون نمی‌سازد، مگر آنکه خود را دگرگون سازند. محتوای مرامنامه حزب برای ابد باید مطابق ایدئولوژی اسلامی بماند و هیچ قدرتی حق ندارد روح اسلامی مرامنامه را تغییر دهد. هیأت مؤسس این حق را برای ابد از خود و همه افراد دیگر سلب کرده و اجتماع مسلمین چنین افرادی را که در این خیال باشند، کیفر قرار خواهد داد. برای ایجاد دگرگونی همه جانبه در بنیادهای نظام فاسد سابق تأسیس "حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران" را با مرامنامه کلی زیر، اعلام می‌دارد:

۱- احیاء حقوق اساسی همه مردم ایران، با استقرار جمهوری اسلامی، حکومت عدل خدا بر

اسلامی دیگر نیز همکاری و همفکری کامل و نزدیک داشته باشند که هدف همه آنها خدمت به اسلامی و مسلمین است. از این جهت تأسیس حزب اسلامی به وسیله آقایان به نام حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران با مرامنامه ارسالی مورد تأیید کامل اینجانب می‌باشد و عضویت در آن حزب و سایر احزاب اسلامی که زیر نظر جامعه روحانیت فعالیت دارند، نه تنها بلامانع بلکه یک وظیفه اسلامی و ملی است. از خداوند متعال توفیق همه احزاب اسلامی را در راه برقراری جمهوری اسلامی خواستار است.

سید کاظم شریعتمداری، ۲۳ / اسفند ۵۷ مطابق با ۱۴ع ۹۹/۲
اشاره کردید که مرامنامه حزب را شما نوشتید. مگر کارهای حزب شورایی نبود؟ و متن آن چگونه بود؟

بلی، مرامنامه و مقدمه آن را من نوشتم که نخست در هیأت مؤسس خوانده و تصویب شد و در آغاز اساسنامه "که باز در جلسات شوایی هیأت مؤسس مطرح و به تصویب رسیده بود، چاپ شد. در مقدمه مرامنامه و خود مرامنامه، تحت عنوان: "ما چه می‌خواهیم" که در واقع تکمیل‌کننده محتوای کتاب ترجمه‌ای من درباره خواست اسلام‌گرایان، از قول شهید سید قطب بود که قبل از انقلاب ده‌ها بار تحت عنوان "ما چه می‌گوییم"، چاپ شده بود، اهداف اصلی حزب را بیان داشته‌ام و همان‌طور که در آن ملاحظه می‌نمایید، این اهداف، کاملاً در راستای تحقق اهداف اصلی و نخستین انقلاب اسلامی ایران است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ما چه می‌خواهیم؟

مبارزه بی‌امان و خستگی‌ناپذیر خلق مسلمان ایران، به رهبری مرجعیت شیعه، علیه نظام طاغوتی و استعمار، در میان دریایی از آتش و خون، سرانجام به پیروزی رسید. جهاد انقلابی مسلمانان ایران که جهان با ناباوری به پیروزی آن می‌نگریست، معجزه عصر ما را تحقق بخشید و فریاد الله اکبر "بر صغیر گلوله توپ‌ها و تانک‌ها و مسلسل‌ها غلبه



سید‌های‌خسروشاهی در کنار آیت‌الله شریعتمداری

یافت و دنیا شاهد پیروزی ایمان "بر طاغوت" گردید؛ اما این پیروزی، تازه آغاز راه است و تحکیم پایه‌های این انقلاب و تداوم آن، بی‌تردید نیازمند سازماندهی و تشکیلات اساسی است. تجربه‌های گذشته نهضت اسلامی در ایران و همه جهان اسلام، به‌ویژه از دوران سید جمال‌الدین اسدآبادی تا به امروز، به‌خوبی نشان داده است که عامل اصلی شکست نهضت‌های مسلمانان، همواره فقدان تشکیلات، سازماندهی و رهبری جمعی بوده است؛ بنابراین، به وجود آوردن تشکیلاتی که متناسب با روح انقلاب اسلامی معاصر ایران باشد، برای همه کسانی که احساس مسؤولیت می‌کردند

واقعی است

نقش آیت‌الله شریعتمداری در تأسیس

حزب خلق مسلمان چه بود؟

آیت‌الله شریعتمداری به عنوان یک مرجع تقلید، تمایل داشت که از ایشان به عنوان مؤسس حزب نام برده نشود، ولی چون اعضاء اصلی هیأت مؤسس از هواداران ایشان بودند، به‌رغم اختلاف فکری درباره بعضی از مسائل، به‌ویژه در مورد حوادث و شخصیت‌های دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت، در مسأله تأسیس حزبی در راستای اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران، وحدت‌نظر پیدا کردند

و این بود که ایشان هم اصل موضوع را تأیید نمودند و آنگاه و پس از چندین جلسه مشورتی، اساسنامه‌ای که توسط دوستان تنظیم شده بود، با مقدمه‌ای به عنوان "مram نامه" که توسط اینجانب تهیه شد و به تصویب رسید، همراه نامه‌ای که متن آن را باز من از طرف هیأت مؤسس نوشته بودم، به محضر آیت‌الله شریعتمداری ارائه شد:

محضر مقدس زعیم عالیقدر حضرت مستطاب آیت الله العظمی شریعتمداری دامت برکاته

با سلام و تحیت فراوان به عرض عالی می‌رساند، به‌طوری که خاطر شریف مستحضر است در زمان دیکتاتوری فاسد سلطنتی هیچ گونه امکان فعالیت اجتماعی و سیاسی به‌طور دسته‌جمعی و علنی وجود نداشت و خفقان و اختناق بر همه جا و همه کس حکمفرما بود. اکنون که بحمدالله در اثر مبارزات و مجاهدات ملت مسلمان ایران، رژیم منحوس سرنگون گردیده، عناصر فرصت‌طلب با سوء استفاده از آزادی اسلامی، دستجاتی را تحت عناوین مختلف تشکیل داده، جوانان را به ایدئولوژی‌های ضد اسلامی دعوت می‌کنند؛ لذا تنی چند از افرادی که در طول دوران استبداد و خفقان رژیم منحوس پهلوی در اثر مبارزات مردانه خود بارها به زندان رفته و گرفتار تبعید شده و انواع و اقسام شکنجه‌های روحی و جسمی بر آنها وارد آمده و همواره جلوی زبان و قلمشان گرفته شده است، تصمیم گرفته‌اند در کنار سایر احزاب و جمعیت‌های موجود اسلامی، جمعیتی را با مرامنامه پیوست تشکیل دهند و به کار ارشاد جوانان و تأیید کامل جمهوری اسلامی و آگاهی دادن به مردم مسلمان بپردازند. از آنجا که ممکن است تصور شود در جامعه اسلامی وجود یک حزب یا سازمان کافی است، از محضر مقدس آن پیشوای عظیم‌الشان استدعا می‌شود نظر مبارکتان را در این خصوص مرقوم فرمایید. دوام تأییدات عالی را از خداوند متعال مسئلت داریم.

از طرف هیأت مؤسس حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران
باسمه تعالی

با توجه به دستورات اسلامی در مورد آزادی‌های فردی و اجتماعی در یک جامعه اسلامی، جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که افراد مسلمان فعال و مؤمن نیز می‌توانند با استفاده از فرصت‌هایی که جمهوری اسلامی ایران در اختیار همگان قرار می‌دهد، با تشکل به فعالیت‌های خود ادامه دهند و در این راه با احزاب و گروه‌های

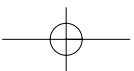
بود و امام به‌رغم استناد به قانون اساسی در سخنرانی یا بعضی اعلامیه‌ها یک بار در مسجد اعظم پس از مراجعت از تهران به صراحت گفتند: این استناد ما برای الزام خصم "است و الا: ما لنا والقانون؟"، یعنی ما با قانون اساسی چه کار داریم؟"



۱۳۴۳. دیدار آیت‌الله شریعتمداری با امام خمینی پس از آزادی ایشان از زندان

بر همین مبنا بود که آیت‌الله شریعتمداری، مهندس بازرگان و فرزند خود سید حسن شریعتمداری را همراه بعضی از رجال به "پاریس" فرستاد تا امام راضی بشود که شاه طبق قانون اساسی فقط "سلطنت" کند، نه "حکومت"...! اما امام در پاسخ گفته بودند که اگر این فرصت از دست برود و شاه بر اوضاع مسلط گردد، بدتر از گذشته "حکومت" خواهد کرد. آقای بازرگان وقتی از پاریس برگشت و من از نتیجه دیدار و مذاکره سؤال کردم، گفت: "من غ یک پا دارد. ایشان می‌گویند شاه باید برود!" به هرحال متأسفانه این روابط حسنه پس از پیروزی انقلاب به جای این که مستحکم‌تر شود، به علت دخالت افرادی مشکوک در قم، تهران و آذربایجان به سردی گرایید. نگاهی کوتاه به عملکرد حزب خلق مسلمان، علت العلل حوادث بعدی را بر یک ناظر آگاه و منصف روشن می‌سازد.

نظر امام در مورد دارالتبلیغ اسلامی چه بود؟
امام نخست نظر مخالفی نداشتند و می‌گفتند مدرسه‌ای است که ساخته می‌شود، مانند بقیه مدارس که آقایان ساخته‌اند! اما به تدریج نظر ایشان برگشت و دیگر خوش‌بینی سابق را نداشتند و نگران بودند که مبدا دولت در آن دخالت داشته باشد! موضوع داشت به مرحله‌ای بحرانی می‌رسید که بنده نامه‌ای به آیت‌الله میلانی در مشهد نوشتم و از ایشان درخواست کردم که مدتی به قم تشریف بیاورند تا بلکه این موضوع حل شود و فیصله یابد، چون اگر اختلاف ادامه پیدا کند، طلاب حوزه، اعم از ترک و فارس با هم برخورد خواهند داشت و رژیم سوء استفاده خواهد کرد. مدتی گذشت و آیت‌الله میلانی پاسخ نامه مراداند و نوشتند که شاید آمدن من موجب تشدید اختلاف گردد، بهتر است که آقایان فضلاء قم خود فکری بکنند، بلکه موضوع حل شود. من متأسفانه متن نامه خود را ندارم، ولی پاسخ آیت‌الله میلانی را دارم که به‌طور شفاف موضوع فوق را مطرح کرده‌اند. بعدها معلوم شد که آیت‌الله میلانی این موضوع و درخواست حقیر و شاید طلاب و فضلاء دیگر را با استاد علامه آقای طباطبایی در میان گذاشته و خواسته بودند که تحقیق کنند و ببینند که آیا آمدنشان صلاح است یا نه؟ و مرحوم استاد علامه در پاسخ خود، ضمن تحسین اصل موضوع و ضرورت حفظ بی‌طرفی و اقامت در منزلی مستقل و غیره، به نکته‌ای اشاره کرده‌اند که حقیقت مطلب در آن نکته نهفته است. علاقمندان به کتاب شرح زندگی آیت‌الله میلانی که تحت عنوان: "علم و جهاد" در دو جلد در مشهد مقدس چاپ شده است، مراجعه کنند که به نظر من، هم عین حقیقت و هم یک قضاوت شرعی و منطقی و



نظرها و اندیشه‌ها

۱۰- نیمه دوم خرداد ماه - شماره ۵

مردم به دست مردم.

۲- نشر و ترویج اصول اسلامی در همه زمینه‌های اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، به خاطر آگاهی هر چه بیشتر خلق مسلمان ایران و در راه تحقق خودسازی انقلابی و پی‌ریزی جامعه اسلامی.

۳- از بین بردن کامل همه آثار شوم و میراث‌های ننگین ناشی از نظام طاغوتی شاهنشاهی و نابودی تمام پدیده‌های استبدادی و برقراری آزادی‌های فردی و اجتماعی، بیان و قلم، مطابق موازین اسلامی.

۴- پاک‌سازی اساسی و بدون وقفه همه بنیادهای فاسد اداری و دولتی سابق و جایگزین ساختن بنیادهای استوار خلقی و اسلامی.

۵- تبدیل قطعی و فوری نظام اقتصادی، سرمایه‌داری فاسد ضد اسلامی وابسته به بیگانه و احیاء و اجرای کامل اصول اقتصادی

اسلامی، در همه زمینه‌ها که تنها با تأمین استقلال اقتصادی، ایجاد نظام صحیح مالی، بازرگانی، کشاورزی، صنعتی و غیره امکان‌پذیر است. در این زمینه محو کامل هرگونه آثار فقر و محرومیت (که به گفته امام علی(ع)، عمدتاً ناشی از استثمار انسان از انسان است، ما جاع فقیر الا بما مع به غنی و تضمین ارزش کار و نفی هر نوع سودپرستی نامشروع، اولویت ویژه‌ای خواهد داشت.

۶- تغییر اساسی سیستم آموزشی کشور و نفی مطلق هر نوع وابستگی فرهنگی غلط به غرب یا شرق، منهای بهره‌مندی از تجربیات سالم و سازنده دنیای امروز، با اجرای اصول آموزش و پرورش اسلامی و حفظ ویژگی‌های منطقه‌ای و ملی، همگام با ریشه‌کن کردن بی‌سوادی در سراسر کشور. در این زمینه همه نهادهای فاسد فرهنگ استعماری موجود و همه ریشه‌های فسادپروری که در مؤسسات علمی و هنری کشور رخنه کرده است، باید نابود گردد.

۷- ایجاد ارتشی مجاهد، مستقل، مؤمن که وظیفه آن دفاع از میهن و منافع خلق مسلمان ایران باشد، بدون هیچ‌گونه وابستگی ارگانیک با غرب یا شرق همگام و هم‌پیمان ساختن آن با نیروهای رزمنده مسلمان که با داشتن وظایف متعدد، در کل، فقط برای حفظ مرز و بوم ایران و مقابله با هر نوع تجاوزی خواهند جنگید.

۸- عملی ساختن اصل نظارت عمومی که به عنوان امر به معروف و نهی از منکر یکی از اساسی‌ترین اصول اسلامی است، به موازات تشکیل شوراهای با توجه به اصل و مشاوره فی الامر که برای تداوم انقلاب اسلامی ایران یک ضرورت حیاتی است.

۹- تأمین همه امکانات برای حسن نظام جامعه از راه برقراری مرکز آمار، بررسی نیازها، ارزیابی امکانات و با استفاده از همه نیروهای انسانی کشور، با رعایت تقوا، تخصص و صلاحیت توأم با مبارزه انقلابی با بیکاری، فساد، تن‌پروری و دیگر پدیده‌های نظام فاسد اسلامی.

۱۰- از نقطه نظر سیاست خارجی احترام متقابل نسبت به همه کشورهای دوست، حفظ استقلال کامل اقتصادی و سیاسی، عدم تعهد در قبال غرب یا شرق، همکاری همهجانبه با کشورهای برادر با توجه به اصل برادری جهانی اسلامی - انترناسیونالیسم اسلامی - همگام با تأیید و یاری بی‌قید و شرط همه خلق‌های مستضعف جهان که در راه احقاق حق خود به نبردی نابرابر برخاسته‌اند: و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال والنساء والوالدان الذین

يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها واجعل لنا من لذنک ولیاً واجعل لنا من لذنک نصيراً : چرا در راه خدا و آن گروه از مردان و زنان مستضعفی نمی‌جنگید که می‌گویند خدایا ما را از این سرزمین ستم‌پیشگان رهایی بخش و از جانب خود برای ما سرپرست و یآوری قرار بدهد.



۱۳۵۸. صحنه‌ای از آشوب آفرینی هواداران حزب خلق مسلمان در قم

هیأت مؤسس حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران

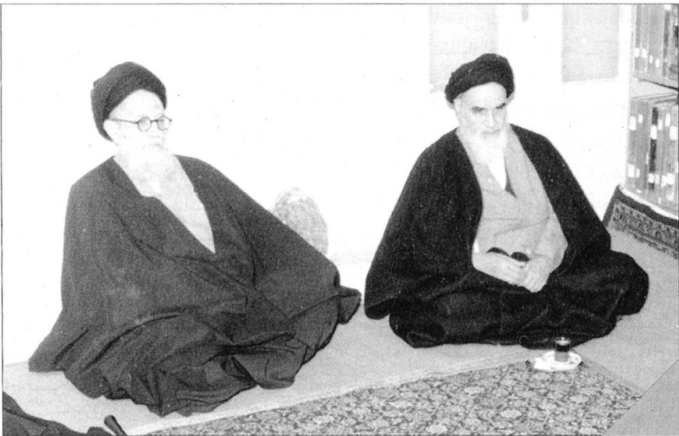
بدین ترتیب، حزب با این برنامه و مرامنامه، فعالیت خود را آغاز کرد و ضمن استقرار دفتر مرکزی آن در نزدیکی میدان کارگر (باغشاه سابق) خیابان عسجدی، جلسات هیأت مؤسس و کمیته مرکزی با حضور اکثریت، به‌طور مرتب تشکیل می‌گردید و راجع به انتشار روزنامه ارگان، عضوگیری رسمی، کادرسازی، تفکیک امور، افتتاح شعب حزب در شهرستان‌ها که درخواست آن به‌طور مرتب و گسترده‌ای به دفتر حزب می‌رسید... و همچنین کیفیت همکاری و تعامل با احزاب و سازمان‌های اسلام‌گرا که تعداد آن بر ۵۰ حزب و سازمان و گروه بالغ می‌گردید و اتخاذ موضعی مشخص در برابر سازمان‌ها و احزاب چپ و لاییک و ملی‌گرایی که از همان آغاز خواستار جدایی دین از سیاست! شده بودند و خود را صاحب و فاتح انقلاب می‌دانستند... و مسائل دیگر مشورت و تصمیم‌گیری می‌شد.

-استاد خسروشاهی: در اوج بحران فعالیت‌های حزبی، ناگهان آقای شیخ صادق خلخالی با نوشتن مقاله‌ای تحت عنوان: پهنه‌ها را از دست خائنان باید گرفت در روزنامه اطلاعات مورخ ۵۸/۲/۲۷ ضمن حمله به تأسیس حزب جدیدی به نام خلق مسلمان که به هیچ‌وجه صلاح و مصلحت رهبران و جامعه اسلامی ما نیست!، از حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی شریعتمداری که کاملاً حسن نیت دارند خواستند که بهانه‌ای به دست خائنان و ایادی و اوباش رژیم سابق داده نشود تا زیر پرچم حزب خلق مسلمان به سینه‌زنی بپردازند. این حمله بی‌موقع و یا حساب نشده، باعث نفرت و انزجار مردم ساده و مسلمانی گردید که با حسن نیت به دنبال حزب اسلامی جدید، قصد فعالیت در راستای اهداف نظامی اسلامی داشتند و با تصور اینکه هدف نویسنده مقاله ایجاد نظامی تک‌صدایی و خفه کردن دیگران

است و یا مقاله نوعی اهانت به آیت‌الله شریعتمداری است، به پا خاستند و تظاهرات راه‌پیمایی‌های اعتراض‌آمیز همه جا را فرا گرفت. متأسفانه همزمان با راه‌پیمایی‌های بزرگ در تبریز و به عنوان پشتیبانی از آیت‌الله شریعتمداری و حزب خلق مسلمان، ناگهان در یک اقدام کاملاً مشکوک

در پشت بام منزل آیت‌الله شریعتمداری، نگهبانی به نام علی رضایی با شلیک گلوله کشته شد که موجب تحریک و خشم بیشتر مریدان و مقلدان ایشان در قم و سپس آذربایجان گردید. وقتی از تبریز به من خبر داده شد که مقدمه یک تظاهرات وسیع و راه‌پیمایی‌های سراسری در آذربایجان فراهم شده و عناصر و سازمان‌های ضد انقلاب، مردم را به شرکت در این تظاهرات تشویق می‌کنند؛ بلافاصله به دیدار آیت‌الله شریعتمداری رفتم و چون ایشان ظاهراً همچنان به صداقت من اعتماد داشتند، از ایشان خواستم که طی اعلامیه‌ای، این راه‌پیمایی‌ها را منع و تحریم کنند تا دشمن مشترک سوء استفاده نکند... ایشان با تأثر از کشته شدن بی‌دلیل یک نگهبان که روی عقیده و ایمان به نگهبانی می‌پرداخت، گفتند: من که دعوت به انجام تظاهرات نکرده‌ام تا آن را لغو کنم. این قبیل اعمال، عکس‌العمل‌هایی دارد که طبیعی است. من توضیح دادم که کسی موافق این اعمال نیست و این جنایت، در تاریکی شب رخ داده و اصولاً معلوم نیست که از طرف چه کسی یا چه گروهی صورت گرفته است و به‌طور طبیعی از پائین کوچه نمی‌توان به قلب یک فرد در پشت بام شلیک کرد، پس این هدف‌گیری در تاریکی شب، از محلی خاص و برای هدف خاصی است و باید از واکنش‌ها جلوگیری به عمل آید. ایشان گفتند: من فکر می‌کنم تا فردا بینم چه می‌شود!

من در اثر معاشرت درازمدت با ایشان، می‌دانستم وقتی آیت‌الله شریعتمداری مسئله‌ای را به فکر کردن موکول می‌کند، آن کار انجام نخواهد گرفت و به منزل برگشتم تا ببینم خدا چه می‌خواهد که در این بین دکتر ابراهیم یزدی به من زنگ زد که شبانه برای امر مهمی از طرف هیأت دولت به قم آمده و می‌خواهد با آیت‌الله شریعتمداری ملاقات کند و دفتر ایشان می‌گوید که دیر وقت است، فردا بیاوید... به سرعت خودم را به در منزل آیت‌الله شریعتمداری رساندم. دکتر یزدی آنجا قدم می‌زد. با منزل ایشان تماس گرفتم و بالاخره، قرار شد همراه دکتر یزدی به داخل آندرونی برویم، چون دیروقت بود و ایشان بیرونی نمی‌آمدند. در اتاق دم در ورودی آندرونی نشستیم و من قبل از آمدن آیت‌الله شریعتمداری به دکتر یزدی گفتم که اگر ما امشب نتوانیم از ایشان



۱۳۵۸. یکی از جلسات مشورتی مراجع تقلید در منزل آیت‌الله العظمی گلپایگانی

اعلامیه‌ای در منع تظاهرات بگیریم، یقیناً فردا هرگز این امر عملی نخواهد شد و تصریح کردم که چون سیدحسن شریعتمداری در تهران است و شب بر می‌گردد، به یقین روی اهدافی که دارد مانع از صدور بیانیه خواهد شد.

در این هنگام آیت‌الله شریعتمداری وارد اتاق



شد و دکتر یزدی شرحی از وخیم بودن اوضاع و تحركات ضد انقلاب گزارش داد و از طرف دولت خواستار صدور بیانیه‌ای شد، اما آیت‌الله شریعتمداری موضوع را به فردا موکول کرد. من و آقای دکتر یزدی بر ضرورت صدور شبانه بیانیه تأکید کردیم و ایشان سرانجام به من گفتند: شما یک چیزی بنویسید تا من ببینم و امضا کنم. من بلافاصله در یک صفحه، یک بیانیه ملایم در ضرورت جلوگیری از اقداماتی که موجب سوء استفاده دشمن و امپریالیسم می‌گردد، نوشتم و به ایشان دادم. آیت‌الله شریعتمداری چند جمله یا کلمه را اصلاح نموده یا تغییر دادند و به من گفتند یک سطر به آخر آن با خط خودم اضافه کنم تا ایشان امضا کنند و آن خط این بود: البته هر وقت ضرورت شد، خود ما دستور تظاهرات و راه‌پیمایی را خواهیم داد و من آن را اضافه کردم و ایشان بیانیه را امضا کردند. من پس از امضا و فی‌المجلس متن آن را پاک‌نویس کرده و به دکتر یزدی دادم که شبانه در رادیو و تلویزیون پخش گردید و طبق معمول! اصل نسخه را برای آرشیو خود، نگه داشتم. متن آن بیانیه با دستخط من و جملات اصلاح شده با خط آیت‌الله شریعتمداری به قرار زیر بود:

بسمه تعالی

واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا

ملت مسلمان ایران

مردم قهرمان آذربایجان

برادران عزیز شهرستان قم

طبق اطلاعات واصله، قرار بوده است که در تبریز و بعضی دیگر از شهرستان‌ها تظاهراتی به عنوان پشتیبانی از ما راه بیندازند. ولی با توجه به اینکه در چنین شرایط حساس و بحرانی که مملکت نیازمند به آرامش و اتحاد کلمه می‌باشد، ممکن است این گونه تظاهرات توسط عناصر مزدور وابسته به امپریالیسم مورد سوء استفاده بشود و منجر به حوادث نامطلوب و غیرقابل جبرانی شود. بدین وسیله از عموم مردم متدین سراسر ایران می‌خواهیم که از هرگونه راه‌پیمایی و تظاهرات خودداری نموده و اجازه ندهند که دشمنان اسلام از فرصت سوء استفاده کنند و البته هر وقت ضروری شد، خود ما دستور تظاهرات راه‌پیمایی را خواهیم داد.

۱۶ محرم الحرام ۱۴۰۰ هجری - قم

سید کاظم شریعتمداری

نگهبانی که در پشت بام منزل آیت‌الله شریعتمداری کشته شد، که بود و چه سمتی داشت؟

مرحوم علی رضائی پاسدار یا نگهبان منزل آیت‌الله شریعتمداری را من می‌شناختم. او حدود سی سال داشت و یک کارگر آذری و دارای همسر و فرزند بود. روزها قالی‌بافی می‌کرد و شب‌ها اوقات فراغت خود را به نگهبانی در منزل ایشان می‌پرداخت. تشییع جنازه مفصلی از او به عمل آمد و حجت الاسلام آقای حاج سید حمید ملکی نماز میت را در صحن حضرت معصومه(س) اقامه نمود. تشییع‌کنندگان که به هزاران نفر می‌رسیدند، پیکر او را با شعارهای تندید بدرقه کردند. کاظم سراج

انصاری مسئول روابط عمومی حزب خلق مسلمان در استان خراسان و از اقوام مرحوم حاج سراج انصاری، اداره مراسم را به عهده داشت. یکی از شعارهایی که همشهریان من به ترکی می‌دادند چنین بود: آیت‌الله هه برنا چیزجانی قوربان ایلروخ، گر اونا توهین اولا، دنیانی ویران ایلروخ

نظرها و اندیشه‌ها

نیمه دوم خرداد ماه – شماره ۵ – ۱۱

انتخابات را به مدت سه هفته به تعویق اندازد و هشدار داده بود اگر چنانچه دولت با تعویق انتخابات موافقت نکند، این حزب از شرکت در انتخابات خودداری خواهد کرد!
” به دنبال رد تقاضای حزب جمهوری خلق مسلمان ایران توسط وزارت کشور، ما بلافاصله نظر مثبت حزب را برای شرکت در انتخابات اعلام کردیم و خبر آن در روزنامه اطلاعات چنین آمد:

”به دنبال نشر نامه‌ای در باره لزوم به تعویق انداختن انتخابات به امضای دبیر کل حزب، امروز اطلاعیه‌ای از طرف مؤسّسین حزب به دست ما رسید که متن آن چنین است: اطلاعیه اخیر منتشره در جراید در باره احتمال عدم شرکت حزب جمهوری خلق مسلمان در انتخابات مجلس خبرگان به امضای (از طرف دبیر کل) بدون اطلاع و تصویب هیأت مؤسّسین بوده و ما بدین وسیله اعلام می‌داریم که مانند همه مردم مسلمان و متعهد ایران و به پیروی از دستور مراجع عظام و به عنوان یک مسؤولیت سرنوشت‌ساز، روز جمعه در انتخابات مجلس خبرگان به کاندیداهای مسلمان و متعهد و مبارز رأی خواهیم داد.
”از طرف هیأت مؤسّسین: سید غلامرضا سعیدی - سید هادی خسروشاهی - محمد فیروزآبادی - دکتر علمیه - کریم انصارین.

تهران ۵۸/۵/۱۰

بدین ترتیب عمق توطئه در رابطه با سلطه‌طلبی عناصری مشکوک و دور زدن هیأت مؤسس و اعضای شورای مرکزی و اعلام یکجانبه تحریم انتخابات! از طرف دبیر کل، موجب گردید که اینجانب پس از کسب اجازه تلفنی از چند نفر از اعضاء شورا که امکان تماس حضوری با آنها مقدور نشد؛ شبانه و یک روز مانده به وقت انتخابات، به دفتر روزنامه اطلاعات و کیهان مراجعه و نظریه موافقت حزب را برای شرکت در انتخابات اعلام کنم که هر دو روزنامه، خبر شرکت حزب در انتخابات را در صفحه اول روزنامه - مورخ ۵ / ۱۱ / ۵۸ - چاپ کردند، اما توطئه‌گران ساکت نشستند و طی بیانیه‌ای ضمن تکذیب خبر شرکت حزب در انتخابات، امضاکنندگان بیانیه را متهم به جعل امضا و نشر اکاذیب نمودند!

...این بود که اینجانب همراه مرحوم گلسترخی و مرحوم حاج کریم انصارین به قم رفتم و موضوع انحراف حزب از مسیر اصلی را با آیت‌الله شریعتمداری در میان گذاشتیم و هشدار دادم که این چندمین بار است که ما تخلفات آقای سید حسن شریعتمداری، فرزند حضرتعالی و رفیق منتظر حقیقی را به اطلاع جنابعالی می‌رسانیم و متأسفانه آنها به راست یا دروغ، مدعی هستند که جنابعالی موافق روش آنها هستید... و این البته اشکالی ندارد. نظر جنابعالی محترم است، ولی همان طور که من در نخستین جلسه مشورتی در حضور جنابعالی و اعضاء اصلی هیأت مؤسس عرض کردم که در صورت انحراف حزب، ما استعفا خواهیم داد و حضرت‌عالی فرمودید که ”مخالفت با نظام جدید و آقای خمینی حرام است... و امروز این دوستان مرتکب این عمل حرام می‌شوند، ما چاره‌ای جز استعفا و اعلام انحلال نداریم .“ آیت‌الله شریعتمداری، طبق معمول باز ما را به آرامش و صبر و بردباری و نصیحت کردن ”بچه‌ها“ دعوت کردند... ولی ما چون یقین داشتیم که ادامه این روش، یعنی نصیحت کردن ! جواب‌دهی مثبتی نخواهد داشت، تصمیم به استعفای دسته‌جمعی و اعلام انحلال حزب را گرفتیم و آن را با شجاعت و شهامت تمام و به‌رغم مشکلاتی که برای ما ایجاد می‌کرد و کاملاً قابل پیش‌بینی بود، عملی ساختیم.

ادامه دارد...

دموکراتیک، جمعیت کردهای مرکز، جمعیت همبستگی ملی، کانون نویسندگان ایران، نهضت رادیکال، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی و... باز بدون اطلاع، در روزنامه خلق مسلمان درج گردید و سخنرانی آقای حسن نزیه تحت عنوان ”خواهیم گذاشت انقلاب ما را منحرف کنند“ و ”مصدق رهبر مبارزات ملت ایران علیه استعمار بود“ و همچنین متن سخنرانی یکی از اعضاء حزب خلق مسلمان ” در همان شماره درج شد که باز گویا اجازه نخواهند داد که فرصت‌طلبان جامعه راه به سوی استبداد بکشاند!

پس در واقع مسأله انتخابات خبرگان باعث استعفای جنابعالی و دوستان حزبی گردید؟

البته اشاره کردم که انحرافات علیده‌ای در رفتار و گفتار بعضی از منسوبین به حزب مشاهده می‌شد که اغلب حمل بر صحت! می‌کردیم و نصیحت! ولی در مسأله انتخابات خبرگان، این انحراف به اوج رسید. در حالی که دکتر احمد علیزاده، دبیرکل موقت حزب که در تبریز همراه مقدم مراغه‌ای مشغول ماجراهای انتخابات بودند، ناگهان اعلامیه‌ای، آن هم نه به امضای نامبرده، بلکه به امضای از طرف! ”وی در جرائد منتشر گردید که اگر انتخابات طبق درخواست حزب به تأخیر نیفتد، حزب در آن شرکت نخواهد کرد. متأسفانه این اعلامیه، باز بدون اطلاع هیأت موسس، آن هم از طرف ”دبیرکل! منتشر گردید که در واقع آغاز اپوزیسیون بازی عناصر مشکوک بود. جالب بود که چپ‌روی کودکانه! دوستان باعث شد که آنها، ولی به نام حزب خلق مسلمان، با احزاب چپ و کمونیستی و ملی‌گرا همراه و همگام شدند و در کنار احزاب و گروه‌های زیر قرار گرفتند: جبهه ملی، حزب ایران، جبهه دموکراتیک ملی، حزب جمهوری‌خواه، حزب پان ایرانیست، حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران، جمعیت بیداری زنان، گروه چریکی اشرف دهقان، اتحاد برای آزادی، حزب آزادی‌خواه ایران، حزب راه آینده، حزب آزادگان، حزب ملت ایران، جمعیت زنان مبارز، جمعیت آزادی و اتحاد برای رهائی کارگر، گروه سیاسی راه نو، حزب جمهوری فدراتیو خلق‌های ایران و امثال این‌ها که اغلب آنها هم دارای چند عضو بیشتر نبودند.

این نوع موضع‌گیری، دیگر ناشی از انحراف یا کج‌اندیشی نبود که حمل بر صحت شود، بلکه خیانتی آشکار بر ضد انقلاب اسلامی و برخلاف اصول و مرامنامه مصوب حزب خلق مسلمان بود.

به همین دلیل، به علت ضیق وقت چون فقط دو روز به انتخابات مانده بود، من مجبور شدم که با چند نفر از اعضاء هیأت مؤسس و یا عضو شورای مرکزی تلفنی تماس بگیرم و موافقت آنها را برای امضا جلب کنم و نظریه حزب را دائر بر شرکت در انتخابات، برخلاف اعلامیه از طرف! ” دبیرکل اعلام کنم. البته وزارت کشور که در آن زمان مسؤولیت آن به عهده دولت موقت و آقای صباغیان بود، طی نامه رسمی که تسلیم دفتر حزب گردیده بود، پیشنهاد حزب را در مورد به تأخیر افتادن سه هفته‌ای انتخابات رد و غیرعملی خوانده بود. در نامه وزارت کشور به حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران آمده بود: طبق موازین قانون انتخابات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی و آئین‌نامه‌های مربوطه، انتخابات در تاریخ ۱۲ مرداد انجام خواهد شد و تغییر این تاریخ احتیاج به مجوز قانونی و تصویب شورای انقلاب دارد .

ولی حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران طی نامه‌ای خطاب به دولت که رونوشت آن در مطبوعات مخالف منتشر شد باز به دلیل ”عدم امکانات لازم جهت برگزاری انتخابات آزاد و نبود فضای مناسب برای تبلیغات آزاد“ تقاضا کرد

طولانی، به نتایج مثبتی رسیدند و قرار شد به تدریج اجرا شود، ولی متأسفانه همان‌هایی که من می‌ترسیدم از اعلامیه دادن آیت‌الله شریعتمداری جلوگیری کنند و ما در غیاب آنها، آن اعلامیه را شبانه از ایشان گرفتیم و پخش شد، به توطئه ادامه دادند. نخست اعلام کردند که این اعلامیه قبل از شهادت نگهبان بیت آیت‌الله شریعتمداری بوده و ثانیاً چون توافقات به عمل آمده اجرا نمی‌شود، تظاهرات باید ادامه یابد.

اصولاً چه شد که جنابعالی و دیگر اعضاء هیأت مؤسس حزب، ناگهان تصمیم به استعفا و اعلام انحلال حزب گرفتید؟

هیأت مؤسس به اضافه افرادی که به آن ملحق شده و شورای مرکزی حزب را تشکیل داده بودند، مشغول فعالیت‌های رسمی و علنی و قانونی خود بودند و جلسات هفتگی و فوق‌العاده شورای مرکزی، به‌طور مرتب تشکیل می‌گردید. کمیته مرکزی و اعضاء حزب در تهران و شهرستان‌ها، برای شرکت در رفراندوم قانون اساسی به‌شدت فعال بودند و مقدمات گزینش کاندیداهای انتخاباتی فراهم می‌شد و در شورای حزب مورد بررسی قرار می‌گرفت؛ دیدگاه‌ها و بیانیه‌ها و نظریات مراجع عظام، به‌طور یکسان مورد توجه شورا و شعب حزب در شهرستان‌ها قرار داشت؛ هفته‌نامه ”خلق مسلمان“ ارگان رسمی حزب به‌طور مرتب با محتوائی کاملاً اسلامی - انقلابی و وحدت‌طلبانه منتشر می‌گردید و شخصیت‌ها و عناصر برجسته‌ای در آن مقاله می‌نوشتند و مردم را به شرکت در برنامه‌های مربوط به تثبیت نظام اسلامی، از جمله تشکیل مجلس خبرگان دعوت می‌کردند. گزارش بزرگداشت سالروز شهادت نواب صفوی در مشهد که با حضور مراجع مشهد مانند آیت‌الله شیرازی، آیت‌الله قمی، آیت‌الله آقا میرزا جواد تهرانی و نمایندگان آیت‌الله میلانی و علمای دیگر، از طرف حزب در مسجد گوهرشاد تشکیل شده بود، به‌طور کامل در روزنامه منعکس گردید... و کارها به‌طور طبیعی پیش رفت که ناگهان عناصر مشکوکی در جلسات حزب دیده شدند و همگامی و همکاری بعضی از عناصر جوان حزب با آنها، موجب نگرانی شد و به‌رغم تذکرها و هشدارها نه تنها ادامه یافت، بلکه دامنه وسیع‌تری به خود گرفت و سرانجام باز در کمال ناباوری و بدون اطلاع مسئولین اصلی حزب، هیأت مؤسس و شورای مرکزی و به نام حزب در بعضی از روزنامه‌ها، بیانیه‌ای منتشر گردید که حزب خلق مسلمان در انتخابات مجلس خبرگان شرکت نمی‌کند! و باید مجلس مؤسسان تشکیل گردد.

از سوی دیگر ناگهان در شماره ۶ روزنامه، بدون اطلاع اینجانب که سردبیر و مدیر مسئول موقت آن بودم... به جای عکس آیت‌الله کاشانی و شهید نواب صفوی، عکسی برای بزرگداشت دکتر مصدق چاپ شد و مطالب آماده شده شماره ۷ روزنامه از صفحات بسته شده آن خارج و مقالات دیگری از عناصر جدیدی در آن جای گرفت. مثلاً یک مقاله در دفاع از روزنامه ”آیندگان“ و یک نامه سرگشاده از ”کانون وکلا“ در روزنامه درج شد و یا پاسخ آیت‌الله شریعتمداری به نامه یا تلگراف: فریدون آدمیت، ناصر پاکدامن، شکرالله پاک‌نژاد، باقر پرهام، علی اصغر حاج سید جوادى، اسماعیل خوئی، غلامحسین ساعدی، محمد علی سپانلو، منوچهر هزارخانی، محسن یلفانی و اعضاى اتحاد برای آزادی، اتحاد چپ، اتحاد ملی زنان، جامعه سوسیالیست‌ها، جبهه ملی



۱۳۵۸. قم. یکی از نیروهای مسلح حزب خلق مسلمان

در کنار تصویر آیت‌الله شریعتمداری

آنجا حضور داشتم. چون ملاقات خصوصی بود، من در آن شرکت نداشتم و از مذاکرات هم مطلع نشدم، ولی اعلامیه‌ای که امام همان وقت صادر کردند، حاکی از نگرانی ایشان از توسعه فتنه است که با این بیانیه از این امر جلوگیری کردند. متن اعلامیه امام خطاب به ملت ایران چنین بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و مبارز ایران ایدهم الله تعالی.

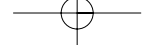
در این موقع حساس که کشور عزیز و اسلام بزرگ روبه‌رو با آمریکای خونخوار است و لازم است همه قشرها باهم هماهنگ و هم‌صدا در مقابل دشمن بزرگ بایستند و فرصت به دست عمال اجانب و ریشه‌های گندیده طرفداران رژیم سابق ندهند؛ مع‌الاسف گاهی شنیده می‌شود که اشخاص بی‌خبر از عمق مسائل، تحت تأثیر بدخواهان غائله به پا می‌کنند و خدای نخواستہ موجب اختلاف و شکاف می‌شوند. من اکیداً از همه ملت شریف می‌خواهم که از مطالبی که باعث اختلاف و بهره‌برداری دشمن است، احتراز کنید و به مراجع عظیم‌الشان و علمای اعلام احترام گذارید. برادران! بدانید فاجعه‌ای که در منزل حضرت آیت‌الله شریعتمداری پیش آمد، به دست توطئه‌گران است که باید محکوم شود و توجه داشته باشند که این نحو امور را توطئه‌گران تکرار نکنند. من از همه قشرهای جوان دانشگاهی و مدارس علوم دینی و روشنفکران و دانشمندان و نویسندگان عاجزانه استدعا می‌کنم در این وقت حساس از هر گونه اختلاف دست برداشته و دشمن بزرگ را هدف قرار دهند. من امروز این امر را تکلیف شرعی الهی و وظیفه ملی می‌دانم. از خداوند تعالی وحدت کلمه ملت و عظمت اسلام و مراجع عالیقدر و پیروزی ملت مسلمان را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمينی

۱۶ - محرم الحرام ۱۴۰۰، ۱۵ آذر ماه ۱۳۵۸

پس از اعلامیه آیت‌الله شریعتمداری و حضرت امام آيا غائله پایان یافت و یا دشمنان برای رسیدن به اهداف خود، به اجرای توطئه‌های دیگری پرداختند؟

البته قابل پیش‌بینی بود که توطئه‌ها ادامه یابد و برای جلوگیری از نتایج آن، هیئتی از شورای انقلاب با عضویت آقایان: مهدوی کنی، مهندس بازرگان، اکبر هاشمی رفسنجانی، احمد خمینی، دکتر یدالله سحابی به قم آمدند و پس از مذاکرات



آیت الله مکارم شیرازی:

عاملان پرونده سازی علیه همدیگر دورترین افراد به خداوند

و نزدیکترین فرد به کفر هستند

حضرت آیت الله مکارم شیرازی، در آخرین درس خارج فقه خود در سال تحصیلی ۸۸-۸۹در مسجد اعظم قم گفتند: متأسفانه امروز پرونده سازی علیه همدیگر زیاد شده است، عاملان این کار دورترین افراد به خداوند و نزدیکترین فرد به کفر هستند.

ایشان، حفظ آبروی مسلمان را مهمتر از جان او دانسته و افزودند: فاش کردن پرونده های مخفی علیه همدیگر خلاف دستورات اسلام است؛ زیرا اسلام حرمت و احترام آبروی مسلمان را از خون او مهمتر بر می شمارد.

معظم له ادامه دادند: در اسلام تهمت، غیبت و سخن چینی به شدت نهی شده است، چون از این طریق آبروی افراد از بین می رود.

این مرجع تقلید در بخش دیگری از سخنان خود اظهار داشتند: در مراسم حرم امام(ره) یک کار غیر اخلاقی واقع شد،

آیت الله مظاهری:

در بسیاری از خبرها و اطلاع رسانی ها اخلاق انسانی و احکام شرعی مراعات نمی شود

آیت الله ّ مظاهری ّ با اشاره به اهمیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نقش برجسته این وزارتخانه در تنظیم و اجراء سیاست های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی، خاطرنشان کرد: مسئولیت خطیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جهت ترویج و تبلیغ صحیح آرمان ها و اصول اسلام و انقلاب اسلامی در همه ارکان و اجزاء کشور، مسئولیتی بسیار بااهمیت است که تنها با توکل به خداوند و تلاش همه جانبه و نگرش های واقع بینانه و اتحاد و همدلی سایر دستگاه های فرهنگی مسئول، اداء و به انجام خواهد رسید.

آیت الله ّ مظاهری ّ وظیفه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه کتاب و نشر را وظیفه ای سنگین برشمرده و تأکید کرد: با توجه به حجم و گستردگی نشر کتاب در کشور، اجراء برنامه های متقنی که همه جهات لازم مانند نظارت بهتر بر کتاب ها، تولید کتاب هائی که به تحکیم علم و دین و خردورزی در جامعه کمک می کند، همچنین ترویج کتاب خوانی و مطالعه و سایر جهات مربوط را در بر داشته باشد، ضروری است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود مسئولیت وزارت

معاون آموزش حوزه های علمیه:

انقلاب فرزند حوزه است

معاون آموزش حوزه های علمیه گفت: حوزه به عنوان کانون پیدایش انقلاب اسلامی جدای از نظام نیست؛ زیرا انقلاب، زاده و فرزند حوزه است.

حجت الاسلام والمسلمین عباسی، اظهار داشت: حوزه های علمیه باید استقلال خود را داشته باشند و حضور جریان ها و دولت ها تاثیری در روند حوزه ها و جهت گیری حوزویان نداشته باشد، چون این مسئله همواره مورد تاکید حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری بوده و هست. وی تاکید کرد: استقلال حوزه هرگز به معنای جدایی حوزه و حوزویان از نظام، انقلاب و ولایت فقیه نبوده و نخواهد بود.معاون آموزش حوزه های علمیه ادامه داد: امروز جریان هایی تلاش می کنند تا میان روحانیت و نظام زاویه ایجاد کنند؛ بنا براین دقت، هوشیاری و بصیرت طلاب و فضلاء همچون گذشته ضروری است.

وی بیان داشت: حوزه هرگز نسبت به انقلاب، نظام و آرمان های آن تردید نداشته و ندارد و تعامل با نظام به هیچ وجه به معنای دولتی شدن حوزه نیست و با استقلال آن منافاتی ندارد.

وی به ارتباط حوزه های علمیه با نظام اسلامی اشاره کرد و اظهارداشت: اگر در بحث تعامل حوزه با حکومت دقت لازم صورت نگیرد، شاهد برخی برداشت های نادرست خواهیم بود، که موجب بروز آسیب در بدنه نظام و حوزه می شود.

حجت الاسلام والمسلمین عباسی افزود: حوزه های



رییس مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه خواستار شد

برنامه ریزی جامع و دقیق برای حوزه های علمیه

امروز باید برای حوزه برنامه ای جامع تدوین نمود و برای رسیدن به اهداف مشخص شده از تمام پتانسیل ها بهره برد.

حجت الاسلام والمسلمین سقای بی ریا در نشست ّم‌اندیشی مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه و نظام ّم که در مجتمع فرهنگی یاوران مهدی(عج) جمکران برگزار شد، با اشاره به گسترش علوم دینی و حوزه های علمیه و نیز علاقمندی افراد برای فراگیری معارف اهل بیت(ع) اظهار داشت: دشمنان اسلام از این ناحیه احساس خطر کرده و در صدد ضربه زدن به حوزه ها هستند.

مقصد و هدف معین باشد

رییس مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم با تاکید بر لزوم برنامه ریزی جامع و دقیق برای حوزه ابراز داشت، باید این برنامه ریزی به گونه ای باشد که وقتی طلبه ای وارد حوزه ها می شود، مقصد و هدف او معین باشد و در همین راستا مسیر وظایف او نیز تعیین گردد.

وی، مدارس سفیران هدایت را نمونه خوبی از برنامه مورد نظر خواند و تصریح کرد: ایجاد این مدارس یکی از اقدامات خوب بود؛ چرا که طلاب از همان ابتدا می دانند که در آینده مبلغ خواهند شد.

مشاور رییس جمهوری در امور روحانیت با بیان این مطلب که بهترین گزینه ای که می توانند این برنامه ریزی را بر عهده بگیرد، مجمع نمایندگان است، تصریح کرد: باید یک برنامه جامع برای حوزه تدوین گردد و از طرفی نظارت هم صورت گیرد تا افراد توانمند و خوش فکر وارد حوزه شده و در راستای رسیدن به اهداف مشخص از تمام امکانات و پتانسیل های موجود بهره ببریم.

مجمع نمایندگان، چشم بیدار و بازوی اجرایی حوزه

وی در ادامه با بیان این که امام راحل (ره) شاخص های اسلام ناب محمدی(ص) را بیان نموده و ما نیز باید بر آن اساس حرکت نماییم، تصریح کرد: یکی از بهترین مکان ها برای تدوین برنامه جامع حوزه، مجمع نمایندگان است؛ چرا که با توجه به ارتباط نمایندگان با بدنه حوزه به خصوص طلاب جوان، می تواند چشم بیدار و بازوی اجرایی حوزه باشد.

تشریح تازه ترین فعالیتهای مرکز ترجمه قرآن

توسط حجت الاسلام نقدی

حجت الاسلام والمسلمین محمد نقدی رئیس مرکز ترجمه قرآن به زبانهای خارجی در گفتگو با مهر اظهار داشت: ترجمه قرآن به زبان چینی در دست انتشار است و تا چند روز آینده پس از انعقاد قرارداد، از سوی ناشری در پکن منتشر می شود.

وی افزود: ترجمه قرآن به زبان چینی نزدیک به ۱۰ سال به طول انجامیده تا نتیجه متقنی حاصل شود.

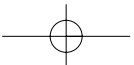
یحیی یون سونگ از اساتید دانشگاه ملی پکن است که سرویراستار این کار بوده و اصل ترجمه از سوی ّسلیمان وی جی سو ّ از دانش آموختگان دانشگاه بین المللی مشهد ایران بوده، در دانشگاه تهران ادبیات فارسی را در مقطع کارشناسی ارشد به اتمام رسانده، به زبان فارسی، عربی تسلط داشته و زبان چینی زبان مادری وی است.

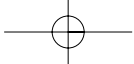
حجت الاسلام محمد نقدی در رابطه با ترجمه قرآن به زبان ژاپنی نیز اظهار داشت: مترجم قرآن به زبان ژاپنی ّسا وا دا ّ برای شرکت در مراسم سالگرد درگذشت بنیانگذار جمهوری اسلامی به ایران سفر کرده و قرار است در جلسه ای روند پیشرفت کار ویرایش ترجمه قرآن به زبان ژاپنی بررسی شود.

وی یادآورشد: برای ترجمه قرآن به زبان آلمانی و دانمارکی تنها گروهی تشکیل و نتیجه اولیه آزمایش شده است اما هنوز این امر برای ما روشن نشده که نتیجه از کیفیت کامل برخوردار است. ترجمه همه متون به ویژه قرآن کار سهل و آسانی نیست از این رو باید با احتیاط کامل پیش رفت.

حجت الاسلام محمد نقدی از طی شدن مراحل پایانی ترجمه قرآن به زبان پشتو خبر داد و گفت: ترجمه قرآن به زبان اردو در حال چاپ است چرا که ما با استفاده از ترجمه های اهل سنت و شیعه این ترجمه را منتشر کردیم تا رهنمود سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی را نیز تحقق بخشیده باشیم و انتظار می رود این ترجمه امسال منتشر شود.

سازمان اوقاف و امور خیریه برای سامان دادن به امر مهم و ارزشمند ترجمه و انتشار مقدس ترین میراث مسلمانان در میان سایر ملل، در کنار سایر فعالیتهای قرآنی خود، ّمركز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی ّ را در سال ۱۳۷۳ تأسیس کرد. هدف نهایی این مرکز، ارائه ترجمه گویا، روان و به دور از تحریف قرآن مجید، به زبانهای زنده دنیا برای میلیونها انسان مشتاقی است که می خواهند به زبان خود حقایق و معارف اسلامی را به طور مستقیم از کانون وحی درک کنند، به گونه ای که مناقشات فرقه ای و مذهبی در آن راه نیابد و ترجمه ای خالی از هرگونه تعصب و شائیه مذهبی باشد.این مرکز تا کنون ترجمه و تفسیر قرآن را به زبانهای انگلیسی، فرانسه، ترکی استانبولی و اسپانیایی منتشر کرده است.





انقلاب فرهنگی، درباره تربیت از نظر ملاصدرا^۱ گفت: طرز تفکر فیلسوف با جامعیت و انعطاف پذیری همراه است. بدین صورت که با در نظر گرفتن تمام جنبه ها به عمق مسائل می رود. اندیشمند ابتدا طرح مسئله کرده، سپس با آن برخورد می کند. اگر بخواهیم از فیلسوفان پیروی کنیم، باید بدانیم آنها از کجا شروع می کنند. وی در ادامه تصریح کرد که برخورداری از روح فلسفی زمینه را برای رسیدن به رشد و کمال فراهم می کند. باید توجه داشت بر خلاف آنچه حسی مذهبان می گفتند حس نمی تواند به تنهایی منبع شناخت و معرفت قرار گیرد بلکه همانطور که کانت معتقد بود برای شناخت هم نیازمند حس هستیم و هم عقل. قرآن نیز می فرماید در جریان شناخت هم گوش، هم چشم و هم عقل مؤثر است.

وی درباره مبحث شناخت در اندیشه ملاصدرا و ابن سینا گفت: ابن سینا شناخت را حضور اشیا در ذهن می داند اما به نظر ملاصدرا معرفت، مربوط به جوهره انسان است. به اعتقاد صدرالمتألهین، انسان جان و هستی خاصی دارد که کارکرد این هستی، آشکارگرایی اشیاست. دکتر شریعتمداری در پایان سخنانش گفت: ما خواهان آن نیستیم که جوانان آرای فلاسفه را بیاموزند، بلکه خواهان نفوذ روح فلسفی در آنهایم به گونه ای که عمق اشیا را دریافته و از خود انعطاف پذیری نشان دهند.

در پایان نشست اول، مراسم رونمایی از تمبر یادبود حکیم ملاصدرا با حضور محمدحسن مجیبان، رئیس هیات مدیره و مدیر عامل شرکت پست و امضای اساتید حاضر انجام شد.

گفت وگوی ارسطو باسقراط درباره اخلاق نیکوماخوس

کتاب گفت وگوی ارسطو با سقراط: درباره اخلاق نیکوماخوس اثر رونا برگر از سوی انتشارات دانشگاه شیکاگو منتشر شده است.

به گزارش مهر، نویسنده در این کتاب به بررسی کتاب اخلاق نیکوماخوس و اخلاق از منظر ارسطو می پردازد.

زندگی خوب برای بشر کدام است؟ این سؤال اساسی ارسطو در اخلاق نیکوماخوس است که بنیان های فلسفه اخلاق در غرب را بنا گذارد. در مورد اصول اخلاقی ارسطو در اخلاق نیکوماخوس دیدگاه های گوناگونی وجود داشته است که مورد توجه نویسنده کتاب بوده است. برگر در این اثر با نگاهی انتقادی به اخلاق ارسطو می نگرد و اصول اخلاقی او را در میان کتاب اخلاق نیکوماخوس جست وجو می کند.

فلسفی

گزارشی از چهاردهمین همایش بزرگداشت ملاصدرا

تربیت فلسفی یا فلسفه تربیت

نیست. او باید به مرتبه عقلانیت برسد که ورود به این مرحله نیازمند مربی است. در اینجاست که جوان با فلسفه پیوند می یابد. در واقع فلسفه، مسئول رساندن آدمی به مرحله عقلانیت است. چنانکه حکیم ملاصدرا نیز در جلد هفتم اسفار می گوید: «خداوند حکیمان را مأمور پرورش جوانان کرده است.» به راستی که در نهاد فیلسوف، محبت به جوان نهفته است. و گاه حکیمی عمر خود را به پای جوان گذارده است. طبق قاعده امکان اشرف، امکان ندارد که خداوند برای حیوانات راهنما و مدبری گذاشته باشد اما برای انسان ها نه. همانطور که ذکر شد، فلسفه، حکمت، حکیم و فیلسوف مسئول تدبیر و پرورش انسانهاست؛ بنابراین جامعه انسانی باید به دو بخش مربی و مدبر و بخش افراد مورد تربیت تقسیم شود، زیرا که به تعبیر اسفار، انسان تنها موجود با شعور است، یعنی می داند که در این دنیا چه چیز است و چه باید بکند. در خاتمه آیت الله سید محمد خامنه ای سخنان خود را در سه مورد خلاصه کرد. به گفته ایشان: ۱۰. جامعه مدبر می خواهد. ۲۰. مسئول یافتن مدبر حکومت است. ۳۰. حکمت و فلسفه، مدبر و مربی سعادت و خوش فرجامی جوان امروز است.

فلسفه، کودکی است

دکتر رضا داوری اردکانی استاد فلسفه و رئیس فرهنگستان علوم، در این همایش درباره آموزش فلسفه و آموزش فلسفی سخن گفت. وی ابتدا فلسفه را از آن جوانان دانست و سپس آن را یک ضرورت خواند و گفت در پیروی از فروع می توان تقلید کرد اما در باب پذیرش اصول، ابتدا باید تحقیق کرد که این تحقیق باید در جوانی صورت بگیرد. اما این مهم چگونه دست یافتنی است؟ آیا همه مردم باید فلسفه بخوانند و بدانند؟ نیچه می گفت: فلسفه، کودکی است. کودکی نه به معنای خامی و تحقیر، بلکه به این معنا که کودک به صراحت پرسش می کند و قصد انتفاع و به کار بردن پاسخ را ندارد. پرسش کودک از سنخ پرسش فلسفی است. تا ۴۰-۵۰ سال پیش بحث فلسفه کودکان مطرح نبود اما اکنون که به تحیر کودکان دقت می کنیم آن را مشابه تحیر آغازگر فلسفه می یابیم. به نظر ایشان هدف از آموزش فلسفی این است که آدمی پرورش داده شود که عقلانی و عقلایی فکر کند، معقول و منطقی باشد، بتواند جایگاه خود را تشخیص دهد، به نظر دیگران احترام بگذارد و بتواند بر رأی خود استوار باشد. اما چه شد که ارباب تعلیم و تربیت از فلسفه کمک خواستند در حالی که هیچ وقت جامعه به مردم توصیه نمی کرد که دنبال فلسفه بروند و آن را بیاموزند؟ دکتر داوری خود پاسخگوی پرسشی بود که مطرح کرد. به نظر او نقض و کمبودی باعث شده تا نظم جهان دچار خلل شده و تربیت کنونی کارساز نباشد. در چنین شرایطی فلسفه کارگشاست، زیرا که به آدمی می آموزد که طرح مسئله کند و به دنبال پاسخ برود. یافتن اینکه من کجا هستم، درک خود، وجود و درک نسبت خود با موجودات و با مبدأ

پس از درگذشت ابن سینا در قرن پنجم و کشته شدن سهروردی در قرن ششم هجری قمری، تاریخ تفکر و فلسفه اسلامی شاهد ظهور حکیم نامدار، ملاصدرای شیرازی بود. این فیلسوف بزرگ که بنیانگذار مکتب متعالیه شناخته می شود، بر پایه تعلیم اسلامی قرآن خرد می ورزید و آثاری پدید آورد که پس از گذشت چندین و چند قرن از آن زمانه هنوز قابل استناد و ارجاع است. هر سال در روز اول خرداد ماه که در تقویم ملی ما ایرانیان به نام روز بزرگداشت ملاصدرا نام گرفته، شاهد برگزاری همایشی با حضور اساتید تراز اول، محققان و مربیان حوزه اندیشه صدرایی هستیم. از آنجا که نسل جوان هرجامعه، فعال ترین نقش را در پیشرفت آن جامعه ایفا می کند و از سوی دیگر، بروز احساسات و عواطف جوانی، این قشر را به شدت آسیب پذیر می کند، پی جویی و طراحی الگوها و برنامه های آموزشی و تربیتی مناسب، باید محور همت متفکران و متولیان جامعه باشد، از این رو امسال چهاردهمین همایش بزرگداشت ملاصدرا، تربیت فلسفی جوان امروز نام گرفت که بنیاد حکمت اسلامی صدرا متولی این همایش بود.

حکیمان و فلاسفه، مدبر و مربی جوانان هستند

پس از سخنان افتتاحیه و اعلام برنامه همایش توسط دکتر حسین کلباسی (دبیر همایش)، آیت الله سید محمد خامنه ای رئیس بنیاد حکمت صدرا به ایراد سخنان خود ذیل عنوان «درآمدی بر حکمت و تربیت جوان» پرداخت و گفت : به دنبال مباحث فلسفه کاربردی، حکمت نظری به سوی حکمت عملی متمایل شد و در این راستا مباحثی درباره سیاست، خانواده و تربیت فلسفی طرح گردید. در این همایش نوبت به جوان رسید، چرا که وظیفه فلسفه برای جوان این است که نقشه راه زندگی را به او ارائه دهد. چنان که انسانی که به عنوان عالم صغیر شناخته می شود می تواند با تربیت فلسفی تبدیل به عالم کبیر شود. ایشان ضمن اشاره به سوره لقمان، محور این کلام الهی را تربیت جوان خواند و گفت در این سوره می بینیم که قرآن با چه ظرافتی جوان را به دست حکمت و فلسفه می دهد. سپس دو نقش موجود در این سوره یعنی پدر به عنوان فیلسوف و پسر به عنوان جوان را برشمرد و تصریح کرد: علت اهمیت دادن قرآن به تربیت جوان این است که جوان باید تحت لوای حکمت و فلسفه رشد کند و همین طور این فلسفه است که نمایاننده راه زندگی به شمار می آید. از این رو می توان به ارتباط نزدیک جوان و فلسفه پی برد. طبق بیانات ایشان وقتی از زندگی کردن سخن گفته می شود، این نکته را باید در نظر گرفت که زندگی کردن در این عالم راه و روش دارد. در روش اول جوان باید بداند که عالم وجود چیست؟ موجودات مطلق چگونه زندگی می کنند و از کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود و به کجا می روم؟ آدمی هم به تبعیت از این عالم دارای لایه های مختلف حس و عقلانیت است. حس و خیال برای انسان کافی

گزارشی از چهاردهمین همایش بزرگداشت ملاصدرا

فلسفه، هنر پرسیدن است

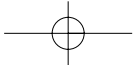
در این صورت ما به موقعیتی می رسیم که این تربیت بر کلیه افراد با کلیه مهارت ها تأثیر می گذارد. دیگر این که تربیت اخلاقی به معنای تشخیص مباحث و ارزش های شناخت است.

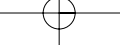
هنر سؤال کردن مسئله مهم دیگری است که در فرایند تربیت فلسفی جوانان باید لحاظ شود. این بدان معناست که عادت دادن افراد به سؤال کردن و خوب پرسیدن بسیار اهمیت دارد.

در واقع چگونگی طرح سؤال، سطح تفکر آدمیان را نشان می دهد و با سؤال کردن است که فلسفه آغاز می شود.



دکتر حمید رضا آیت اللهی، استاد فلسفه و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی در همایش بزرگداشت ملاصدرا ذیل عنوان «شاخصه هایی برای تربیت عام و خاص فلسفی جوانان» به ارائه نظرات خود پرداخت.





نگاهی به ترجمه تازه ای از آثار علامه اقبال لاهوری

کتاب بازسازی اندیشه دینی در اسلام مرحوم اقبال لاهوری که حاوی هفت سخنرانی او در دانشگاه‌های شبه قاره است، یکی از بزرگ‌ترین آثار فلسفی و اسلام شناسی در ۱۰۰ سال اخیر به شمار می‌آید. به تازگی چاپ سوم این کتاب با ترجمه محمد بقایی(ماکان) از سوی انتشارات فردوس با ویرایشی تازه منتشر شده است که به قول مترجم می‌توان آن را ترجمه‌یی دوباره نامید. به علاوه یادداشت‌ها، توضیحات و نمایه‌های تازه به کتاب افزوده شده و بازنگری کامل در متن به عمل آمده است. دکتر بقایی اقبال شناس معاصر آثار مختلفی درباره آرا و اندیشه‌های مرحوم اقبال لاهوری منتشر کرده که علاوه بر ترجمه کتاب حاضر می‌توان به مجموعه ۲۴جلدی بازشناسی آثار و افکار اقبال اشاره کرد.

تاکید علامه اقبال بر بازسازی اندیشه دینی بسیار بیشتر از چهره‌هایی مانند سیدجمال، محمد عبده و محمدرشید رضا بود. به دلیل چنین اهمیت بالایی است که بسیاری از متفکران و شرق شناسان توجه و اقبال ویژه‌یی به آرا و نظرات او داشته‌اند. هرمان هسه در مقدمه یی که بر ترجمه منظومه جاویدنامه او نوشته، عنوان کرده که اقبال لاهوری با احاطه‌یی که بر سه فرهنگ هندی، اسلامی و غربی دارد خواننده خود را به اوج معنویت می‌برد. آنه ماری شیمل نیز درباره پهنآوری اندیشه او می‌گوید؛ اقبال همانند منشوری است که انواری مختلف از او ساطع می‌شود. به قول دکتر بقایی تمامی بزرگان فرهنگ و ادب معاصر ایران از دهخدا گرفته تا بهار، مینوی، تقی زاده، فروزانفر، معین، صورتگر، خطیبی و مانند اینها در ستایش اقبال زبان به تمجید گشوده‌اند و یک صدا او را "مولوی عصر" خوانده‌اند.

محمداقبال لاهوری در سیالکوت که امروزه در ایالت پنجاب پاکستان واقع شده است، به دنیا آمد. نیاکان او از قبیله سپروی برهمنان کشمیر بودند و در سده هفدهم میلادی، حدود ۲۰۰ سال پیش از تولد او اسلام آورده بودند. پدر او مسلمانی دیندار بود. اقبال قرآن را در یکی از مساجد سیالکوت آموخت و دوران راهنمایی و دبیرستان خود را در اسکاچ مشن کالج گذراند. تحصیلات او در رشته فلسفه در

دانشگاه لاهور آغاز شد و مدرک کارشناسی ارشد فلسفه را در سال ۱۸۹۹م بارتبه اول از دانشگاه پنجاب دریافت کرد. وی پس از آن در دانشگاه کمبریج و دانشگاه مونیخ مدرک دکترای خود را در رشته فلسفه گرفت. اقبال در دوره کارشناسی ارشد با توماس آرنولد ارتباط نزدیکی پیدا کرد و در اروپا نیز با ادوارد براون و نیکلسون مراودات علمی داشت.

اقبال در دوران جنگ جهانی اول در جنبش خلیفه که جنبشی اسلامی بر ضد استعمار بریتانیا بود، عضویت داشت و با مولانا محمدعلی و محمدعلی جناح همکاری نزدیک داشت. او در سال ۱۹۲۰در مجلس ملی هندوستان حضور داشت، اما از آنجا که گمان می‌کرد در این مجلس اکثریت با هندوها است پس از انتخابات ۱۹۲۶ وارد شورای قانونگذاری پنجاب شد که شورایی اسلامی بود و در لاهور قرار داشت. در این شورا وی از پیش نویس قانون اساسی که محمدعلی جناح برای احقاق حقوق مسلمانان نوشته بود حمایت کرد. اقبال در ۱۹۳۰ به عنوان رئیس اتحادیه مسلمانان در الله آباد و سپس در ۱۹۳۲ در لاهور انتخاب شد.

اقبال یکی از نامورترین و سرشناس‌ترین شاعران پارسی‌گوی غیرایرانی در ایران است که نظیر شاعر بزرگی همانند بیدل دهلوی پذیرش ویژه‌یی در ایران یافته است. از کل ۱۲ هزار بیت شعری که توسط اقبال سروده شده است هفت هزار بیت آن فارسی است. تز دکترای اقبال مربوط به سیر حکمت در ایران بوده است و آرزو داشت تهران روزی جایگاه ژنو در اروپا را پیدا کند. شاید بنیادی‌ترین دلیل شهرت اقبال در ایران چهره مذهبی و نوگرایانه او باشد و به همین دلیل بار نخست از سوی مذهبی‌ها (مانند مطهری و...) شناسانده شد.

همچنین مرحوم اقبال را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان جهان اسلام دانست که منبع فکرش با معارف و سنن دینی ارتباطی وثیق دارد. اقبال معتقد است روح قرآن با تعلیمات یونانی سازگاری ندارد و بسیاری از گرفتاری‌ها از اعتماد به یونانی‌ها ناشی شده است. او ارسطوزدگی را یکی از آسیب‌های مهم فلسفه و تفکر اسلامی می‌داند. به اعتقاد اقبال از آنجا که روح قرآن به امور

عینی توجه داشت و فلسفه یونانی به امور نظری می‌پرداخت، کوشش مسلمانان برای فهم قرآن از منظر تعالیم یونانی محکوم به شکست است. او درباره فهم تجربی و پوزیتیویستی معتقد است اندیشه مسلمانانی مانند ابن حزم در خصوص ادراکات حسی به عنوان منبع شناخت و ابن تیمیه در تبیین اهمیت روش استقرا و کندی در خصوص احساس متناسب با انگیزه و استعمال آن در روانشناسی، مقدمات نظری مباحث تجربی جدید غرب را پدید آورده است. اقبال شکوفایی روش تجربه و مشاهده در تمدن اسلامی را نتیجه جدال ممتد با اندیشه یونانی می‌داند. او در تأیید پیشگامی مسلمین در روش تجربی مثال‌هایی را از آثار و نظریه‌های علمی بیرونی در ریاضیات و مساله زمان، خوارزمی در جبر و اعداد و عراقی و خواجه محمد پارسا در روانشناسی دینی ذکر می‌کند.

اقبال همواره می‌کوشید مردم را آگاه کند و از بند استعمار برهاند، از این رو نگاهی درمان گرایانه به کشورهای استعمارشده اسلامی پیرامون خود داشت و با نظر به ویژگی‌های سیاسی آن زمان و اندیشه‌های اسلامی، نظریات و آرای او پذیرش ویژه‌یی پیدا کرد. دلیل دیگر چهره فرامرزی اقبال را می‌توان در پیوستگی فرهنگی و تاریخی و مذهبی کشورش با برخی کشورهای همسایه مانند ایران و افغانستان دانست. اقبال از شرایط مسلمانان معاصر به منزله یکی از انگیزه‌هایی که وی را به احیایگری کشاند سخن می‌گوید؛ شرایطی انسانی که میان گذشته اصیل و پر بار و وضعیت جدید و فریبنده، متردد و متحیر است. او در این باره می‌گوید: در ظرف مدت ۵۰۰ سال اخیر، فکر دینی عملاً حالت رکود داشته است. زمانی بود که فکر اروپایی از جهان اسلام الهام می‌گرفت. ولی برجسته‌ترین نمود تاریخ جدید سرعت عظیمی است که جهان اسلام با آن سرعت از لحاظ روحی در حال حرکت به طرف مغرب زمین است. در این حرکت هیچ چیز، نادرست و باطل نیست چه فرهنگ اروپایی، از جنبه اخلاقی آن، گسترشی از بعضی از مهم‌ترین مراحل فرهنگ اسلامی است. ترس ما تنها از این است که ظاهر خیره کننده فرهنگ از حرکت ما

خوبیها و مکارم اخلاقی انسان متکامل، و از بین بردن ناپسندها، بدیها و رذائل اخلاقی - و برقراری عدالت و مردمی در جوامع انسانی است. فردوسی و شاهنامه او که بلندترین قله در چشم‌انداز ادبیات فارسی، بلکه در آثار ادبی جهان است، چونان بنیانی مرصوص و رفیع از طوفانهای فتنه‌زای روزگاران مصون و پایدار خواهد ماند و ارزشهای اهورایی نظیر: ستم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و آزادی، در پرتو انوار زندگی‌بخش آن بالندگی و شکوفایی دائمی خود را حفظ خواهد کرد و به تعالی روح و اندیشه و بروز استعدادهای هنری و دینی آیندگان کمک خواهد کرد.

پی بردن به عظمت کار جاودانه‌ای که استاد فرزانه طوس به انجام آن دست یازیده، به پژوهشی وسیع و کامل نیاز دارد، لذا جلد دوم کتاب قلمرو ادبیات حماسی ایران اختصاص دارد به شاهنامه و زندگی و آرا و جهان‌بینی و هنر شاعری فردوسی و تأثیری که شخصیت و اثر او در ادبیات فارسی و گویندگان حماسه‌سرای بعد از خود گذارده است. کتاب حاضر در سه دفتر و

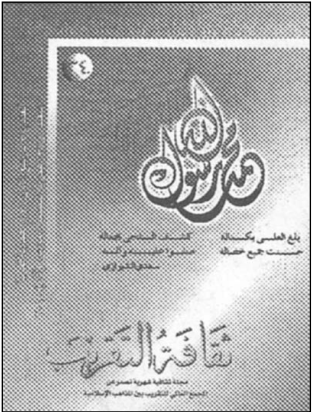


جلوگیری کند و از رسیدن به ماهیت واقعی آن فرهنگ عاجز بمانیم."

به اعتقاد مرحوم اقبال، اسلام می‌تواند به منزله پیامی برای تمامی بشریت و به خصوص برای مسلمانان در زمانی که ویژگی تجربی بر معرفت بشری غالب است، اعتبار عام بیابد. این تلاش برای آن نیست که به اسلام ارزش کلی ببخشد بلکه برای کشف ارزش آن در نظر انسان تجربه‌گرایعنی انسان معاصر غرب و در نظر مسلمانانی است که در این روزگار زندگی می‌کنند.

اقبال عمده‌ترین مباحث در باب احیایگری دینی را در فصل ششم از کتاب خویش تبیین کرده است. این فصل حاوی نکات قابل تاملی در زمینه رنسانس اسلامی است. او در این فصل با تحسین آمیخته به انتقاد از تحولات ترکیه سخن می‌گوید. از مطالب زیر می‌توان گوهر اندیشه اقبال را درخصوص رنسانس به دست آورد: ما با کمال میل به نهضت آزادی گری در جهان جدید اسلام خوشامد می‌گوییم؛ ولی باید این را پذیرفت که ظهور افکار آزادی گرانه در اسلام بحرانی‌ترین لحظه را در تاریخ این دین تشکیل می‌دهد. آزادی گری تمایل به آن را دارد که همچون نیروی متلاشی‌کننده عمل کند و اندیشه نژادی که اکنون بیش از هر زمان دیگر با نیرومندی در جهان اسلام کار می‌کند، ممکن است بالاخره وسعت نظر انسانی را که ملت‌های مسلمان از دین خود فرا گرفته بودند، محو کند. از این گذشته مصلحان دینی و سیاسی ما با شوق و حرارتی که برای آزادی گری دارند، ممکن است با نبودن سد و بندی در برابر شور و شوق و جوانی ایشان، از اندازه درگذرند و از حدود خاص اصلاح تجاوز کنند. ما اکنون مرحله یی را می‌گذرانیم که شبیه است به مرحله انقلاب پروتستانی گری اروپا، و از درسی که از ظهور لوتر ممکن است بگیریم، نباید غافل بمانیم؛ چون تاریخ به دقت خوانده شود، معلوم می‌شود اصلاح دینی اروپا اصولاً یک نهضت سیاسی بوده و نتیجه خالص آن در اروپا جانشین شدن تدریجی دستگاه‌های اخلاقی ملی به جای اخلاق عمومی مسیحیت بوده است.

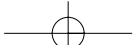
ثقافة التقرب



شماره سی و چهارم ماهنامه عربی ثقافة التقرب منتشر شد. در این شماره مطالب زیر به چاپ رسیده است: المذهبيه والطائفية، التوحيد في المفهوم القرآني (علامه طباطبایی(ره))، وقات عند فكر الامام الخامنئي، قيس من السيرة النبويه في ذكرى المولد، من مظاهر التعامل المذهبي (آيت الله محمدعلي تسخيري)، التنوع المذهبي و الشباب (محمدعلی نظام زاده)، منهج السيد الحكيم في التقريب، السلفية



سازندگی تمدن جهان نقشی مؤثر داشته‌اند. در این منظومه سترگ، اندیشه‌ها و حکمت‌های اسلامی حکیم فرزانه طوس زیربنای موضوعات معنوی و اخلاقی آن را تشکیل می‌دهد. خوبی و بدی، خیر و شر که نمادهایی از نور و ظلمت، یا نیروهای اهورایی و اهریمنی هستند، در سراسر این اثر، به نیروی ذوق، هنرآفرینی و بلاغت سراینده توانایش جلوه‌گرند. و جنگهایی که قهرمانان ایرانی شاهنامه - به‌ویژه در ادوار اساطیری و پهلوانی - با دشمنان ایران زمین و دیوان می‌کنند، در جهت تبلیغ و توسعه‌پسندها،



معرفی کتاب «پدر، پسر، روح القدس»

کتاب «پدر، پسر، روح القدس» اثری از محمدرضا زائری که شعر شاعران مسیحی درباره امام علی(ع) و امام حسین(ع) است، منتشر شد

این کتاب حاصل حضور چندساله حجت الاسلام محمدرضا زائری در جامعه لبنان است که در قالب کتابی با نام «پدر، پسر، روح القدس - تجلی عشق علوی و شور حسینی در شعر شاعران مسیحی» منتشر شده است.

در این کتاب عناوینی مرتبط با امام علی(ع)، حسین بن علی(ع)، واقعه کربلا، شعر مذهبی عربی، شاعران مسیحی، تاریخ و نقد آمده است و در ۲۱۰ صفحه این کتاب دیدگاه شاعران مسیحی عرب زبانی که در مدح این دوامام شعر سروده‌اند و علاقه آنان به بزرگان اسلام گنجانده شده است.

این اثر که از سوی انتشارات خیمه به چاپ رسیده است در حقیقت نخستین ویرایش کتابی است که در پیوست‌های آن زندگی‌نامه و برخی نمونه‌ها از اشعار شاعران مسیحی لبنانی آمده است. این کتاب، مجموعه‌ای است از یافته‌ها و پژوهش‌های وی در مواجهه با مسیحیانی که اشعاری در مدح امام علی و امام حسین(ع) سروده‌اند.

وی که در مقدمه این کتاب، از علاقه خود به ادبیات عرب از کودکی اشاره می‌کند، در میان سروده‌های بولس سلامه، جرج شکور، جوزف هاشم، سلیمان کتانی و جورج زکی الحاج، به رشته تحصیلی خود در دانشگاه فرانسی بیروت که روابط اسلام و مسیحیت بود، نزدیک شد و آن را در متن مردم لبنان زندگی کرد. کتاب «پدر، پسر، روح القدس» نیز حاصل زندگی در بافت فرهنگی و اجتماعی لبنان و در میان مسیحیان و مسلمانان این کشور است و زائری در این کتاب به نمود و بازنمایی علاقه شاعران و نویسندگان مسیحی عرب زبان به امیرالمومنین و امام حسین(ع) پرداخته است.

در این کتاب عناوینی مرتبط با امام علی(ع)، حسین بن علی(ع)، واقعه کربلا، شعر مذهبی عربی، شاعران مسیحی، تاریخ و نقد آمده است و در ۲۱۰ صفحه این کتاب با دیدگاه شاعران مسیحی عرب زبانی که در مدح این دوامام شعر سروده‌اند و علاقه آنان به بزرگان اسلام آشنا می‌شویم. زائری با اشاره به زندگی‌نامه تک تک شاعران مذکور، برخی از اشعار آنان را که ملهم از زندگانی امیرالمومنین و سیدالشهدا و در ستایش آنان نوشته شده، آورده است.

معرفی کتاب سیاست و خردمندی

خطرات تاریخی - سیاسی دکتر علی

شریعتمداری

«سیاست و خردمندی» با عنوان فرعی «خطرات تاریخی - سیاسی دکتر علی شریعتمداری» گردآوری علی محمد گودرزی از سوی کتابهای سیمرغ وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه در ۱۷۱ صفحه منتشر شد.

این کتاب تأمل و نگاهی ژرف به زندگی سیاسی - اجتماعی و خطرات مبارزاتی دکتر علی شریعتمداری استاد صاحب‌نام و باسابقه دانشگاه دارد. در خلال مرور یادها و خطرات این استاد با گوشه‌هایی از رویدادهای سیاسی ایران آشنا می‌شویم که در بستر تاریخ این سرزمین پدید آمدند و زمینه‌ساز بزرگترین رویداد سیاسی و تاریخی ایران یعنی انقلاب اسلامی شدند.

گودرزی در مقدمه این کتاب نوشته است: در صفات حمیده و پسندیده بی‌شمار شخصیت ممتاز جناب دکتر شریعتمداری چند خصیصه بیشتر جلب نظر می‌کند؛ دینداری و پارسایی، خداترسی و ولایت‌دوستی، آزاداندیشی و آزادیخواهی، خردگرایی و دانش‌دوستی، سنت‌گریزی و نوگرایی، ظلم‌ستیزی و مظلوم‌نوازی، دنیا‌گریزی و آخرت‌طلبی، عشق به ایران و میهن دوستی و افزون بر آنچه گفته شد می‌توان به صفاتی مانند منش بزرگوارانه و طبع بلند، تواضع و خشوع در برابر خداوند، بهره‌گیری از تفکر منطقی و دوستدار سنت و اخلاق علمی و عاطفه پدرانه نسبت به دانشجویان و عشق به تعالی انسان اشاره کرد.

«سیاست و خردمندی» می‌توان به نکات تاریخی فعالیت حزب توده، ملی‌ها و گرایش اسلامی، اختلاف جناحهای نهضت کودتای ۲۸ مرداد، استمرار فعالیت‌های فرهنگی - سیاسی تا پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی و احیای ارزشهای انسانی از موضوعات این کتاب به شمار می‌روند.

محمدجواد ادبی جانشین دکتر مهدی محقق در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شد



دکتر محقق در بهمن ۱۳۰۸ در مشهد در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. پدرش مرحوم محقق واعظ خراسانی از خطباء و دانشمندان ممتاز خراسان بود و تسلط و احاطه فراوانی به اخبار و احادیث داشت. طبیعی است که فرزند حوزوی نیز علاوه بر تحصیلات امروزی، از علوم حوزوی نیز بهره‌مند شود؛ به طوری که در سال ۱۳۳۰ موفق به اخذ درجه اجتهاد از آیات عظام کاشف الغطاء و سیدمحمدتقی خوانساری گردید. در سال ۱۳۳۷ نیز دوره دکتری الهیات دانشگاه تهران را به پایان رسانید و سال بعد موفق به اخذ درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی از همین دانشگاه گردید و در سال ۱۳۳۹ به عضویت هیأت آموزشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران درآمد.

در سال ۱۳۴۰ از طرف دانشگاه لندن دعوت برای تدریس در دانشکده زبانهای شرقی شد و به مدت دو سال در آن دیار به سر برد. در سال ۱۳۴۵ به مقام استادی دانشگاه نائل آمد و تا سال ۱۳۶۱ که بازنشسته گردید، با همان سمت در گروههای زبان و ادبیات فارسی و عربی و فلسفه و علوم اجتماعی دانشگاه اجتماعی دانشگاه تهران به تدریس دروس مختلف پرداخت. طی سالهای ۱۳۴۷-۱۳۴۴ و ۱۳۵۷-۱۳۵۵ و ۱۳۶۱-۱۳۶۰ در دانشگاه مک‌گیل کانادا به تدریس فلسفه و کلام و عرفان اسلامی پرداخت و در سال ۱۳۴۷ شعبه مؤسسه مطالعات اسلامی آن دانشگاه را در تهران تأسیس کرد و نتیجه آن، نشر متجاوز از دهها اثر نفیس در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی است که با همکاری متجاوز از سی تن از استادان داخل و سی تن از استادان خارجی در دو مجموعه «سلسله دانش ایرانی» و «تاریخ علوم در اسلام» فراهم آورد و به جامعه علمی تقدیم داشت.

در سال ۱۳۵۳ به عنوان رئیس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی برگزیده شد و با استفاده از امکانات مؤسسه مطالعات اسلامی، ده اثر به استادان آن رشته تقدیم داشت و نیز در همین سال به عنوان عضو هیأت امنا با انجمن فلسفه همکاری کرد و در نشر آثار علمی دانشمندان شیعی ایرانی به وسیله آن انجمن در این توفیق علمی سهم گردید. پس از بازنشستگی، به مدت پنج سال، سالی سه ماه در کانادا تدریس کرد و پس از آن پنج سال در مؤسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی مالزی به عنوان استاد ممتاز فلسفه اسلامی به تدریس و تحقیق اشتغال ورزید و نشر مجموعه‌ای از متون و تحقیقات در زمینه علوم اسلامی را بنیان نهاد که تاکنون دوازده مجلد از آن به همت آن مؤسسه در تهران و کوالالامپور در مجموعه «اندیشه اسلامی» منتشر شده است. و نیز به دعوت دانشگاه آکسفورد سالی یک ماه در آنجا به تحقیق و مطالعه درباره تاریخ پزشکی اشتغال داشته و برخی از استادان را در راهنمایی رساله‌های دکتری در زمینه علوم اسلامی یاری کرده است.

پس از انقلاب اسلامی به ریاست دانشکده دماوند منصوب شد و بعد از آن در سال ۱۳۶۱ سازمان دائره‌المعارف تشیع را پایه‌ریزی کرد و همچنین پس از انتصاب به عضویت هیأت امنای

حجت الاسلام محمدجواد ادبی به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تأیید اکثریت هیأت امنا، به جای دکترمهدی محقق، رئیس جدید انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شد.

حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد ادبی عضو کمیسیون مشورتی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مسئول کارگروه فلسفه و عرفان در کمیته فرهنگ و تمدن شورای عالی انقلاب فرهنگی رسماً فعالیت خود را از چهارشنبه ۱۲ خرداد در ساختمان اصلی انجمن آغاز کرد.

وی که دانش آموخته حوزه و دانشگاه است بیشتر مسئولیت‌های مختلفی در شهرداری‌های تهران و صدا و سیما داشته است.

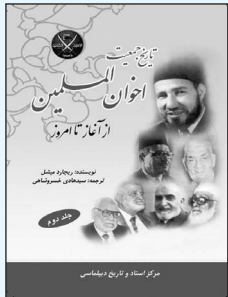
ترجمه آثاری نظیر کتاب نیایش(۱۳۸۲)، اسلام و جهانی شدن(۱۳۸۳)، حکمت ادیان شرقی(بودا)(۱۳۸۶) و تألیف کتبی نظیر روزنه‌ای به مفاهیم ادیان در دایره‌المعارف‌های بزرگ دین(۱۳۸۹) در کنار مقالات مختلف به زبان فارسی و انگلیسی در همایش‌های داخلی و خارجی از فعالیت‌های علمی وی به حساب می‌آید.

وی در سال ۱۳۸۳ به عنوان پژوهشگر برتر حوزه فلسفه و دین انتخاب شد و در همایش صلح جهانی در سال ۲۰۰۶ در کشور هندوستان به عنوان منتخب معرفی شد.

گفتنی است که پیش از این، استاد دانشمند آقای دکتر مهدی محقق - عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و عضو وابسته فرهنگستان علوم پزشکی - عهده‌دار این سمت بودند که از سال ۱۳۷۸ تاکنون با اشراف ویژه‌ای که به تاریخ علم و جریان علمی کشور و آشنایی نزدیکی که با دانشمندان رشته‌های مختلف دارند، علاوه بر فعالیت‌های چندجانبه خویش، توانستند با برگزاری همایش‌های ابن سینادر همدان(با چاپ ۳۰ کتاب نفیس ابن سینا)و قرطبه و اصفهان(با چاپ ۴۵ کتاب ارجمند)، موجی فراگیر و پایدار در بزرگداشت ۱۰۵ تن از دانشمندان جهان اسلام و به خصوص ایران(و عمدتاً از معاصران) ایجاد کنند و از بزرگانی چون: دکتر سید جعفر شهیدی، علامه علی اکبر دهخدا، علامه ابوالحسن شعرانی، آیت‌الله حاج شیخ هادی نجم آبادی، آیت‌الله العظمی بجنوردی، دکترعلی اقبالی، علی اصغر فقیهی، شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری(ادیب ثانی)، دکتر غلامحسین مصاحب، دکترمهری باقری، استاد محمد پروین گنابادی، پروفیسور ویلیام چیتیک، دکترعلی اکبر شعاری نژاد، سیدحسین قاضی طباطبائی، محمد بهمن بیگی، احمد بهمنیار کرمانی، حاج محمد آقا نخجوانی، دکترعبدالرسول خیام پور، دکتر غلامحسین شکوهی، میرزا حسن رشدیه، دکترحسن تاج بخش، دکترنصرالله پورجوادی، دکترعلی محمد کاردان، مستوره کردستانی، استاد احمد بیرشک، آیت‌الله سیدجلال الدین آشتیانی، استاد حسینعلی راشد و ده‌ها شخصیت ممتاز که همگی از مفاخر جهان اسلام بودند، تجلیل به جا بیاورند و آنها را به نسل جوان بشناسانند. یکی از دلایل توفیق ایشان در این امر خطیر و فرهنگ ساز، این بود که او خود از بزرگان قدرناشناخته این وادی است و نگاهی به زندگی پربارش نشان می‌دهد که چگونه توانسته میان علوم مختلف سیر کند و با تسلطی چشمگیر، به خلق و نشر آثاری پربار بپردازد.

معرفی کتاب

کتاب «تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز»



تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز نوشته دکتر ریچارد میشل، با توضیحات صالح ابورقیق و دکتر ابوالسعود و ترجمه استاد سید هادی خسروشاهی از سوی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه منتشر شده است.

این کتاب نتیجه تحقیقات پروفیسور ریچارد میشل (Richard Mitchele) استاد تاریخ در دانشگاه میشیگان آمریکا است که پس از پنج سال اقامت در مصر و پژوهش و کاوش علمی، کتابی با نام «جمعیت اخوان المسلمین» (brother the society of muslim) درباره تاریخ و اندیشه بزرگترین جنبش سیاسی مصر، منتشر کرده است. از نقاط قوت کتاب این است که منابع و مستندات فراوانی دارد و نشان می دهد که نویسنده تا چه حد محققانه کار کرده است. دوم اینکه استاد خسروشاهی این کتاب را از روی متن عربی آن - که توسط انجمن اسلامی آمریکا ترجمه و چاپ شده است - به فارسی درآورده است که شامل توضیحات تکمیلی و اصلاحی دو تن از شخصیت های برجسته اخوان المسلمین، استاد صالح ابورقیق - عضو مکتب الارشاد اخوان و نفر دوم اخوان پس از شهادت حسن البناء و مدیر مرکز مخطوطات عربی و سازمان فرهنگ و علوم مصر - و دکتر محمد ابوالسعود، اقتصاددان عضو اخوان و مقیم آمریکا، است که چاپ انگلیسی کتاب، فاقد این توضیحات است. سوم توضیحات استاد خسروشاهی است که - با چند دهه تحقیق و مشاهده عینی چگونگی پیدایش و استمرار حرکت اخوان المسلمین در مصر و جهان اسلام - در ترجمه فارسی این کتاب ذکر شده است. البته این، همه توضیحات استاد خسروشاهی درباره اخوان المسلمین نیست؛ چراکه مترجم اندیشمند کتاب در مقدمه، وعده انتشار یادداشت هایش درباره این جنبش اسلامی را به صورت کتبی مجزا در ۴۰۰ صفحه داده است. چهارم اینکه، مترجم، کتاب پروفیسور میشل را در دانشکده های حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و روابط بین الملل وزارت امور خارجه تدریس کرده و آن را در مجامع علمی و دانشگاهی از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار داده است.

ترجمه کتاب این استاد تاریخ دانشگاه میشیگان در دو جلد منتشر شده است که جلد اول آن، از سه مقدمه و پنج فصل و جلد دوم هم از شش فصل تشکیل شده است. نویسنده در چهار فصل اول جلد اول کتاب، به تاریخ پیدایش جمعیت اخوان المسلمین، نحوه تأسیس این جمعیت و سیر آن می پردازد و در فصل پنجم و پایانی جلد اول هم به انحلال این جنبش سیاسی دینی توسط دولت مصر می پردازد. در جلد دوم، نویسنده در فصل ششم و هفتم، سازمان و تشکیلات اخوان المسلمین و آموزش و ارتباطات این جنبش انقلابی را تحلیل می کند. نویسنده در فصل هشتم به بررسی دیدگاه های اخوان المسلمین درباره صوفیه، تاریخ مصر، احزاب، سیاست، سرمایه داری، تمدن غربی، استعمار و... می پردازد. راه حل های این جنبش اسلامی سیاسی در خصوص بازگشت به اسلام و اصلاح جامعه اسلامی و حکومت به تفصیل در فصول نهم و دهم به تفصیل توضیح داده می شود. پایان بخش کتاب هم ارزیابی نویسنده محقق از این جنبش و آینده سیاسی آن است. در انتهای هر دو جلد کتاب هم اعلام، اماکن، فهرست کتب و مقالات برای استفاده مخاطبان و پژوهشگران آمده است.

گفتنی است جلد اول این کتاب ۴۵۶ صفحه و تیراژ ۲۰۰۰ نسخه برای نخستین بار در بهار ۱۳۸۶ منتشر شد که در تابستان ۸۷ به چاپ دوم رسید. جلد دوم این کتاب هم در ۳۹۲ صفحه، تیراژ ۱۰۰۰ نسخه در زمستان ۱۳۸۷ منتشر شد. مطالعه این کتاب تحلیلی به محققان و همه فعالان نهضت های جهان اسلام و اساتید و دانشجویان رشته علوم سیاسی و تاریخ جهان پیشنهاد می شود.

آیت الله جوادی آملی:

مشکلات کشور نتیجه بی اخلاقی ها است

دیگر مردم مشکلی ایجاد کند یا خود از راه منحرف شود به دنبال هدفش حرکت می کند و نهایتا هم به آن می رسد.

آیت الله جوادی آملی تأکید کرد: این ها که امام فرمود، نهایت تقوا بود اما در مورد لزوم تسریع در کسب تقوا می فرمایند: حالا که تقوا این برکات را دارد عمل کنید و الان که فرشتگان می بینند، می نویسند و اعمالتان را بالا می فرستند، وقت را غنیمت شمارید و با قدرت عمل کنید چرا که حتی یاقوت را با وقت می توان خرید ولی وقت را با یاقوت نمی توان به دست آورد.

ایشان ادامه داد: درب توبه الان باز است و خداوند دعای ما را می شنود اما وقتی لحظات آخر عمر رسید دیگر نه توبه قبول می شود و نه دعا شنیده.

راه اندازی پایگاه اطلاع رسانی مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

مضاعف، اصلاح الگوی مصرف، نوآوری و شکوفایی، اتحاد ملی و انسجام اسلامی و پیامبر اعظم (ص) براساس فرمایشات رهبر معظم انقلاب قرارداد.

مدیر فناوری اطلاعات مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما با بیان این که پایگاه اطلاع رسانی مرکز به صورت خودکار به روز رسانی می شود، ابراز داشت: پایگاه اطلاع رسانی مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما با حضور دکتر غلامرضایی، معاون آموزش و پژوهش سازمان صدا و سیما به نشانی <http://www.irc.ir/> افتتاح شد.

گفتنی است، علاقه مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند به نشانی قم - بلوار امین - مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما مراجعه و یا با شماره های ۲۹۱۹۶۷۱ و ۲۹۱۹۶۷۳ با پیش شماره ۰۲۵۱ تماس بگیرند.

خاک مالیده شود دیگر به دنبال منیت نمی رود و نمی گوید همه چیز دنیا باید برای من باشد.

ایشان با بیان که امام علی (ع) می فرماید کلید هر کار صحیح تقوا است ادامه داد: ما در این دنیا احتیاجاتی داریم که از طریق ضوابط یعنی خرید و فروش و یا روابط که همین روابط فامیلی و دوستی را شامل می شود آن ها را برطرف می کنیم اما پس از مرگ نه روابطی وجود دارد نه ضوابطی و تنها از طریق اندوخته های خود در این جهان است که می توانیم نیازهایمان را رفع کنیم.

این مرجع تقلید خاطر نشان کرد: امیر المؤمنین معتقد است همه سقوطها بر اثر بی تقوایی است ولی وقتی تقوا پدید آمد انسان به اهداف خود می رسد چرا که وقتی تصمیم گرفت کاری را انجام دهد بدون این که برای

آیت الله جوادی آملی با بیان این که جامعه را اخلاق و تقوا اداره می کند بی اخلاقی را عامل بسیاری از مشکلات کشور دانست.

آیت الله جوادی آملی از مراجع قم در جلسه درس اخلاق خود وجود چند میلیون پرونده در دستگاه قضایی را نتیجه بی تقوایی عنوان کرد و گفت: تقوا عامل اصلی اداره جامعه است و اگر در یک جامعه اخلاق حاکم باشد و مردم آن با تقوا باشند دیگر شاهد این تعداد پرونده در دادگاه ها نخواهیم بود چرا که کسی به حق دیگری تجاوز نمی کند.

آیت الله جوادی آملی با اشاره به این که در نماز هفت جای بدن باید هنگام سجده بر روی خاک قرار گیرد ابراز داشت: در کنار این ۷ رکن مستحب است بینی نیز بر روی خاک قرار داده شود و این برای آن است که انسانی که ۱۷ بار بینی اش به

پایگاه جدید اطلاع رسانی مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما با قابلیت های بیشتر و ارائه امکانات متنوع تر راه اندازی شد.

علیرضا سرمدی، مدیر فناوری اطلاعات مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما از راه اندازی سایت جدید مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما با قابلیت ها و ارائه محصولات متنوع تر خبر داد و گفت: متن تمام محصولات حوزه هنر، دین و رسانه جمع آوری و در این پایگاه ارائه می شود.

وی با بیان این که آرشیو تمام کتاب های مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما با جستجوی کامل در این پایگاه اطلاع رسانی وجود دارد، افزود: تاکنون ۲۵۰ عنوان کتاب در موضوعات مختلف ادبیات، هنر ارتباطات و رسانه، اقتصاد، مدیریت، تاریخ، جامعه شناسی، مطالعات فرهنگی، حقوق، سیاست، دین شناسی، علوم تربیتی و روانشناسی در این پایگاه وارد شده که در آینده به ۴۵۰ عنوان کتاب افزایش خواهد یافت.

مفتی مصر:

کسی نمی تواند میراث فقهی شیعه را بی اعتبار کند

دکتر علی جمعه مفتی مصر گفت: بسیاری از علمای مسلمان و علمای الازهر و دیگر موسسات اسلامی به جواز استفاده از میراث فقهی تمامی مسلمانان از جمله میراث فقهی علمای زیدیه و امامیه اقرار کرده اند.

وی در دیدار سفیر ایران در قاهره افزود: تراث این مذاهب از ثروت های فکری است که کسی نمی تواند آن را بی اعتبار کند.

مفتی مصر خاطرنشان کرد: باید میان رفتارهای افراطی برخی گروه ها و حکومت ها از یک سو و منش های حکیمانه از سوی دیگر تفاوت قائل شویم.

وی با انتقاد از رفتارهای افراطی در خصوص مذاهب اسلامی ابراز داشت: ما این شیوه را محکوم می کنیم و معتقدیم نباید بر شیوه های تقریب گرایانه فائق بیاید.

دکتر علی جمعه ادامه داد: مسلمانان در تمام نقاط جهان باید ضمن اختلاف در رنگ و تمایلات و مذاهب خود، تلاش و پشتکار در جهت وحدت اسلامی داشته باشند و این امر، شرعا واجب است. وی گفت: شرایط کنونی اقتضا می کند که موضوع وحدت اسلامی را در اولویت نخست خود قرار دهیم و به عنوان یک ضرورت بر آن

پافشاری نماییم.

مفتی مصر با اشاره به مفهوم تقریب گفت: تقریب به این معنا نیست که فردی از مذهبی به مذهب دیگر داخل شود و همچنین به معنای این نیست که فردی از اعتقادات خود کوتاه بیاید.

وی رفتارهای افراطی در این زمینه را محکوم کرد و ابراز داشت: لازم است که ندای حکمت و اعتدال در همه جا ظاهر شده تا به این وسیله به مسایل اسلام در جهان معاصر خدمت شود.

خاطرنشان می شود پیش از این نیز دکتر علی جمعه طی فتوایی اعلام کرده بود: استفاده از فقه شیعه به نفع منافع امت اسلامی جایز است و هیچ حرجی در آن نیست.

وی تأکید کرده بود: ما باید به پیشرفت هایی که شیعه بدان رسیده اعتراف کنیم؛ زیرا واقعیت، جزئی جدانشدنی از فقه آنان است و شیعیان همیشه جزئی جدا نشدنی از امت اسلامی هستند.

مفتی مصر همچنین گفته بود: برخی برای از بین بردن اتحاد مسلمانان و تضعیف آنان در جهت نفوذ و اجرای نقشه های دشمنان اسلام به بررسی کتب قدیمی شیعه و یافتن موارد اختلافی اقدام می کنند که این اشتباهی بزرگ است.



مجموعه سایت های مرکز :
سایت مرکز بررسی های اسلامی
www.iscq.ir
سایت استاد خسروشاهی
www.khosroshahi.org
سایت سید جمال الدین اسدآبادی:
www.moslehesghargh.com
سایت تحلیلی - خبری بعثت
www.besatonline.com

بعثت
نشریه مرکز بررسی های اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیر مسوول:
سید هادی خسروشاهی
سر دبیر:
سید محمود خسروشاهی
دفتر مرکزی:
قم: خیابان شهدا (صفائیة) نیش ممتاز
تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳
صندوق پستی: ۱۳۶
چاپ: سپهر
پست الکترونیکی:
Besatonline@gmail.com